

۱۷۴



نشر حنا

۱۳۷۸

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

مرکز اسناد و اطلاع رسانی

شماره ثبت: ۱۵۱۸

تاریخ ثبت: ۱۳۶۶/۱۱

تاریخ ثبت: ۱۳۷۱/۷/۷۹
شماره ثبت: ۷۶۶۳



تحول

نامگذاری کودکان تهرانی

(۱۳۴۵-۱۳۷۴)

نوشته

عباس عبدی

با همکاری

سمیرا کلهر

عبدی، عباس، ۱۳۳۵ - تحول نامگذاری کودکان تهرانی (۱۳۴۵ - ۱۳۷۴) / پژوهشگر عباس عبدی؛ همکاری سمیرا کلهر؛ مجری فروغ السادات بنی هاشم. - تهران: نشر حنا، ۱۳۷۸.

۱۹۲ ص.: جدول، نمودار.

ISBN 964-90911-3-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۱۹۱ - ۱۹۲.

- ۱. نامهای اشخاص -- ایران -- تهران -- تحقیق.
- ۲. نامهای ایرانی -- تحقیق. الف. کلهر، سمیرا، ۱۳۳۸ - ب. بنی هاشم، فروغ السادات، ویراستار.
- ج. عنوان.

۹۲۹/۴۴۰۷

CS۳۰۲۰/ع۲۵ت۳

۶۹۷۰-۷۸م

کتابخانه ملی ایران



نشر حنا - تهران - صندوق پستی ۳۴۵۱-۱۵۸۷۵ تلفن ۸۸۵۱۸۰۷

عنوان: تحول نامگذاری کودکان تهرانی

نوشته: عباس عبدی

حروفچینی و صفحه آرایی: مؤسسه نشر نقش بیان

جلد: کبری ابراهیمی

چاپ اول: ۱۳۷۸

ناشر: نشر حنا

شمارگان: ۲۰۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: سازمان چاپ ۱۲۸

کلیه حقوق چاپ محفوظ است

ISBN-964-90911-3-0

شابک: ۹۶۴-۹۰۹۱۱-۳-۰

پیشگفتار	
مقدمه	۱
بخش اول: ابعاد نظری	۳
۱- فرهنگ، نام و نماد	۳
۲- تحول فرهنگی	۵
۲/۱- مراتب تحول	۷
۲/۲- الگوهای تحول	۸
۲/۳- عوامل تحول فرهنگی	۱۱
۳- آسیب‌شناسی فرهنگ	۱۳
۴- گرایشهای فرهنگی در ایران	۱۶
۵- عوامل جامعه‌شناختی نامگذاری در ایران	۲۱
بخش دوم: طرح تحقیق	۲۷
۱- اهمیت و اهداف پژوهش	۲۷
اهداف تحقیق	۲۸
۲- متغیرهای پژوهش	۲۸
تعریف مفاهیم متغیرها	۲۹
۳- روش پژوهش	۳۶
۴- بررسی پدیده دو اسمی	۳۷
۵- پیشینه پژوهش	۳۹
۶- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری	۴۶
۷- روش تحلیل داده‌ها	۵۲

۵۳	بخش سوم: تحلیل داده‌ها
۵۵	فصل اول: تحلیلی بر وضعیت تنوع اسامی
۵۶	۱- جنسیت
۵۷	۲- گرایش فرهنگی
۵۸	۳- گرایش فرهنگی و جنسیت
۵۹	۴- مصداقی بودن
۶۰	۵- مصداقی بودن و جنسیت
۶۱	۶- حروف الفبا
۶۳	فصل دوم: متغیرهای مستقل
۶۳	۱- جنسیت
۶۴	۲- محل صدور شناسنامه پدر
۶۵	۳- محل صدور شناسنامه مادر
۶۶	۴- تاریخ تولد پدر
۶۷	۵- تاریخ تولد مادر
۶۷	۶- حوزه دریافت شناسنامه کودک
۶۹	فصل سوم: متغیرهای بینابینی
۶۹	۱- نام پدر
۶۹	۱/۱- گرایش فرهنگی نام پدر
۷۱	۱/۱/۱- گرایش فرهنگی نام پدر و سال تولد او
۷۲	۱/۱/۲- گرایش فرهنگی نام پدر و حوزه
۷۲	۱/۱/۳- گرایش فرهنگی نام پدر و محل صدور شناسنامه پدر
۸۳	۲- نام مادر
۹۳	نتیجه

۹۵	فصل چهارم: (متغیر وابسته) نام فرزند
۹۶	۱- گرایش فرهنگی نام فرزند
۹۷	۱/۱- گرایش فرهنگی و جنسیت
۹۹	۱/۲- گرایش فرهنگی نام فرزند و والدین
۱۰۰	۱/۳- گرایش فرهنگی نام فرزند و حوزه
۱۰۱	۲- متغیر ساختی
۱۰۱	۲/۱- مصداقی بودن نام فرزند
۱۰۲	۲/۲- تعداد سیلاب در نام فرزند
۱۰۴	۲/۳- تعداد حروف در نام فرزند
۱۰۵	۲/۴- تعداد حروف سخت در نام فرزند
۱۰۶	۲/۵- پیشوند و پسوند در نام فرزند
۱۰۷	۲/۶- ساخت ترکیبی نام فرزند
۱۰۹	۲/۷- ریشه نام فرزند
۱۱۱	نتیجه
۱۱۳	فصل پنجم: سیر تحول نامگذاری (۱۳۴۵-۱۳۷۴)
۱۱۳	۱- تحول در فرهنگ
۱۱۳	۱/۱- تحول در فرهنگهای اصلی
۱۲۶	۱/۲- تحول در اسامی اسلامی
۱۴۱	۲- تحول در عوامل ساختی
۱۴۱	۲/۱- مصداقی بودن
۱۴۸	۲/۲- ریشه
۱۵۲	۲/۳- حروف
۱۵۲	۲/۴- سیلاب

۱۵۴	۲/۵- پیشوند و پسوند
۱۵۷	۲/۶- ساخت ترکیبی
۱۵۷	۲/۷- نرمی و سختی حروف
۱۵۸	۳- جزئیات تحول
۱۶۶	نتیجه
۱۶۹	فصل ششم: تغییر نام
۱۷۶	خلاصه یافته‌ها
۱۸۱	فهرست منابع

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در هر جامعه، مستلزم شناخت ابعاد مختلف فرهنگ آن جامعه، گرایش‌های فرهنگی موجود در آن و سیر تحولات فرهنگی جامعه است که احتمالاً طی سالهای متمادی واقع می‌شود و به صورت مختلف اثرات خود را بازمی‌نماید. به طور قطع، بدون این الزامات، راهیابی به توسعه فرهنگی و ساماندهی فرهنگی جامعه میسر نخواهد بود. لذا، ضروری است در خصوص این الزامات فرهنگی، تحقیق و بررسی شود. / فرآیند نام‌گذاری کودکان به عنوان مقوله‌ای فرهنگی نمایانگر گرایش‌های فرهنگی غالب در سطح جامعه و در میان خرده‌فرهنگ‌ها می‌باشد، با شناخت تحولات نام‌گذاری کودکان طی چند دهه می‌توان به تحولات فرهنگی جامعه پی برد. بدین منظور، مرکز پژوهش‌های بنیادی درصدد برآمد طراحی را در این خصوص به اجرا در آورد تا بر اساس آن بتواند گرایش‌های فرهنگی اقشار مختلف مردم را از طریق تحولاتی که طی چند دهه (یک دهه پیش از انقلاب اسلامی و دو دهه پس از آن) در نام‌گذاری کودکان رخ داده است، بررسی کند. / براساس یافته‌های این تحقیق می‌توان به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در جهت اشاعه فرهنگ مناسب جامعه اسلامی ایران پرداخت. / از این رو، نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر برای کلیه سازمان‌ها و دستگاه‌های فرهنگی کشور به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی کشور قابل استفاده خواهد بود. از

سوی دیگر، به دلیل نوآوری در موضوع و روش تحقیق، این پژوهش می‌تواند برای اساتید، پژوهشگران و دانشجویان علوم اجتماعی ایده‌بخش باشد. این مرکز، از مجری محترم این طرح پژوهشی؛ آقای مهندس عباس عابدی و همکاران پژوهشگر ایشان، که در این تحقیق وی را یاری رسانیده‌اند، کمال تشکر و امتنان را دارد. امید است یافته‌های این پژوهش در نظر پژوهشگران و صاحب‌نظران امور فرهنگی و کلیه علاقه‌مندان به پژوهش فرهنگی مقبول افتد.

مرکز پژوهش‌های بنیادی

پیشگفتار:

مطالعه حاضر در صدد است که با توصیف و سپس تحلیل یکی از عامترین مشخصه افراد، یعنی نام آنها، به تصویری قابل قبول از سیمای عام فرهنگی و تحولات آن طی سه دهه اخیر (۴۵-۱۳۷۴) بپردازد.

قضاوت درباره این که پژوهش در رسیدن به هدف خود تا چه حد موفق بوده است، طبعاً بر عهده صاحب نظران و خوانندگان است ولی تا حد امکان کوشش شده که مجموعه مراحل پژوهش با دقت و وسواس کافی انجام گیرد. با این حال از تذکر کاستیها و نواقص آن از طرف خوانندگان استقبال می شود.

اجرای پژوهش محصول کار و تلاش جمع کثیری است که یادآوری نام همه آنان امکانپذیر نیست. این پژوهش نیز با مساعدت و همفکری افراد زیادی به سرانجام رسیده است که از کلیه آنان سپاسگزاری می شود.

به لحاظ محتوایی، مساعدت جناب آقای دکتر علی محمد حق شناس استاد محترم زبان شناسی در انتخاب برخی متغیرهای پژوهش بسیار مغتنم بوده و حق مسلمی که بر این پژوهش دارند موجب امتنان پژوهشگر و همکاران است.

همچنین دینی که خانم پروانه طهماسبی بر این پژوهش دارند بیش از آن است که صرفاً به یک تشکر بسنده شود، اگر پشتکار و دقت عمل ایشان نبود اجرای کار به سرعت کنونی میسر نبود که بدینوسیله از حسن همکاری ایشان قدردانی می گردد.

این پژوهش با استفاده از خدمات پژوهشی گروه پژوهشی آینده به اجرا در آمد.

مقدمه

"گفته شده است: موجودی که در اعماق دریا زندگی می‌کند، آخرین چیزی را که کشف می‌کند، آب است. او فقط زمانی از وجود آب آگاه خواهد شد که حادثه‌ای اتفاقی او را به سطح آب آورد و با هوا آشنا سازد... به طور کلی، توانایی شخص برای دیدن فرهنگ خویش، مستلزم داشتن اندکی واقع‌نگری است که اگر نگوئیم هیچ، ولی به ندرت وجود دارد" (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۷۴).

بدون شک اولین نماد فرهنگی که با هر فردی پس از تولدش همراه می‌شود و معمولاً تا پایان عمر نیز همراه اوست، نامی است که پدر و مادر بر وی می‌نهند و دیگران نیز او را بدین نام می‌خوانند، شاید به دلیل هد بن عمومی بودن و همراهی همیشگی است که توجه به آن کمتر است. همچنین ممکن است به دلیل ثبات بلندمدت آن، حساسیتها را به خود جلب نکند. و تنها در مواقعی که تغییراتی قابل توجه در آن ایجاد می‌شود، توجه پژوهشگران را معطوف به خود نماید.

فقدان پژوهشهایی در زمینه نامگذاری کودکان نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای دیگر نیز ملموس است. مطالعاتی در این نوع در آمریکا نیز حداکثر به چند مورد بالغ می‌شود. شاید علت این امر، مسأله نبودن نامگذاری کودکان برای جامعه است و طبعاً ضرورتی نیز پژوهشگران را به سوی شناخت این مسأله سوق نمی‌دهد.

با این حال از اهمیت فرهنگی نام نباید غافل شد، به ویژه آن که پس از هر تحول جدی فرهنگی در یک جامعه از اولین عرصه‌هایی که تغییرات چشمگیری در آن رخ می‌دهد، نام کودکان است (و در مواردی هم که قصد تغییرات فرهنگی از بالا در میان باشد، برخی از حکومتها فشارهایی قانونی یا غیر قانونی برای تغییر نام اعمال می‌کنند. مثل سیاستهای دولت

کمونیستی بلغارستان علیه اقلیت ترک تبار و مسلمان این کشور که از این طریق قصد قطع پیوستگی تاریخی و قومی این اقلیت را داشتند که معمولاً با مقاومت شدید مواجه می‌شد. تحولات چند دهه اخیر ایران، در عرصه فرهنگ نیز انعکاس داشته است. و از آنجا که نامگذاری ارتباط نزدیکی با مسأله فرهنگ دارد، تغییرات فرهنگی در نامگذاری کودکان خود را نشان داده است. بدین لحاظ شناخت تحولات نامگذاری کودکان یکی از منابع مفید و قابل اطمینان برای شناخت تحولات فرهنگی در جامعه ایران است.

بخش اول

ابعاد نظری

۱- فرهنگ، نام و نماد

هدف اصلی شناخت تحولات نامگذاری کودکان در واقع رهیابی به تحولات فرهنگی در جامعه ایران است. مستقل از این که هر گونه تعریفی که تاکنون از فرهنگ شده را بپذیریم، نامگذاری کودکان جزو مقوله فرهنگ قرار می‌گیرد. اگر تعاریف تشریحی را مد نظر قرار دهیم، نام کودک طبعاً یکی از انعکاس‌های دین، اخلاق، ارزش و غیره خواهد بود. و اگر تعاریف تاریخی فرهنگ را بپذیریم نامها عموماً ارتباط وثیقی میان فرد و تاریخ وی برقرار می‌کنند، و جامعه‌ای را بدون وجود نامهای تاریخی و قهرمانان آن نمی‌توان باز شناخت. در تعاریف هنجاری و روشی نیز نامگذاری یک عمل و پدیده فرهنگی است، چراکه جزئی از راهها و رسوم است که عمل و اندیشه فرد را با دیگران شکل می‌دهد، زیرا نامها حامل مجموعه‌ای از ارزشها و باورها هستند که راه و روش نسبتاً خاصی را ترویج و تبلیغ می‌کنند.

در تعریف روانشناختی فرهنگ نیز می‌توان پذیرفت که با نامگذاری مشخصی بر کودک فرد هدفهای خاصی را القاء می‌کند و پیش می‌برد و همچنین نامگذاری ایجاد نوعی عادت در روابط نمادین میان افراد است و از دیدگاه ساختی به نظر کلاکن، فرهنگ سیستمی است از طرحهای پدیدار و ناپدیدار برای زندگی که از تاریخ سرچشمه می‌گیرد (آشوری، ۱۳۵۷، ص.ص ۶۱-۶۲) پر واضح است که از این زاویه نیز نامها جزء مهمی از فرهنگ به شمار می‌روند. و بالاخره از منظر تکوینی نیز نامها و نامگذاری جزء غیر قابل تردید فرهنگ هستند. زیرا که انسانها در نهایت آن را به وجود می‌آورند، و سپس برای دیگران به ویژه نسل بعد به ارث می‌گذارند و منتقل می‌کنند.

با این حال اگر تعاریف تکوینی فرهنگ را با تکیه بر نمادها در نظر بگیریم، نام افراد جزء بسیار مهمی از آن خواهد بود، چرا که نامها در اساس چیزی نیستند، جز یک "نماد". و وجه ممیز انسان از دیگر موجودات کاربرد نمادهاست. به طوری که برخی از صاحب‌نظران انسان را موجودی نمادی تعریف کرده‌اند. (گی‌روشه، ۱۳۶۷، ص ۹۶)

"نماد (Symbol) عبارت از هر چیزی است که بتوان با آن به طور معنی‌دار چیز دیگری را معرفی کرد" (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۸۰) بنابر این هر نماد چند عنصر "دال"، "مدلول" و "دلالت" را همراه خود دارد. از نظر روشه کنش اجتماعی کاملاً و دائماً در نمادگرایی غوطه‌ور است، و نمادها در رابطه با کنش اجتماعی دو کارکرد اساسی دارند، کارکرد ارتباطی و کارکرد مشارکتی. نخستین کارکرد همان است که به وسیله نمادگرایی در انتقال پیام میان دو یا چند فرد بکار گرفته می‌شود و دومین کارکرد همان است که به وسیله نمادگرایی به احساس تعلق به گروه یا جماعات کمک می‌کند و یا آن را بر می‌انگیزد.

از نظر «روشه» کارکرد مشارکت چهار شکل اساسی دارد، نمادهایی که همبستگی را ممکن می‌سازند تا به اعضای جماعات یادآوری نمایند که به آن جماعات تعلق دارند و آنها را از دیگران متمایز می‌کنند، این نمادها نه تنها جماعات را به طور عینی نمایش می‌دهند، بلکه می‌توانند کمک کنند تا احساسات، تعلق و همبستگی اعضا را برانگیزند و حفظ کنند.

نمادهای سازمانهای مبتنی بر سلسله مراتب و نیز نمادهای مربوط به گذشته از قبیل خلاصه کردن گذشته در چند واقعه، اسم، اسطوره و... که از طریق تقویت حافظه تاریخی عامل قوی همبستگی اجتماعی است و این نمادها دارای بار عاطفی جمعی است. و بالاخره نمادهای مذهبی شکل دیگر کارکردهای مشارکتی نماد است. (روشه، ۱۳۶۷، ص ۹۷-۱۰۹)

در صورتی که نام را به عنوان یک نماد تحلیل کنیم روشن است که هم کارکرد ارتباطی دارد و هم این که سه کارکرد همبستگی، ایجاد و تقویت حافظه تاریخی و مذهبی را دارا می‌باشد.

یکی از عوامل مهمی که مهاجران دارای نامهای متعلق به خرده فرهنگها، اسامی فرزندان خود را از فرهنگ غالب بر می‌گزینند، ناشی از کارکرد همبستگی نام فرد در روابط و کنش اجتماعی است، زیرا ضرورت جذب شدن در جامعه شهری چون تهران، مهاجران را از گزینش نامهای نامأنوس با این جامعه برحذر می‌دارد.

یکی از مسایل اساسی تحلیل "نمادی" اثبات این نکته است که از هر "نماد" درک کاملاً یکسانی وجود داشته باشد و متناسب با آن درک بکار برده شود. ولی واقعیت این است که این امر به طور صد درصد محقق نمی‌شود. در هر حال، هنگامی که تمام افراد درگیر عمل از ژست معینی فهم یکسانی از افعال و نیات داشته باشند نمادها معنای "بین ذهنی" می‌یابند. هر چند ممکن است اشتباهات پیش بیاید، ولی با توجه به این واقعیت که معانی با تجربه جمعی کسانی که نمادها را بکار می‌برند همبسته است، احتمال اتفاق این گونه اشتباهات کمتر می‌شود. (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص ۲۲۵)

در حقیقت از اینجا به نکته مهم دیگری می‌رسیم و آن نقش تجربه جمعی کسانی که نمادها را بکار می‌برند در اطلاق معنی خاصی به یک نماد است. بدین لحاظ است که اساسی‌ترین نظام نمادین در هر جامعه یعنی زبان، خاص همان جامعه است و درک مفاهیم و نمادهای آن برای اعضای جوامع دیگر مشکل است. به همین خاطر یکی از زبان‌شناسان نامدار، ادوارد ساپیر در این مقوله به آنجا رسیده بود که حتی ادعا می‌کرد دریافت هر قوم از واقعیت تا حد زیادی ناخودآگاهانه و بر اساس نمادها و رسوم گفتاری آن گروه ساخته و پرداخته می‌شود و در نتیجه جامعه‌های مختلف در دنیاهای مختلف زندگی می‌کنند و نه در یک دنیای مشابه با برجسبهای مختلف. (لنسکی، ۱۳۶۹، ص ۶۰)

بنابر این اگر وجه تمیز انسان و غیر آن را فرهنگ و یکی از ارکان فرهنگ را نماد و پیشرفته‌ترین نظام نمادین را ارتباط گفتاری و نوشتاری بدانیم، در این صورت "نام" و تغییرات آن می‌تواند مبنای مناسب تمایز و تغییرات فرهنگها از یکدیگر باشد.

۲- تحول فرهنگی

گفته می‌شود که تمایل به تغییر در همه جوامع انسانی ذاتی است و این امر نتیجه عدم قطعیت در راههای حل امور است. از آنجا که جوامع از امکانات و شرایط محیطی متفاوتی برخوردار هستند در رویارویی با مسائل شیوه‌های گوناگونی را برای حل آنها برمی‌گزینند و این شیوه‌های متفاوت برخوردار با مسائل است که فرهنگهای متنوع را پدید می‌آورد. از طرف دیگر چون امکانات و شرایط محیطی هر جامعه دائماً تغییر می‌کند، به ناچار فرهنگها نیز خود را در انطباق با این تغییرات متحول می‌سازند. هر چند که مردم عموماً از رها کردن سنتها، ارزشها و رسوم کهن و پذیرش ارزشهای تازه به جای آنها کراهت دارند، اما هیچ فرهنگی

نیست که طی یک دورهٔ زمانی، هیچگونه دگرگونی را پذیرا نشده باشد. روشها و درجهٔ این دگرگونی البته که متفاوتند. (کوئن، ۱۳۷۱، ص ۴۳). بنابر این جوامع را گریزی از تحول فرهنگی نیست. تئوریهای مختلفی هم که تاکنون تحول فرهنگی را تبیین کرده‌اند با فرض قطعی بودن تحول سعی کرده‌اند آن را تئوریزه کرده و به یک قانون کلی برای جوامع دست یابند. بنابر این جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در حال رکود و سکون فرهنگی بسر برد مگر جوامع در حال اضمحلال، زیرا رکود و سکون فرهنگ در حکم مرگ آن است.

اگر بپذیریم که تحول فرهنگ امری ذاتی برای جامعه‌هاست و آن را قابل تعمیم به تمامی اجزای فرهنگ بدانیم، به این ترتیب هر یک از اجزای فرهنگ به عنوان یک پدیدهٔ مجزا قابل مطالعه است و یکی از ابعادی که این پدیده را قابل مطالعه می‌سازد، سمت و سوی تحول است. از آنجا که شرایط و امکانات محیطی به جهت‌گیری فرهنگی کمک می‌کند، با تعیین این جهت‌گیری می‌توان، اولاً؛ به پیش‌بینی آینده فرهنگی آن جامعه پرداخت، ثانیاً؛ شرایط و امکاناتی را که زمینه‌ساز این تحول بوده شناسایی کرد و به درک بیشتر از ویژگیهای آن جامعه رسید.

معمولاً تحولات فرهنگی به مجموعه‌ای از تغییرات گفته می‌شود که در طول یک دوره طولانی رخ می‌دهد لذا در طول زندگی یک نسل چندان محسوس نیست اما جوامعی که مواجه با دگرگونی‌های سریع بوده و این دگرگونی‌ها عمدتاً تحت تأثیر عوامل تشدیدکننده نیز بوده است در طول یک نسل نیز می‌توان تحول را مشاهده نمود. مثلاً جوامعی که در آنها انقلاب رخ می‌دهد به خصوص انقلاباتی که دارای بار ایدئولوژیک هستند، تغییرات فرهنگی سریع‌تر و نتیجتاً بهتر قابل رویت هستند.

ایران نیز به عنوان کشوری که هم مواجه با انقلاب بوده و هم درگیر سالها جنگ، و نیز تحول سریع اجتماعی-اقتصادی، زمینه مناسبی برای مطالعهٔ تحولات فرهنگی دارد و در این خصوص مراجعه به نمادهای ظاهری فرهنگ از جمله نامگذاری کودکان و چگونگی آن در طول زمان یکی از راههای بررسی برخی از اجزای این تحول است.

۲/۱- مراتب تحول

مطالعاتی که تاکنون در مورد تحول فرهنگ شده، تحول را در مفاهیمی با شدت و ضعف مختلف در نظر گرفته است. در جمع این مطالعات، تحول را می‌توان به صورت طیفی در نظر گرفت که نقاط مختلف آن حاکی از درجه یا شدت دگرگونی است و آنچه که مراتب این دگرگونی را می‌سازد دو عامل زمان و فراگیری تغییر است. بالاترین مرتبه تحول به مجموعه تغییراتی اطلاق می‌شود که در طول یک دوره طولانی طی یک یا چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد، وسعت این تحول حتی گاهی از محدوده جامعه نیز خارج می‌شود. نمونه این مطالعات در کار جامعه‌شناسانی مثل کنت و اسپنسر، مارکس و دورکیم دیده می‌شود که قصد داشته‌اند تحولات جوامع بشری یا بشریت را در طی قرون توجیه و تفسیر کنند و برای تحول جوامع بشری به یک قانون عام دست یابند این نحوه نگرش به تغییر و تحول، بیشتر در مطالعات متقدمین وجود دارد.

در نقطه دیگر طیف تغییراتی هستند که به عنوان پدیده‌های قابل رویت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه مورد مطالعه قرار می‌گیرند به صورتی که هر کسی در طول زندگی خود می‌تواند آن تغییر را شخصاً تعقیب نماید و نتیجه آن را ببیند. علاوه بر مسئله زمان از نظر جغرافیایی این گونه تغییرات معمولاً در محدوده مکانی معینی صورت می‌گیرد و تفاوتش با مورد قبل این است که آن را در حوزه جغرافیایی یا اجتماعی-فرهنگی محدودتری نیز می‌توان مطالعه کرد. بر خلاف متقدمین علاقه جامعه‌شناسان معاصر بیشتر توجه به این درجه از تغییر است. (گی‌روشه، ۱۳۶۶، ص ۲۰)

ضعیف‌ترین نوع تغییرات به لحاظ تاثیراتی که بر جامعه می‌گذارد، تغییرات زودگذر و موقتی هستند. به قول ریچارد لاپیر برای ایجاد یک تغییر اجتماعی مهم نه تنها باید اکثریت افراد یک اجتماع را در برگیرد بلکه باید پایدار هم بماند. هیچ تغییری مهم فرض نمی‌شود مگر اینکه تاثیر شدیدی را در انتقال از یک شرایط به شرایط اجتماعی دیگر داشته باشد، به طوری که آن دگرگونی برای نسلهای بعد باقی بماند. از آنجا که همه تغییرات اجتماعی

برجسته و مهم نیستند و برای نسلهای متوالی باقی نمی‌مانند بسیاری از تغییرات اجتماعی زودگذر و دارای محدوده زمانی ناچیزی هستند به طوری که اکثریت افراد جامعه را دربر نمی‌گیرند. اما در زمان به وقوع پیوستن آن تغییر ممکن است تاثیراتی را بر زندگی اجتماعی بگذارد ولی خیلی سریع فراموش شود. در جوامعی که این گونه تغییرات مکرراً به وقوع می‌پیوندند نشانه دلزدگیها و عدم رضایت افراد جامعه است لذا تغییرات زودگذر در اصل جایگزین تغییرات مهم اجتماعی است زیرا موجب کاهش تنشها و نارضایتی‌ها می‌شوند و انرژیها و قابلیت‌هایی که ممکن است در زمینه‌های دیگر به کار روند به خود جلب می‌کند تغییرات زودگذر به لحاظ اینکه تولد و مرگ آنها قابل مشاهده است برای محققان فرصت مناسبی را فراهم می‌کند تا حوادث و رویدادهایی را که بر زندگی جوامع اثر می‌گذارد بهتر مطالعه کنند. برخی از تغییرات اجتماعی زودگذر مدها و هوسهای اجتماعی است.

تحول مورد بررسی در این تحقیق را به لحاظ محدوده زمانی و حوزه جغرافیایی آن می‌توان در وسط طیف مذکور قرار داد. ولی همانطوری که در مقدمه آمد ویژگیهای سیاسی اجتماعی ایران می‌تواند تغییرات را تشدید و تاثیر آن را بر جامعه عمیق‌تر کند.

۲/۲- الگوهای تحول

یافتن الگویی برای تحول فرهنگی از موضوعات مورد علاقه برای انسانشناسان فرهنگی بوده است یکی از رویکردهایی که انسانشناسان فرهنگی اولیه به آن تاسی بسته‌اند تکامل تدریجی فرهنگ است. بر حسب الگوی پیشنهادی این انسانشناسان، فرهنگها همواره در حال تکامل تدریجی هستند که طی مراحل پی‌درپی رخ می‌دهد. با پذیرفتن این الگو انسانشناسان اولیه بر آن بودند که مراحل تحول فرهنگ را شناسایی کنند. برجسته‌ترین نظریه پرداز این الگو مورگان است که برای تکامل فرهنگ انسان سه مرحله وحشیگری، بربریت و تمدن را در نظر گرفته است. تایلور نیز از تکامل گرایانی است که بر اساس همین الگو مراحل، را از همزادگرایی، (جان‌گرایی)، چند خدایی و در نهایت یک خدایی را ترسیم کرده است. وجه مشخصه این الگوها فرض تک‌خطی یا یک جهتی بودن تحول است.

تکامل‌گرایان جدید تکامل تدریجی را با دگرگونی برابر می‌دانند. ولف تکامل تدریجی را به صورت پیشرفت تراکمی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی توضیح می‌دهد جنبه کمی آن به معنی میزان انرژی مهار شده یا خصایص جمعیتی است و جنبه کیفی آن به معنای پدید آمدن اجزای جدید فرهنگی است به نحوی که اجزای قدیم فرهنگ را در خود ادغام کند. به عنوان مثال اختراعات از بهم پیوستن اجزای موجود به شیوه‌های جدید ایجاد می‌شود و این خود موجب دگرگونی در سازمان اجتماعی می‌شود. تکامل‌گرایان تکامل فرهنگی را فراگیر و حتمی‌الوقوع می‌دانند به نحوی که انسان را خواسته یا ناخواسته همراه خود می‌برد.

از تکامل‌گرایان گروهی هم به تکامل چند جهتی معتقدند به عقیده آنان فرهنگ در طول مسیرهای گوناگون تکامل یافته که می‌توان آن را به یک درخت پر شاخه تشبیه کرد با این وجود تشابهاتی هم در تاریخ فرهنگها وجود دارند و این تشابهات از آنجائایی می‌شود که دگرگونی فرهنگ نتیجه ضرورت سازگاری با محیط است. لذا فرآیندهای انطباقی مشابه در محیطهای یکسان منجر به تشابهاتی در فرهنگهای مختلف می‌شود. این نحوه بینش نسبت به تکامل فرهنگ منجر به ارائه بحثی تحت عنوان بوم‌شناسی فرهنگی شده است با این تصور که انطباق جوامع انسانی با محیط خود، مستلزم وضعیتهای رفتاری بخصوصی است. (ر.ک. لاور، ۱۳۷۳، ص.ص ۲۱۶-۱۹۸)

عده‌ای دیگر از تکامل‌گرایان به تکامل چرخشی معتقدند. ابن خلدون با ارائه نظریه دوری جوامع در این دسته قرار می‌گیرد که با طرح نوع‌بندی جوامع سعی کرده مراحل را برای رشد و تکامل آن در نظر گیرد که از شکل ابتدایی زندگی به سوی تشکیل دولت و توسعه شهرنشینی و رشد تمدن پیش می‌رود، سپس مضمحل شده مجدداً این مسیر را طی می‌کند و عامل معیشت را به عنوان یکی از ضروریات زندگانی در تحول مراحل اولیه تمدن می‌داند. (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۹۵) همینطور اسپنگلر که تمدن‌ها را ناگزیر از طی مراحل کودکی، جوانی، بلوغ و پیری می‌داند، از این دسته است.

یکی دیگر از الگوهای تحول فرهنگی پدیده انتشار فرهنگ است که به عنوان جایگزین و

در رد نظریه تکامل تدریجی طرح شد. انتشار به معنای بخش عناصر یا صفاتی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر است. اصل اساسی که در این الگو پذیرفته شده ارتباط و کنش متقابل بین فرهنگ‌هاست و اینکه فرهنگ‌ها مرتباً در حال داد و ستد با یکدیگر هستند و به نظر می‌رسد آنچه که انتشار یک جزء فرهنگ را سرعت می‌بخشد قدرت نفوذ آن فرهنگ در فرهنگ‌های دیگر است به طوری که حتی در موارد تماس غیر مستقیم و غیر مداوم نیز صورت می‌گیرد. از آنجا که پدیده انتشار، فرهنگ‌ها را غنا می‌بخشد لذا فرهنگ‌هایی که منزوی بوده و برخوردار از پدیده انتشار نشده‌اند به پیچیدگی فرهنگ جوامعی که بر یکدیگر تاثیر متقابل می‌گذارند نیستند.

الگوی دیگری که تحول فرهنگی را تبیین می‌کند فرهنگ‌پذیری است که حاصل آن تغییراتی در اجزای فرهنگی گروه‌های در تماس مداوم و مستقیم است. لذا انتشار را می‌توان یکی از جنبه‌های فرهنگ‌پذیری دانست که بدون تماس مستقیم و مداوم هم صورت می‌گیرد. فرهنگ‌پذیری در مقایسه با انتشار بر میزان بیشتری از تاثیر تاکید دارد. بنابراین در فرهنگ‌پذیری فرآیند دگرگونی به گونه‌ای عمل می‌کند که به همگرایی دو فرهنگ می‌انجامد.

درونوند و اسمیت چهار مسیر دگرگونی را که از تماس بین دو فرهنگ حاصل می‌شوند شناسایی کرده‌اند؛ شامل:

- ۱- از خود بیگانگی که مستلزم این است که اعضای یک فرهنگ بی‌آنکه راه و روش‌های فرهنگ دیگر را پذیرفته باشند، راه روش‌های خود را مردود بدانند.
- ۲- تجدید سمتگیری که مستلزم دگرگونی به سوی ساخت هنجارهای فرهنگ دیگر است.

۳- تصدیق مجدد و آن جنبش بوم‌گرایانه است که به موجب آن فرهنگ سنتی مجدداً تصدیق می‌شود.

- ۴- تجدید ساختمان یعنی پیدایش شکل جدیدی نظیر آنچه که در جنبش‌های آرمانشهری

دیده می‌شود. (لاور، ۱۳۷۳، ص.ص ۲۱۱-۲۰۸)

با توجه به تقسیم‌بندی فوق از دگرگونی تماس بین دو فرهنگ همیشه منجر به پذیرش یکی از دو فرهنگ از جانب دیگری نمی‌شود و با توجه به شرایط تماس و ویژگیهای فرهنگهای در تماس شقوق دیگری از دگرگونی مثل از خود بیگانگی، تصدیق مجدد و تجدید ساختمان ممکن است رخ دهد.

۲/۳- عوامل تحول فرهنگی

هنگامی که فرهنگ به گونه‌ای تعریف می‌شود که همه عرصه حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد، دیگر سخن گفتن از عامل یا عواملی درونزا که سبب تحول و تغییر فرهنگ شود، چندان معنا و مفهومی ندارد. زیرا هر عامل تحول به نوبه خود یک عنصر و جزء فرهنگی است. با این وجود تغییر برخی از اجزاء در بیشتر موارد مقدم بر تغییرات دیگر و منشاء آنهاست. در هر حال تغییرات فرهنگی و اجتماعی به شدت تعاملی است و تاثیر متقابل بر یکدیگر دارند. در نتیجه سخن از عامل تحول به معنای یکسویه تقریباً ممکن نیست.

به غیر از برخی نظریه پردازان که تحول را تک عاملی تحلیل کرده‌اند، عموم صاحب‌نظران معتقد به چند عاملی بودن تحول هستند. عده‌ای عوامل تغییر را در عناوین کلی تقسیم‌بندی کرده‌اند. مثل عناوین محیط فیزیکی، سازمان سیاسی و عوامل فرهنگی (ر.ک. گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۶۸۸ به بعد) برخی دیگر عناوین جزئی تری را مورد بحث قرار داده‌اند (ر.ک. واگو، ۱۳۷۲ و لاور، ۱۳۷۳) برخی دیگر بدون آن که تاثیر عوامل دیگر را منکر شوند، بر یک علت عام مثل تراکم اطلاعات تاکید کرده‌اند (ر.ک. لنسکی، ۱۳۶۹) و مهمتر این که در عموم این نظریه‌ها خط و مرز مشخصی برای تغییر و تحول اجتماعی یا فرهنگی رسم نشده است، شاید این امر از آن رو بوده که چنین مرزبندی هم در عالم واقع امکانپذیر نبوده است.

در اینجا صرفاً به عواملی پرداخته می‌شود که به طور مستقیم یا تا حدودی غیر مستقیم در تغییر مواردی همچون زبان و نام مؤثرند. عوامل بیرونی ارتباط میان فرهنگی و اشاعه فرهنگها و ارزشهای دیگر از اهم عوامل تاثیرگذار بر تغییرات فرهنگی است، گر چه این

عامل در اکثر موارد بطئی عمل می‌کند، ولی در مقاطعی نیز به صورت کلی سبب تغییرات اساسی در فرهنگ و زبان جامعه می‌گردد، ارتباط ایران با فرهنگ اسلامی از جمله این موارد است.

عوامل درونزای تحولات فرهنگی بسیار متنوع است، برخی از این عوامل عموماً محرک تغییر هستند. مثل تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی، که تغییرات آن معمولاً سبب تغییرات دیگر می‌گردد. برخی دیگر از عوامل بر حسب موقعیت ممکن است به عنوان محرک یا مانع تغییر عمل کنند، مثل ایدئولوژی و دولت.

به طور کلی دولت و قدرت از طریق سیاستگذاری یا تدوین قانون موجب مانع تحولات می‌تواند باشد. ایدئولوژی و نیز دین هم می‌توانند از طریق تاکید بر ارزشها یا گذشته تاریخی و ملی به خصوص یا مخالفت با ارزشها و گذشته تاریخی دیگر، موجب تغییر یا مانع آن باشند. این وضعیت برای نخبگان و سرآمدان در تمام عرصه‌های اجتماعی اعم از سیاست، هنر، اقتصاد و غیره می‌تواند صادق باشد.

دسته دیگری از عوامل تحت عنوان کلی فشارهای ساختاری قرار می‌گیرند، که از جمله این فشارها چیزی است که به مهاجرت درونی اجتماعی منجر می‌شود، و نقش بسیار مؤثری در پذیرش فرهنگی میان فرهنگ کل با خرده فرهنگ‌های اجتماعی دارد. این پذیرش عموماً یک طرفه است، زیرا آنچه که مهاجر با آن مواجه است، یعنی دلهره منزلت و ترس از حاشیه‌ای شدن محرک جدی برای جذب در فرهنگ بزرگتر خواهد بود.

فشارهای ساختاری در شدیدترین نوع خود ممکن است به جنبشها و انقلابات اجتماعی و ملی تبدیل شود، در این صورت ممکن است ابعاد تحول فرهنگی گسترده‌تر گردد، و نشانه‌های ملیت‌خواهی در جوامع جهان سوم که در قالب دلبستگی و حفظ و احیای پدیده‌های فرهنگی خود از قبیل دین، زبان، لباس، جشنها، موسیقی و رقص و نیز افسانه‌ها و قهرمانان ملی است، از این جمله‌اند. به ویژه آن که هیچ چیزی نمی‌تواند به اندازه وسیله ارتباط گفتاری و نوشتاری که از دیگران گرفته نشده باشد، تمایز جامعه‌ای را از جوامع دیگر

(یا به عبارت دیگر فرهنگی را از فرهنگ دیگر) ممکن سازد. (فاستر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳)

اگر در مدار پیش گفته، برای پیشبرد انقلاب و جنبش بر این اجزای فرهنگ تاکید می‌شد، نباید فراموش کرد که پیروزی یک انقلاب و جنبش نیز به نوبه خود تحولات فرهنگی و از جمله زبان را به همراه دارد، البته تحولات زبانی معمولاً در سطح واژگان و در شکل افزایش یا کاهش واژه‌ها یا گسترش و محدود شدن حوزه معنایی آنها و یا افزایش و کاهش میزان کاربرد آنهاست (مدرسی، ۱۳۶۸، ص ۷) که این امر را به وضوح پس از انقلاب اسلامی در کل زبان و نامها می‌توان مشاهده کرد.

یکی از عوامل فرهنگی موثر بر تغییرات فرهنگی دیگر که عموماً هم نقش محرک تحول را بر عهده دارد، آموزش است. با گسترش و عمومی‌تر شدن آموزش، ابعاد تحولات دیگر اجزای فرهنگی وسیع‌تر می‌شود.

عوامل فوق در واقع عوامل جامعه‌شناختی هستند که در تبیین دگرگونی عنوان شده است اگر به پدیده دگرگونی خردتر نگریده شود عوامل متعدد دیگر را می‌توان در این ارتباط دخیل دانست که در سطح فردی و روانشناختی مطرح هستند مثل انگیزه و نیاز به موفقیت، عادات، نحوه نگرستن به نیازها، سلطه‌جویی و... یا اگر از جنبه مردم‌شناسانه به مسئله توجه شود عواملی مثل قوم‌گرایی، خرافات و موهومات به عنوان موانع تغییر مطرح هستند.

۳- آنتیپ‌شناسی فرهنگ

همه فرهنگها در اصل به سمت بقا و حفظ موجودیت خود عمل می‌کنند و اگر فرهنگی به سمت اضمحلال و انحطاط پیش رود طبعاً ناشی از شرایطی است که فرهنگ را دچار آسیب ساخته است. یکی از جنبه‌های آسیب‌شناختی فرهنگ بحران فرهنگی است. همانطور که قبلاً هم گفته شد فرهنگها مکرراً خود را با شرایطی که بر آنها تحمیل می‌شود انطباق می‌دهند و این خاصیت انطباق‌پذیری است که فرهنگها را متحول و زنده نگه می‌دارد. بحران فرهنگی موقعی رخ می‌دهد که فرهنگها قدرت انطباق‌پذیری با شرایط جدیدی که بر آنها وارد می‌شود نداشته باشند. به عبارت دیگر در صورتی که شرایط جدیدی که در مقابل فرهنگها قرار

می‌گیرند حالت طبیعی داشته باشند امکان برخورد و پاسخگویی مناسب با امور جدید را فراهم می‌سازد و انطباق‌پذیری به طور طبیعی صورت می‌گیرد. اما وقتی عرضه شرایط جدید با ساختار درونی فرهنگها تناسب نداشته باشد، شرایط جدید خارجی با اجبار و فشار بر فرهنگ وارد آید موجب بروز بحران فرهنگی می‌شود.

یکی دیگر از جنبه‌های آسیب‌شناختی که اصطلاح از هم پاشیدگی فرهنگی برای آن بکار رفته، موقعی است که اجزای یک فرهنگ پیوستگی خود را از دست بدهند و ارتباط میان آنها قطع شود. این حالت مواقعی رخ می‌دهد که فرهنگها به شدت تخصصی شوند و ارتباط بین اجزای آن مثل دین، هنر، فلسفه و... قطع شود و به عبارتی هر یک مسیر جداگانه‌ای را طی کنند. تی.اس. الیت از هم پاشیدگی فرهنگی را چنین توضیح می‌دهد:

«هرچند به نظر می‌رسد که پیشرفت تمدن گروههای فرهنگی تخصصی‌تری را پدید می‌آورد، نباید توقع داشته باشیم که این توسعه از تعرض خطرات مصون بماند. پیامد تخصصی شدن فرهنگ چه بسا که از هم پاشیده شدن فرهنگی را به دنبال داشته باشد. و این ریشه‌ای ترین مصیبتی است که می‌تواند بر یک جامعه نازل شود. این تنها نوع از هم پاشیدگی نیست، تنها جنبه‌ای نیست که در آن می‌توان از هم پاشیدگی را مورد مطالعه قرار داد، ولی بی‌توجه به علت و معلول از هم پاشیدگی فرهنگی جدی‌ترین ضایعه است و اگر قصد ترمیم داشته باشیم دشوارترین ضایعه. این ضایعه نباید با بیماری دیگری، متحجر شدن در یک نظام کاست یکی گرفته شود مانند آنچه که در مذهب هندو پدید آمد، بیماری‌ای که احتمالاً در اصل فقط سلسله مراتب عملکردها بوده است. گرچه احتمال می‌رود که جامعه امروز بریتانیا تا حدی گرفتار هر دو این بیماری‌ها باشد. از هم پاشیدگی فرهنگی زمانی پدیدار می‌شود که دو یا چند قشر چنان از هم جدا شوند که در عمل به فرهنگ‌های متمایز تبدیل گردند یا فرهنگ در سطح گروه بالاتر به بخش‌هایی تقسیم شود که هر یک به تنهایی نمایشگر یک فعالیت فرهنگی باشد. اگر اشتباه نکنم، در جامعه غربی مدتی است در طبقاتی که فرهنگشان بسیار پیشرفته است یا باید باشد، بعضی از هم پاشیدگی‌ها به وجود آمده و همچنین بعضی جدایی‌های فرهنگی بین یک سطح از جامعه با سطح دیگر ایجاد شده است. عقاید و آداب مذهبی، فلسفه و هنر همه گرفتار این گرایش‌اند که به صورت حوزه‌های تک افتاده در آیند و بی‌هیچ

ارتباطی با یکدیگر توسط گروهها توسعه یابند.» (الیوت، ۱۳۶۹، ص. ۲۵-۳۰)

از بین رفتن پیوستگی اجزای یک فرهنگ که به دلیل تخصصی شدن آن رخ می دهد، مختص جوامع پیشرفته است، این نوع از هم پاشیدگی فرهنگ به تجزیه فرهنگی عمودی موسوم است.

شکل دیگر از هم پاشیدگی که عمدتاً کشورهای توسعه نیافته درگیر آن هستند، از هم پاشیدگی افقی یا تجزیه افقی فرهنگ است. در حالت طبیعی فرهنگ، نگرش گروهها و اقشار مردم نسبت به یک گرایش خاصی حالت نرمال دارد. یعنی منحنی توزیع افراد به صورتی است که $\frac{1}{3}$ افراد در فاصله +۱ و -۱ انحراف معیار از میانگین قرار دارند توزیعی که در آمار به توزیع زنگوله ای موسوم است. اما موقعی در یک جزء فرهنگ تجزیه یا از هم پاشیدگی رخ می دهد که گروهی به قطب کاملاً موافق گرایش یابند و گروهی نیز به سمت کاملاً مخالف. و در واقع جامعه و گروهها به دو قطب کاملاً متضاد تقسیم شوند. در این حالت که جامعه نسبت به یک گرایش خاصی دو قطبی می شود، تجزیه افقی فرهنگ رخ داده است و توزیع نرمال به شکل دوکوهانه است.

بررسی که روی نتایج تحقیقات گذشته ایران انجام شده (عبدی، ۱۳۷۴)، بعضی از مصادیق تجزیه فرهنگی افقی در ایران با استفاده از نتایج تحقیقات قبلی جمع آوری شده که حاکی از تجزیه فرهنگی در عرصه های متعدد و تحت تاثیر عواملی مثل محیط بین المللی، شهرنشینی، جمعیت، آموزش و حکومت است. در این تحقیق در ارتباط با تاثیر آموزش در ایران بر تجزیه فرهنگی آمده است:

تحولات آموزشی و سواد از عوامل اصلی و تعیین کننده در تحول و تجزیه فرهنگی است. بهره مندی از آموزش دیدگاه و نگرش فرد را نسبت به خود و محیط خود و محیط اطراف کاملاً دگرگون می کند و بالطبع رفتار متضادی نیز پدید می آورد. و هیچ متغیری همچون آموزش در سالهای قرن حاضر در کشور (ایران) دچار تحول نشده است.

اولین تاثیر تحولات سواد در گوناگونی و تجزیه فرهنگی به وجود آمدن شکاف میان قشر تحصیل کرده

با کل محیط اجتماعی آنان است که در سطح پایین‌تر تحصیلات قرار داشته‌اند. نظرسنجی اسدی و همکاران نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات رضایتمندی فردی و خانوادگی افزایش پیدا می‌کند ولی از محیط اجتماعی کم می‌شود. به عبارت دیگر سواد به جای آن که سبب انطباق بیشتر فرد با جامعه شود به علت آن که سطح تحصیلات جامعه کم است، منجر به عدم تطابق و گسیختگی فرهنگی می‌شود فرار مغزها و نخبان تصویریری از این وضعیت است (عبدی، ۱۳۷۴، ص ۳۰)

همینطور در مورد تاثیر حکومت و دولت بر تجزیه فرهنگی در ایران آمده است:

روند تصور نسبت به سیاست که عموماً هم در مشارکت متجلی می‌شود در قبل از انقلاب به گونه‌ای بود که با معیارهای تثبیت‌کننده وضع سیاسی انطباق نداشت. افزایش مشارکت سیاسی از الزامات نظامهای اجتماعی و سیاسی جدید است و این الزام با افزایش سطح تحصیلات قرین است. اینگلهارت با استفاده از تحقیقات متعدد در اروپا نشان داد که حدوداً ۹۰ درصد مردان با تحصیلات بالا در سیاست مشارکت می‌کنند و هنگامی که به تحصیلات اضافه شود تفاوت‌های میان مشارکت‌های سیاسی زن و مرد کاهش پیدا می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳) در حالی که در ایران این روند معکوس است! در سال ۱۳۵۳ به طور متوسط ۳۰ درصد مردم اظهار داشته بودند که در انتخابات شرکت کرده‌اند ولی تنها ۲۸ درصد افراد با تحصیلات عالی در انتخابات مشارکت کرده بودند، یعنی از میانگین نیز کمتر... همه این نتایج نشان می‌داد که نوعی عدم تطابق میان تغییرات اجتماعی با همدلی و انسجام با حکومت وجود داشته است (همان، ص ۳۹)

فرضیه وجود تجزیه فرهنگی در مورد نامگذاری کودکان نیز به عنوان یک جزء فرهنگ قابل آزمون است. یعنی گرایش فرهنگی موجود در اسامی متولدین یکسال را می‌توان به لحاظ این آسیب مورد بررسی قرار داد. در بخش تحلیل داده‌ها نتیجه و بررسی این فرضیه خواهد آمد.

۴- گرایشهای فرهنگی در ایران

هر جامعه‌ای برحسب شرایط و ویژگی‌های اجتماعی سیاسی و تاریخی خود، همینطور امکانات محیطی و میزان تسلط بر محیط دارای درجه‌ای از تنوع فرهنگی است. گاهی تنوع بیرونی است یعنی در محدوده یک جامعه می‌توان افراد با ملیتها و فرهنگهای متفاوت را دید

که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و بعضاً زندگی مسالمت‌آمیز دارند. اینگونه تنوع عموماً در کشورهای مهاجرپذیر دیده می‌شود که فرهنگهای کاملاً متفاوت را به خود جذب می‌کنند. بعضی از این گروهها حتی بدون این که جذب فرهنگ مرکزی شوند به شیوه زندگی و رفتار خود ادامه می‌دهند. تنوع فرهنگی بیرونی ویژگی کشورهای توسعه یافته است که جذابیت‌های آنان و نیاز به نیروی کار موجب جذب افراد از فرهنگهای دیگر می‌شود.

گاهی تنوع درونی است یعنی افرادی که دارای یک اصل و نسب و ملیت هستند به مرور بر حسب شرایط سیاسی اجتماعی گرایشهای فرهنگی گوناگونی در آنها بوجود می‌آید. این گرایشها ممکن است به مرور تشدید شده و آنان را به فرهنگهای مجزا تبدیل سازد. با توجه به این که ایران در شرایطی نبوده که دچار تنوع بیرونی باشد، تنها گرایشهای درونی فرهنگ قابل بحث است.

ایران کشوری است که قبل از این که فرهنگهای دیگری بر آن وارد شود و حتی قبل از این که مردم آن اسلام را بپذیرند دارای فرهنگ ایرانی بوده است و بعد از این که ایرانیان به اسلام روی آورند باز هم فرهنگ ایرانی از بین نرفت. ادبیات ایرانی، آداب و رسوم ایرانی تاکنون حفظ شده است. زبان که از ارکان مهم قومیت و فرهنگ یک ملت است در ایران زنده مانده به طوری که ادبیات ایرانی بعد از چندین قرن که از قدمت آن می‌گذرد هنوز برای یک ایرانی به خوبی قابل استفاده و فهم است. در زبانهای دیگر مثل فرانسه، آلمانی و انگلیسی یک فرد فرانسه یا آلمانی زبان به سختی می‌تواند نوشته‌های هزار سال پیش آلمانی یا انگلیسی را به راحتی بخواند. در حالی که مثلاً شعرهای حافظ و سعدی و نوشته‌های بیهقی که متعلق به ده قرن قبل است برای ایرانیان به خوبی قابل استفاده است. بسیاری از آداب و رسوم ایرانی مثل عید نوروز با همان قوت هنوز بر گزار می‌شود.

بعد از اینکه ایرانیان به اسلام گرویدند گرایش فرهنگی دیگری بر آنها وارد شد و آن فرهنگ دینی و اسلامی بود، در این فرهنگ ضمن تایید پاره‌ای از عناصر فرهنگی ایرانی به لحاظ ممنوعیتها و محدودیت‌های دینی بعضی از عناصر فرهنگ ایرانی طرد شد. گرایش

فرهنگ دینی در ایران قدمت هزار و سیصد ساله دارد که از زمان آشنایی ایرانیان با این فرهنگ، با وجودی که گرایش به آن در مقاطعی از زمان کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر شده یا تغییر محتوی داده، ولی هیچگاه مطلقاً رها نشده است. ادبیات اسلامی در کنار ادبیات ایرانی به حیات خود ادامه داده و بسیاری از اجزای فرهنگ ایرانی مثل آداب و رسوم ازدواج، طلاق، تفریح و سرگرمی و... تغییر ماهیت دادند و بعضی از تغییرات نیز در قالب قوانین مدون به اجرا درآمد. و زبان فارسی نیز به میزان زیادی از زبان عربی تاثیر پذیرفت و حتی نویسندگان و شعرای فارسی زبان از زبان عربی استفاده‌های فراوانی بردند. و این فرهنگ در کنار فرهنگ ملی همواره در این کشور وجود داشته است.

گرایش دیگری که ایران در اوایل مشروطه با آن روبرو شد، گرایش به فرهنگ غربی است. البته قبل از این دوران. ایران به عنوان جزئی از فرهنگ کلی اسلامی یک بار دیگر با فرهنگ غرب تماس یافته بود و آن در اوایل رواج و رونق فرهنگ اسلامی بود، یعنی موقعی که مسلمین فتوحاتشان را گسترش دادند و با اندیشه بیگانگان بخصوص یونانیان آشنایی یافتند. آن دوران، دوران پویایی فرهنگ اسلامی بود. لذا در فرهنگ بیگانه ذوب نشدند و در واقع رابطه این دو فرهنگ، رابطه متقابل بود. اما در بار دوم که فرهنگ ایرانی در رویارویی با فرهنگ غرب قرار گرفت رابطه کاملاً یک‌طرفه بود. در زمان مشروطه فرهنگ غرب مسلح به علم و تکنولوژی بود در حالی که ایران به لحاظ جنبه‌های مادی فرهنگ بسیار ناتوان بود و به این دلیل که عده‌ای راه نجات ایرانیان را از عقب ماندگی تمدن، روی آوردن به فرهنگ غرب می‌دانستند، ورود ابتدایی فرهنگ غرب به ایران با مقاومت چندان موثری مواجه نشد. ولی از آن زمان تا کنون فراز و نشیبهایی در گرایش به این فرهنگ و پذیرش اجزای آن در جامعه وجود داشته است.

هر یک از گرایشهای فرهنگی فوق در دوره‌هایی از تاریخ ایران تحت تاثیر گرایش فرهنگی حکومتها قرار گرفتند و دچار افت و خیزهایی شده‌اند. تا قبل از مشروطه، ایران درگیر گرایش‌های ایرانی و اسلامی بود. بعد از مشروطه گرایش غربی به گرایشهای موجود

عرصه ایران افزوده شد. در این دوران افکار فلسفی، علم، تکنولوژی و ادبیات غرب به ایران وارد شد. مخصوصاً آداب و رسوم و جهان بینی و تلقی غرب از انسان به میان ایرانیان آمد و گروههایی از نخبگان سیاسی اجتماعی، مدافع آن شدند. در ابتدای مشروطیت، لیبرالیسم غربی مورد توجه متفکران اجتماعی قرار گرفت. شعارهای انقلاب فرانسه، یعنی برابری، برادری و آزادی عیناً شعارهایی بودند که مورد حمایت نویسندگان قانون اساسی مشروطه قرار گرفت و فکر روشنفکران آن زمان را به خود معطوف داشت. (سروش، ۱۳۷۰، ص.ص ۱۰۵-۱۳۰)

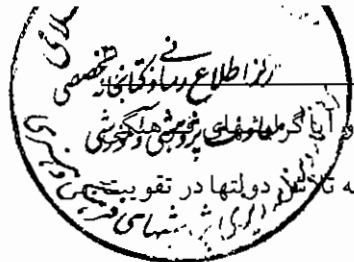
در دوران حکومت رضاخان ضمن ضعیف شدن جلوه‌های دینی، گرایش به غرب تقویت و گرایش ملی احیا شد. این روند که از همان ابتدای مشروطه آغاز شده بود، در زمان استقرار حکومت رضاخان پشتوانه رسمی و حکومتی هم پیدا کرد. گرایش دینی با این استدلال که ریشه در عربیت دارد و عقب ماندگی ایرانی معلول اندیشه‌های اعراب است، مورد فشار قرار گرفت. در دوره رضاخان و سپس محمدرضا مشخصاً دو نوع گرایش در ایران ترویج می‌شد، گرایش به فرهنگ غربی و گرایش به فرهنگ ایرانی (ملی). گرایش به غرب همانطور که گفته شد، به دلیل برتری تکنولوژیکی غرب بود و این که راه رسیدن به تمدن پیروی از غرب است. اما گرایش به فرهنگ ملی به دلیل مهر تاییدی بود که فرهنگ ایرانی بر حکومت شاهنشاهی می‌زد و تقویت آن می‌توانست پشتوانه حکومت شاهنشاهی باشد. در این دوره جمعی از ادبا و مورخان در خدمت دستگاه سلطنت درآمدند تا اصالت قوم ایرانی را به اثبات برسانند. لذا تاکید زیادی روی زبان فارسی (قبل از اسلام) شد و لغات و اصطلاحات عربی از کتب خارج شد. تشکیل فرهنگستان زبان در آن دوران رسالتش زدودن فرهنگ دینی به بهانه فرهنگ بیگانه بود. برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله و تجلیل از شاهان ایرانی همه به قصد بزرگ شمردن فرهنگ ایرانی و تضعیف فرهنگ اسلامی بود.

با وقوع انقلاب اسلامی و به لحاظ ماهیت اسلامی آن، فرهنگ اسلامی قویاً ترویج شد و در عوض فرهنگ غرب به شدت مورد طرد و نفی قرار گرفت و با این بینش که همه بدبختیها

و عقب‌ماندگی‌های ایران ناشی از تسلط غرب به ایران است، تمامی مظاهر فرهنگ غرب مورد حمله قرار گرفت. حتی یادگیری زبان انگلیسی در مقاطعی از زمان ضدا ارزش تلقی می‌شد. در مورد گرایش به فرهنگ ایران باستان در اوایل انقلاب اسلامی برخورد مثبت نبود و تمایل به حذف بعضی از آداب و رسوم ایرانی مثل عید نوروز و مراسم شب چهارشنبه سوری دیده می‌شد اما به مرور این گرایش تقویت شد که بعضی از آداب و رسوم ایرانی که با دین در تضاد نیستند مانعی در راه دین محسوب نمی‌شوند. لذا بعد از انقلاب اسلامی ضمن این که تاکید بر احیای فرهنگ ایرانی نشد، تلاشی هم در نفی این فرهنگ صورت نگرفت و در قبال فرهنگ ایرانی یک موضع تقریباً بینابینی اتخاذ شد. البته حفظ زبان فارسی و پالایش آن از زبانهای بیگانه مد نظر بوده است.

از طرف دیگر فرهنگ دینی که بعد از انقلاب ترویج شد، الزاماً با فرهنگ دهه‌های قبل از انقلاب مردم یکسان نبود. در این دوران تلقی از اسلام، ایدئولوژیک بود و با اسلام سنتی که قبل از آن رایج بود، انطباق کامل نداشت. در اسلام ایدئولوژیک مفاهیم و شخصیتها معانی متفاوتی با اسلام سنتی پیدا می‌کنند. جهاد و برابری طلبی، فقرستیزی و امثالهم شاخصهای اصلی در تبیین ویژگیهای فرهنگی اسلام ایدئولوژیک خواهد بود. بدون تردید تحولات درون دینی طی دهه پنجاه به بعد اهمیت به مراتب بیشتری از تحولات فرهنگ جامعه ما به لحاظ غربی، ملی و اسلامی داشته است.

به این ترتیب از صدر مشروطه تا کنون، ایران تحت تاثیر سه گرایش فرهنگی عمده با زیرمجموعه خاص خود قرار دارد، گرایش ایران باستان، گرایش اسلامی و گرایش غربی. تحولاتی که برای گرایشهای فرهنگی ایرانی ذکر شد - به استثنای انقلاب اسلامی که پذیرش مردمی داشت - عموماً تحولاتی است که عموماً توسط دولتها و بخش کوچکی از نخبگان صورت گرفته و در اصل یک اشاعه از بالا به پایین بوده است. اما اینکه مردم تا چه حد تحت تاثیر این تحولات قرار گرفته باشند و تلاش دولتها تا چه حد موجب تغییرات نگرشی مردم شده باشد نیاز به تحقیق دارد. تحقق حاضر از جنبه‌ای پاسخگویی این سوال است. و



این که گرایشهای مردم در طول ۳۰ ساله اخیر چه تحولاتی داشته و آیا گرایشهای پژوهشی و روشی در گرایش مردم نیز به موازات تحولات سیاسی تغییر یافته؟ از بعد دیگر این که تلاش دولتها در تقویت جنبش‌های سیاسی یا طرد نگرش مورد نظر تا چه حد موفق بوده است؟

۵- عوامل جامعه‌شناختی نامگذاری در ایران

گفته شده است که نامگذاری روی افراد به دورانهای اولیه زندگی بشر بر می‌گردد و تحقیقات تاریخی و انسانشناختی برای یافتن مردم فاقد نام به شکست انجامیده است. حتی این نظریه پذیرفته شده است که اولین کلماتی که توسط انسان بیان شده نامهایی بوده که انسان به افراد و حیوانات و اشیاء داده است. لذا به نظر می‌رسد که نامگذاری لازمه زندگی اجتماعی بشر بوده و جامعه‌ای یافت نمی‌شود که افراد آن بدون نام باشند. در همه جوامع نامگذاری کودک توسط والدین یا اقوام صورت می‌گیرد. یعنی نزدیکانی که بهترین آرزوها را برای فرزند خود دارند و سعی می‌کنند بهترین اسم را انتخاب کنند. بنابر این فرد در انتخاب اسم خود نقشی ندارد و این خصوصیت تنها وجه مشترک نامگذاری در جوامع است. نام معمولاً یک بار انتخاب می‌شود و فرد تا پایان عمر آن را با خود همراه دارد. البته استثناهایی هم در این مورد وجود دارد. در بعضی جوامع ابتدایی (اروپا و آمریکا) اساساً نامها ثابت نیستند و برای هر دوره از زندگانی نامی برگزیده می‌شود. در ایران نیم قرن پیش تغییر نام در دوره‌ای از زندگی دختران وجود داشت و آن وقتی بود که دختر ازدواج می‌کرد و وارد خانواده شوهر می‌شد. در آن زمان خانواده شوهر نامی که عمدتاً به صورت لقب بود به عروس می‌دادند و از آن به بعد عروس با نام جدید خطاب می‌شد. القابی مثل گلین (عروس)، خاتون و... از این جمله‌اند. یا در مواردی که هنوز هم رایج است، چنانچه نام دختر نزد خانواده داماد مطلوب نباشد، هنگام عقد نام جدید به عروس داده می‌شود.

اما صرف نظر از بعضی استثنائات، به طور عام نام افراد دائمی است و همین دائمی بودن اهمیت انتخاب آن را زیاد می‌کند. به طوری که در بعضی جوامع انتخاب نام همراه با تشریفات است. در ایران قدیم و در حال حاضر هم در بعضی روستاها آداب و رسومی برای

نامگذاری وجود دارد، بدین صورت که در شب ششم از تولد کودک افراد خانواده و نزدیکان جمع می‌شوند و نامهایی را که در نظر دارند و معمولاً نامهای مذهبی است در بین صفحات قرآن قرار می‌دهد و با گشودن قرآن نامی که برای اولین بار دیده شود روی کودک می‌گذارند، سپس این نام در گوش کودک خوانده می‌شود. گاهی هم نام کودک از قبل تعیین شده است. در مواردی نام پدر بزرگ بر روی اولین پسر و نام مادر بزرگ - که البته این حالت کمتر از حالت قبل روی آن تاکید می‌شود - بر روی دختر گذاشته می‌شود. این عمل به جهت حفظ مواریث خانوادگی انجام می‌گیرد. علاوه بر این گاهی ممکن است مادر در طول دوران حاملگی از طریق خوابی که به لحاظ اعتقادی برایش اهمیت دارد، نامی برای فرزندش توصیه شود. که در این موارد هم عمدتاً نامهای ائمه و معصومین (ع) سفارش می‌شوند. به طور کلی در ایران از آنجا که به دلایل اجتماعی فرهنگی برای نوزاد پسر مطلوبیت بیشتری بوده، در صورت تولد پسر حفظ و سلامت آن اهمیت زیادی دارد. لذا انتخاب نامهای مذهبی با این اعتقاد که فرزندشان را از بلا یا محفوظ نگه می‌دارد برای فرزند پسر بیشتر صورت می‌گیرد تا دختر. در مواردی مشاهده می‌شود پدر و مادر که دارای چند فرزند دختر هستند، نذر می‌کنند و در صورتی که فرزند بعدی آنها پسر بود نام خاصی از اسامی مذهبی را روی آن بگذارند. مثلاً از امام (رضاع) می‌خواهند که چنانچه فرزند پسر به آنها بدهد، نام او را رضا بگذارند. در حالی که چنین نذوراتی برای داشتن فرزند دختر کمتر اتفاق می‌افتد. این گونه اعتقادات باعث می‌شود که حیطة انتخاب نام دختر بیشتر باشد. در بعضی روستاها که اکنون هم دیده می‌شود، اسامی خاصی در بین خانواده‌های فامیل شایع است. مثلاً در چند خانواده که دارای نسبت فامیلی هستند نام محمد روی همه فرزندان اول پسر گذاشته می‌شود، و در موقع خطاب قرار دادن برای این که اشتباه نشود نام پدر دنبال اسم پسر آورده می‌شود.*

یکی از مسایل مهمی که در نامگذاری کودکان می‌تواند مطرح باشد، پذیرش و دفاع از

* - مطالب از مصاحبه‌های اولیه‌ای که با بعضی از گروههای مردم در ارتباط انگیزه‌های انتخاب اسم فرزندان انجام شده بدست آمده است.

نوآوری به عنوان یک هنجار پذیرفته شده است، به عبارت دیگر اگر در گذشته افراد از انتخاب اسامی ناشناخته پرهیز می‌کردند، اکنون با علاقه دنبال اسامی جدید و نو می‌گردند و حتی از تک بودن نام هم استقبال می‌کنند. بدین خاطر تعداد اسامی مورد استعمال در حال افزایش است و تعداد اسامی جدید بیش از تعداد اسامی است که به دلایلی از گردونه نامگذاری خارج و متروک می‌شوند.

مسئله دیگر که به نوآوری در نام تاثیر می‌گذارد، تعداد فرزندان است. بالا بودن تعداد فرزندان در گذشته و حال دو اثر متفاوت بر انتخاب اسم داشته است. در گذشته به دلیل مقاومت در برابر نوآوری و بالا بودن تعداد فرزندان، تشابهات اسمی را بالا می‌برد. اما اکنون این مسئله عکس است. یعنی بالا بودن تعداد فرزندان انتخاب اسم را مشکل‌تر و از آنجا که فضا برای نوآوری مساعدتر است نامهای غیر رایج بیشتر می‌شود.

پیشرفت ارتباطات که امکان اطلاع از فرهنگهای دیگر را برای مردم فراهم کرده، و موجب تنوع نامها و تغییرات سریع‌تر آن شده است. همینطور بالا رفتن سطح سواد در ایران منجر به واژه‌سازی‌های جدید و پذیرش آنها و ابداع اسامی با مفاهیم زیبا شده است، که این نیز تنوع و نوآوری را در نامگذاری افزایش می‌دهد. نامهایی مثل پویا، شایان، سامان و ... نامهایی هستند که عمر کمی دارند و واژه‌هایی فارسی هستند که به لحاظ زیبایی معانی اهمیت دارند. لذا پیش‌بینی می‌شود با بالا رفتن سطح سواد، ارتباطات و رشد فردگرایی، جامعه به سمت تنوع بیشتر نامها حتی افزایش نامهای واحد برود.

یکی دیگر از مسائلی که در نامگذاری کودک در ایران دیده می‌شود و بخشی از آن به مسائل اعتقادی مربوط می‌شود دو اسمی بودن افراد است. در گذشته و در حال حاضر هم در بعضی خانواده‌ها دو اسم برای کودکان انتخاب می‌شود که یک نام آن در شناسنامه کودک درج می‌شود و یک نام هم غیر رسمی است و فرد در خانواده به آن خطاب می‌شود. در گذشته این امر جنبه کاملاً اعتقادی داشته و عمدتاً برای دختران اتفاق می‌افتاده است. از آنجا که در نامگذاری دختر زیبایی اسم مورد توجه بوده، خانواده‌هایی که مقید بودند برای حفظ هر دو

جنبه، یک نام مذهبی در شناسنامه و یک نام عرفی برای کودک در نظر می‌گرفتند. در حال حاضر انتخاب دو اسم دلایل دیگری هم می‌تواند داشته باشد، مثلاً در مواردی نامی برای کودک انتخاب و در شناسنامه درج می‌شود، این نام که ممکن است یک نام ابداعی و نامأنوس باشد بعد از مدتی به علت سختی تلفظ به نام دیگری تغییر می‌یابد. یا موقعی که در خانواده بر سر انتخاب نام کودک اختلاف می‌شود، با انتخاب دو نام که ممکن است هیچکدام مذهبی نباشند یا هر دو مذهبی باشند نظر طرفین تامین می‌شود.* البته فرض فوق در انتخاب دو اسم قابل آزمون است. در بخشهای بعدی چگونگی این امر با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده از دو اسمی‌ها توضیح داده خواهد شد.

در شرایط کنونی عامل مهم دو اسمی بودن احتمالاً ناشی از تحولات انقلاب و تغییر سریع در نگرش و نیز ممانعت قانونی از انتخاب برخی از اسامی است. در نتیجه برخی از افراد در شناسنامه اسم مذهبی برای فرزند خود انتخاب می‌کنند، در حالی که در خانه او را به نامی غیر مذهبی یا حتی غربی صدا می‌زنند.

نوع دیگر دو اسمی به شکلی است که هر دو اسم در شناسنامه فرد درج می‌شود. یعنی فرد در شناسنامه دارای دو اسم غیر ترکیبی و مجزا از هم است. منظور از دو اسم غیر ترکیبی این است که با هم نمی‌توان آن را تلفظ کرد. مثلاً اسامی مثل غلام‌رضا، محمدعلی، شعبان‌علی، محمدحسین و... اسامی ترکیبی هستند که هنگام خطاب قرار دادن با هم به کار می‌روند. اما دو اسم غیر ترکیبی به صورتی است که هر دو اسم با هم به کار نمی‌رود. مثل بهنام بهمن، بهزاد حسن، مهدی فرزاد، علی فرزین و بابک حسین، در این حالت منظور نام‌گذار گذاشتن دو اسم بر کودک بوده اما در حالت اول در اصل یک نام ترکیبی برای فرد انتخاب شده است. تحقیقی در ایران روی دو اسمی‌های غیر ترکیبی مندرج در شناسنامه با استفاده از اسامی گروه‌های مختلف مردم (دانشجویان، زندانیان، دانش‌آموزان، قبول شدگان آزمون سراسری و...) در سال ۱۳۵۷ انجام شده که بر اساس نتایج آن از هر ۱۰۰۰ زن و مرد ۶ نفر دارای دو اسم کوچک

غیر ترکیبی در شناسنامه هستند. از کل نمونه مردان (۲۵۶۴۵ نفر) ۱۰۷ نفر مرد یعنی ۴/۲ نفر در هزار دارای دو اسم هستند اما از کل زنانی که اسم کوچکشان استخراج شده (۱۲۵۸۸ نفر) ۱۲۶ نفر یعنی ۱۰ در هزار دو اسمی هستند. به این ترتیب زنان حدود ۲/۴ برابر مردان دارای دو اسم کوچک هستند.

در زمینه اسامی ترکیبی به نظر می‌رسد که نسبت آنها در کل اسامی کاهش یافته است. علت اصلی این واقعه احتمالاً ناشی از تغییر و نگرش در فلسفه نامگذاری است. ویژگی اسامی ترکیبی، القای مستقیم‌تر یک مفهوم است. مثلاً فرد با انتساب فرزندش به اسم امیر محمد، قصد بیان مفهومی معین‌تر از کسی دارد که فرزند خود را به نام امیر یا محمد می‌نامد، ولی با توسعه اجتماعی و فرهنگی، القای مفاهیم غیر مستقیم و اسامی نمادین‌تر می‌شود، و طبعاً گرایش به استفاده از اسامی ترکیبی کاهش خواهد یافت. البته علت دیگری هم برای این روند احتمالی می‌توان در نظر گرفت و آن گرایش به کوچکتر شدن اسامی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

یکی دیگر از ویژگیهای نامگذاری در ایران، وجود پیشوند و پسوند در اسامی است که به نظر می‌رسد که به مرور زمان این نوع اضافات از اسامی انتسابی به کودکان کم شده است. پیشوندهایی همچون میرزا، خان و... از این جمله‌اند. علت اصلی کاهش این نوع صفات، گرایش جامعه به سوی اصالت معیارهای اکتسابی و دور شدن از معیارهای انتسابی است. به عبارت دیگر تمام صفت و ویژگی فرد در هنگام تولد همراه او نیست که با یک پیشوند یا پسوند آن را به او بدهند. بلکه صفات و ویژگیهای وی اکتسابی خواهد بود و با اضافه شدن این نوع پیشوندها و پسوندها، وی الزاماً موقعیتهای اجتماعی آنها را به همراه خود نخواهد داشت. در نتیجه جایگاه اکتسابی جایگزین انتسابی شده است، و طبعاً نمود این واقعیت در نامگذاری به صورت حذف تدریجی پیشوند و پسوند است.

یکی از نکات مهم دیگر در اسامی، بلندی و کوتاهی اسامی است که در قالب تعداد سیلاب یا تعداد حروف خود را نشان می‌دهد. به طور کلی تصور می‌رود که تعداد حروف یا

سیلاب اسامی به مرور زمان کاهش یافته است.

احتمالاً توجیهی که برای این فرآیند می‌توان ذکر کرد افزایش سرعت زندگی و گسترش ارتباط افراد با دیگران و ضرورت یادگیری اسامی آنان است. بدین معنی که افراد سعی می‌کنند اسامی کوتاهتری را برای فرزندان خود برگزینند که ادای آنها ساده‌تر باشد. و شاید یکی از دلایلی که اسامی بلند و سنگین را مخفف می‌کنند، همین باشد. در حقیقت فلسفه و روحیه بهینه‌سازی به تمام امور از جمله نامگذاری نیز سرایت کرده است، و سیلاب بهینه زبان فارسی ۲ و ۳ است.

ویژگی دیگر اسم مفهومی یا مصداقی بودن آن است. که با انتزاعی‌تر شدن زبان در ذهن، گرایش به سوی اسامی مفهومی افزایش خواهد یافت. و طبعاً چنین به نظر می‌رسد که در ایران چنین تحولی رخ داده باشد.

مهمترین ویژگی اسم به ویژه در ایران، بار مفهومی و فرهنگی آن است که ارتباط وثیقی با ریشه اسامی نیز دارد. بدیهی است که تحولات کلان در عرصه فرهنگی قاعدتاً آثار خود را در زمینه نامگذاری نشان خواهد داد و از این حیث ارزیابی نامگذاری در طی یک دوره زمانی می‌تواند ما را به مقاطع حساس زمانی تحولات فرهنگی رهنمون سازد و بالاخره در نامگذاری کودکان تهرانی این نکته را نباید فراموش کرد که تهران به عنوان یک شهر مهاجرپذیر، پدر و مادران بسیاری را از خرده فرهنگهای موجود در کشور در خود جای داده است، ولی طبیعی است که بخش مهمی از این افراد، اسامی مشابه فرهنگ خود را بر کودکانشان اطلاق نکنند، تا از این طریق زمینه جذب بهتر و راحتتر آنان را در جامعه شهری تهران فراهم کنند.

بخش دوم

طرح تحقیق

۱- اهمیت و اهداف پژوهش

شناخت گرایش‌های فرهنگی موجود در جوامع از دو بعد کاربردی و نظری اهمیت می‌یابد. جنبه کاربردی آن غالباً قابل استفاده برای سیاست‌گذاران است زیرا در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به شناخت خطوط فرهنگی غالب در جامعه نیاز است. همین‌طور جهت و سوی این تحول و وضعیت برنامه‌ریزی فرهنگی آینده را مشخص می‌کند و دولت‌هایی که مایلند جهت فرهنگی خاصی را اشاعه دهند با اطلاع از وضعیت فرهنگی موجود می‌توانند موثرتر اقدام کنند. از بعد نظری با این گونه مطالعات و تکرار آن دستیابی به الگویی در زمینه چگونگی تحولات فرهنگی سهل‌تر است. به خصوص مطالعاتی که تحول را در فاصله زمانی طولانی‌تری تشریح می‌کنند. پیوند تحولات فرهنگی با تحولات اجتماعی و اقتصادی را قابل تبیین می‌سازند.

از آنجا که بخشی از فرهنگ مثل ارزش‌ها و گرایش‌ها مفهومی ذهنی است برای شناخت آن نیاز به شاخص‌هایی است که بتواند به خوبی آن را توضیح دهد. یکی از شاخص‌هایی که ذهنیتهای فرهنگی را عینیت می‌بخشد و گروه‌ها و طبقات را از یکدیگر متمایز می‌سازد زبان و گفتار است. نامگذاری کودکان نیز به عنوان یکی از جنبه‌های زبان، نمادی است از گرایش‌های فرهنگی افراد که از طریق آن می‌توان وابستگی فرد را به گرایش فرهنگی خاصی محک زد.

اهداف تحقیق:

هدف کلی این تحقیق بررسی تحول نامگذاری کودکان تهرانی در طول ۳۰ سال گذشته (۱۳۴۵-۱۳۷۴) است و در بررسی این روند دو هدف زیر دنبال می‌شود:

- ۱- هر نام بیانگر چه گرایش فرهنگی است و این گرایش در طول زمان بررسی چه تحولاتی داشته است؟
- ۲- روند تحولات ساختی نام‌ها (تعداد سیلاب‌ها، نرمی و سختی حروف، مفهومی یا مصداقی بودن و...) چگونه است؟

۲- متغیرهای پژوهش

با توجه به اهداف تعیین شده، متغیرهای وابسته این تحقیق شامل موارد زیر است:

۱- اصلی‌ترین متغیر وابسته متغیر تعیین‌کننده گرایش فرهنگی است که هر اسم مبین آن گرایش است و در این ارتباط طیف زیر برای ارزیابی گرایش فرهنگی هر نام در نظر گرفته شده:

- ۱- گرایش غربی ۲- گرایش ملی (باستانی) ۳- گرایش خنثی ۴- اسامی جدید اسلامی ۵- گرایش ملی - اسلامی ۶- گرایش اسلامی - سنتی ۷- گرایش اسلامی - ایدئولوژیک ۸- خرده فرهنگ (سایر) ۹- اسامی عبری

۲- متغیرهایی که وضعیت ساختی نام‌ها را مشخص می‌کنند موارد زیر هستند:

- تعداد سیلاب‌های هر نام
- نرمی و سختی حروف
- مصداقی یا مفهومی بودن هر نام
- پیشوند یا پسوند داشتن نام
- ترکیبی یا ساده بودن هر نام
- تعداد حروف هر نام
- ریشه نامها (فارسی، عربی، لاتین، ترکی)

۳- متغیرهای وابسته فوق با متغیرهای مستقل زیر تحلیل خواهند شد:

- جنسیت

- حوزه دریافت شناسنامه

- تاریخ تولد فرزندان

- نام پدر و مادر

- تاریخ تولد پدر و مادر

- محل صدور شناسنامه پدر و مادر

شاید تصور شود که برخی متغیرهای دیگر نیز می‌توانسته‌اند در این پژوهش مورد استفاده قرار گیرند، ولی با توجه به چگونگی جمع‌آوری داده‌ها که از برگه‌های ویژه‌ای در اداره ثبت و احوال است اینها حداکثر متغیرهای مفید و قابل استناد آن برگه‌ها بوده است.

تعریف مفاهیم متغیرها

الف: تعریف مفاهیم متغیر گرایش فرهنگی

همانطور که گفته شد برای سنجش گرایش فرهنگی که هر نام بیانگر آن است طیفی به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

۱- گرایش غربی ۲- گرایش ملی (باستانی) ۳- گرایش خنثی ۴- گرایش اسلامی ۵- خرده

فرهنگ

گرایش اسلامی نیز به دلیل آن که در درون آن تحولات قابل توجهی صورت گرفته است، به چند نوع تقسیم شده‌اند تا سیر تحولات آن بهتر بررسی شوند. این گرایش نیز شامل: ۱- گرایش اسلامی - ملی ۲- گرایش اسلامی سنتی ۳- گرایش اسلامی - ایدئولوژیک ۴- اسامی عبری ۵- گرایش مستقل (از طریق انتخاب اسامی جدید اسلامی) ۶- خرده فرهنگ اسلامی و تعاریف زیر هر نقطه از طیف فوق را جهت دسته‌بندی دقیق نام‌ها توضیح می‌دهد:

۱- گرایش غربی

نام‌هایی که ریشه آنها غربی یا اروپایی است نشان دهنده گرایش به فرهنگ غرب در نظر

گرفته شده و در این مقوله جای می‌گیرند. البته بعد از انقلاب اسلامی بر طبق سیاست‌های جدید نامگذاری، انتخاب نام‌های غربی برای کودکان ممنوع شد اما با وجود این ممنوعیت بعضی از اسامی غربی به لحاظ عمومیت بیشتر ممنوع نیستند مثل فلورا، دلا و... لذا این نام‌ها جزو مقوله فرهنگ یا گرایش غربی قرار می‌گیرند. همچنین نام‌هایی که الزاماً ریشه غربی ندارند، ولی عرفاً و به لحاظ معیارهای عرفی موجود غربی تلقی می‌شوند.

۲- گرایش ملی (باستانی)

نام‌هایی را شامل می‌شود که ریشه در فرهنگ ایرانی دارند، بعضی از آنها از نام‌های امرا و سلاطین ایرانی قبل و بعد از ظهور اسلام برگرفته شده مثل بابک، افشین، مازیار و... همین‌طور نام‌هایی که از نام شخصیت‌های آثار ادب فارسی مثل شاهنامه انتخاب شده جزو این گروه دسته‌بندی می‌شوند. از قبیل جمشید، رستم، اسفندیار، سیاوش، شیرین، فرهاد و...

۳- گرایش خنثی

نام‌هایی در این مقوله جای می‌گیرند که نسبت به طیف غربی - ملی - اسلامی گرایش خاصی برای آنها نمی‌توان قایل شد. لذا خنثی بودن به لحاظ طیفی است که در این تحقیق مبنای طبقه‌بندی قرار داده شده و در قالب‌های دیگر ممکن است این اسامی به گونه‌ای دیگر دسته‌بندی شوند. نام‌هایی که از روی نام گل‌ها (مثل نسترن، آذین، نیلوفر و...)، پرندگان (مثل چکاوک، پرستو، پروانه، شاهین)، طبیعت (شبنم، پگاه، ستاره، ناهید و...) انتخاب می‌شوند، همین‌طور نام‌هایی که به لحاظ زیبایی معنایی (آرزو، امید، نوید، پیمان و...) مورد توجه هستند به لحاظ فرهنگی در طیف مذکور خنثی نامیده می‌شوند.

۴- گرایش اسلامی

هر اسمی که به نحوی ارتباط با مفاهیم قرآنی یا شخصیت‌های اسلامی داشته باشد در این مقوله قرار می‌گیرد و انواع آن به شرح زیر است:

۴/۱- گرایش ملی - اسلامی

نام‌هایی را شامل می‌شود که با وجودی که از نام‌های شخصیت‌های مذهبی و نام‌های ائمه

و معصومین (ع) هستند، اما به مرور جزو نام‌های ملی شده‌اند، لذا کسانی که این نام‌ها را روی فرزندان خود می‌گذارند، با وجودی که به مذهبی بودن نام توجه داشته‌اند ضمناً نامی را از اسامی اسلامی انتخاب کرده‌اند که در مقایسه با سایر اسامی مذهبی جنبه ملی نیز به خود گرفته‌اند. مثل علی، رضا، محمد، مهدی و...

۴/۲- گرایش اسلامی - سنتی

بعضی اسامی اسلامی را از گذشته تا کنون خانواده‌هایی که مذهبی هستند بسر روی فرزندان خود می‌گذارند لذا در بین خانواده‌هایی که در عین مذهبی بودن گرایش به تجدد نیز دارند این اسامی به ندرت یافت می‌شود. مثل: رقیه، سکینه، حیدر، کلثوم، طوبا، بتول و...

۴/۳- گرایش اسلامی - ایدئولوژیک

اسامی اسلامی - ایدئولوژیک شامل نام‌هایی می‌شوند که هر چند از نام‌های قرآنی و صحابه و سرداران اسلام گرفته شده، اما قبل از انقلاب اسلامی رواج آنها کمتر بوده و با بروز انقلاب اسلامی در بین خانواده‌هایی که گرایش ایدئولوژیک به اسلام داشتند شایع شد. این نام‌ها با یک نوع نوآوری در انتخاب اسامی اسلامی و برجسته کردن شخصیت‌هایی از اسلام که قبلاً اسامی آنان کمتر مورد توجه بود، همراه است. بعضی از این اسامی عبارتند از: سمیه، عمار، یاسر، میثم، حنیف، هدی، طه و...

۴/۴- اسامی عبری

اسامی عبری در اصل اسامی اسلامی محسوب می‌شوند ولی به لحاظ این که نسبت قابل توجهی از اسامی را تشکیل می‌دهند، در مقوله جداگانه‌ای قرار گرفته‌اند. این اسامی شامل کلیه اسامی پیامبران و منسوبان به آنها است که معمولاً در قرآن ذکر نام آنها رفته است.

۴/۵- خرده فرهنگ اسلامی

خرده فرهنگ اسلامی عمدتاً شامل ترکیبات اسامی اسلامی با کلمات دیگر است که در برخی از مناطق کشور و به ویژه روستاها رواج داشته است، این اسامی عموماً با «علی» به شکلی نامأنوس (به لحاظ معیارهای تهرانی‌ها) ترکیب می‌شوند، مثل صفرعلی، چراغ‌علی،

زلف‌علی و...

۴/۶- گرایش مستقل

مقوله «سایر» شامل اسامی اسلامی است که جزو گروه‌های فوق قرار نمی‌گیرند. این اسامی علاوه بر این که به لحاظ مفهوم اسلامی هستند ولی در ضمن نشان دهنده گرایش تجددگرا در انتخاب اسم مذهبی است. مثل: ایمان، حمید، بصیر، توحید و... در مجموع عنوان گرایش اسلامی مستقل نسبت به موارد قبلی برای آن برگزیده شده است که صرفاً مبین تفاوت با آنهاست.

۵- خرده فرهنگ

اسامی که توسط خرده فرهنگ‌های موجود در ایران انتخاب می‌شوند مثل اسامی ترکی، کردی، لری و... جزو این گروه قرار می‌گیرند. همینطور نام‌هایی که به خرده فرهنگ‌های روستایی منتسب هستند مثل بمانی، دختربس و... از این گروه‌ها هستند. در دسته‌بندی نام‌ها مقوله خرده فرهنگ جزو موارد طیف قرار نمی‌گیرند و حکم سایر را دارد. لذا نام‌هایی را که نمی‌توان در یکی از بخش‌های طیف مذکور قرار داد در مقوله خرده فرهنگ دسته‌بندی می‌شوند.

ب: تعریف مفاهیم متغیرهای ساختی:

۱- تعداد سیلاب‌های هر نام

منظور از سیلاب بحثی است که در زبان‌شناسی مطرح است و به تعداد بخش‌هایی که هر نام هنگام تلفظ ایجاد می‌کند، ارجاع می‌شود. مثلاً محمد اسمی است که دارای ۳ سیلاب (م-حم-مد) است.

۲- نرمی و سختی حروف

در زبان‌شناسی بعضی حروف سخت و بعضی حروف نرم محسوب می‌شوند. هر چه تعداد حروف نرم در یک نام بیشتر باشد آن نام را خوش‌آهنگ‌تر می‌کند. حروفی مثل ی-ر-

آ-م حروف نرم و حروفی مثل غ-ق-ع-و... سخت هستند.*

۳- مصداقی یا مفهومی بودن

بعضی اسامی مصداقی از یک شخصیت دینی، سیاسی، هنری و... هستند و انتخاب آنها می تواند به دلیل دل بستگی باشد که فرد انتخاب کننده به آن شخصیت داشته است. این گونه نام ها به عنوان اسامی مصداقی دسته بندی می شوند. مثلاً نام محمد مصداقی است و حضرت رسول (ص) را به ذهن متبادر می کند. دسته دیگری از اسامی که مصداقی از شخصیت خاص نیستند جزو اسامی مفهومی هستند. مثلاً حمید نامی است مفهومی که فرد خاصی از آن به ذهن متبادر نمی شود.

البته مرز میان این دو مقوله چندان قطعی نیست مثلاً فردی که اسم پدر خود را بر فرزندش می گذارد قطعاً اسم فرزندش برای او مصداقی است حتی اگر این اسم حمید باشد. یا کسی که اسم فرزند خود را از فلان هنرمند یا ورزشکار اقتباس کرده است طبعاً اسمی مصداقی را برگزیده است و از آنجا که اندازه گیری و تعیین این گونه اسامی مصداقی چندان ساده و ممکن نیست، لذا اسامی مفهومی و مصداقی صرفاً به اعتبار عرف اجتماعی و بر اساس رای داوران تعیین می شود و آنچه که در نظر گرفته می شود اسامی است که مصداقی عام هستند. با این وجود پیچیدگی این متغیر بیشتر از آن است که بتوان در چنین پژوهشی ابعادش را روشن کرد. مثلاً ممکن است یک اسم در زمان معینی حالت مصداقی پیدا کرده باشد، مثلاً اسم روح احتمالاً بعد از انقلاب چنین وضعی داشته است. در حالی که قبل از انقلاب قاعداً مفهومی بوده است. در این مطالعه عمومیت هر نام به لحاظ مصداقی بودن در دوره زمانی ۴۵-۱۳۷۵ مورد نظر است.

۴- پیشوند یا پسوند داشتن

برخی از اسامی با یک یا چند پیشوند شروع می شوند مثل سید، میرزا و... و آنهایی که با

* - دو متغیر نرمی و سختی حروف و به علاوه مفهومی یا مصداقی بودن اسامی به پیشنهاد و راهنمایی جناب آقای دکتر محمدعلی حق شناس از اساتید محترم زبان شناسی انتخاب شدند و مصداقی حروف نرم و سخت نیز از طرف ایشان ذکر شده است.

یک یا چند پسوند خاتمه می‌یابد مثل السادات، خاتون و...

۵- ترکیبی یا ساده بودن

اسامی ترکیبی به مواردی اطلاق می‌شود که از ترکیب دو اسم یا بیشتر تشکیل شده‌اند مثل علیرضا، علی‌اکبر، محمدرضا و... ملاک این تقسیم‌بندی مستقل بودن هر دو اسم به لحاظ کاربرد است در مقابل اسامی ترکیبی، اسامی ساده هستند که فقط از یک اسم تشکیل شده‌اند.

۶- تعداد حروف هر نام

این که هر نام مجموعاً چند حرف دارد، در اسامی ترکیبی همه حروف در نظر گرفته می‌شود.

۷- ریشه هر نام

منظور این است که هر نام از نظر ریشه آن به چه زبانی وابسته است که در این ارتباط نام‌ها از نظر ریشه ۱- عربی ۲- لاتین ۳- فارسی ۴- ترکی تقسیم‌بندی می‌شوند.

ج: تعریف مفاهیم متغیرهای مستقل:

اطلاعاتی که به عنوان متغیرهای مستقل، متغیرهای وابسته فوق را تحلیل می‌کند شامل:

۱- جنسیت: در دو مقوله زن و مرد

۲- حوزه دریافت شناسنامه: حوزه‌های دریافت شناسنامه در تهران طی سالهای ۱۲۹۷ تاکنون تغییرات زیادی کرده است. در سال ۱۲۹۷ به ۱۰ بخش تقسیم و متناسب با آن ۱۰ حوزه ثبت احوال در تهران دایر گردید در سال ۱۳۰۴ تهران به دو بخش عمده تقسیم شد که بخش اول آن شامل ۱۰ حوزه قبل بود و بخش دوم شامل بخشها و روستاهای تابعه اطراف تهران مثل شهریار- شمیران- ساوجبلاغ و... می‌باشد. در سال ۱۳۳۴ بخشهایی که قبلاً جزو روستاها و بخشهای تابعه بود از تهران جدا شده و هر یک به طور مستقل شروع به کار نمودند. اما به لحاظ رشد جمعیت در تهران و ضرورت تاسیس واحدهای دیگر ثبت احوال در سطح شهر تهران ۲۰ بخش دیگر به ۱۰ بخش اصلی اضافه شد. در اواخر سال ۱۳۴۸ به لحاظ این که تقسیمات شهر تهران بر حسب مصوبه دولت از بخش به ناحیه تغییر یافت لذا

اداره کل آمار و ثبت احوال وقت موظف شد تا همسو با تقسیمات شهرداری وقت در ۱۲ نقطه تهران دارای اداره ثبت احوال باشد.

مجدداً در سال ۱۳۵۲ مقرر شد با توجه به تغییر تقسیمات تهران از ناحیه به منطقه مطابق تقسیمات شهرداری تمام ادارات از جمله شهرداری بر اساس مناطق شهرداری که ۱۲ منطقه بود، تنظیم شوند.

از سال ۱۳۶۰ با توجه به گسترده‌گی شهر تهران و رشد جمعیت در این شهر ۱۲ منطقه به ۲۰ منطقه افزایش یافت، که دو منطقه آن یعنی شهرستان شمیران و شهرستان ری مستقل عمل می‌کردند. به جز این دو منطقه در مجموع ۱۸ منطقه در شهر تهران دایر شد. در حال حاضر نیز اگرچه ۱۸ منطقه در شهر تهران دایر است، بعضی از این مناطق عملاً انحلال یافته‌اند و مجموعاً ۱۳ منطقه در شهر تهران فعال هستند.

با توجه به این که حوزه‌های دریافت شناسنامه طی سالهای مورد بررسی تغییرات زیادی به خود دیده است، تنظیم متغیر حوزه بر اساس تنوع فوق عملی نبود لذا می‌بایست تنوع فوق از بین می‌رفت و حوزه‌ها برای کل این سالها یکپارچه می‌شد، بر این اساس تصمیم بر این شد که در شهر تهران ۳ منطقه مرکزی، شمالی و پیرامونی در نظر گرفته شود و هر یک از حوزه‌های فوق بر اساس تشخیص محقق در یکی از این ۳ منطقه قرار داده شود. البته تقسیم‌بندی فوق کلی است و ممکن است چندان دقیق نباشد. علاوه بر این اشکالی که در مجموع وجود دارد این است که بعضی از افراد ممکن است در حوزه‌ای خارج از محل سکونت خود اقدام به دریافت شناسنامه کنند که این مسئله قابل مهار نیست.

۳- تاریخ تولد: شامل متولدین سال ۱۳۴۵ تا پایان سال ۱۳۷۴ در تهران می‌شود.

۴- نام پدر و مادر: نام پدر و مادر جهت تحول بین نسلی نام‌ها در نظر گرفته شده و نشان دهنده این است که نام فرزندان نسبت به نام پدر و مادر چه تحولانی داشته است.

۵- تاریخ تولد پدر و مادر: تفاوت سنی بین دو نسل را نشان می‌دهد.

۶- محل صدور شناسنامه پدر و مادر: که هم بیانگر مهاجرت احتمالی پدر و مادر و هم

وابستگی آنها به مکان خاصی است.

۳- روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی است و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از اسناد و مدارک موجود در ثبت احوال کشور به دست آمده است. به این ترتیب که ابتدا فرمی از اطلاعات مورد نیاز تهیه، سپس این فرم از پرونده‌هایی که زمان دریافت شناسنامه تشکیل می‌شود پر شده است. کدگذاری اسامی طی مراحل زیر بوده است:

- ابتدا نام‌های انتخابی توسط متقاضیان شناسنامه از اسامی نمونه‌گیری شده بیرون کشیده شده، این عمل برای نام پدر و مادر نیز تکرار شده، به این ترتیب تنوع نام‌ها برای جنس مرد ۷۷۵ و برای جنس زن ۱۳۰۲ بوده است.

- سپس از ۳ داور که آشنا به مسائل و تحولات فرهنگی بوده‌اند خواسته شد که به تعداد ۲۰۷۷ نام اخذ شده از نمونه بر حسب این که هر کدام از آن نام‌ها را به کدام نقطه طیف گرایش (۱- گرایش غربی ۲- گرایش ملی ۳- ...) منتسب می‌دانند نمره بدهند. به عنوان مثال داوران باید تعیین می‌کردند که نام حسین بیانگر چه نوع گرایش فرهنگی است.

- در مرحله بعد باید نظر داوران روی گرایش فرهنگی هر اسم اعمال می‌شد. به این منظور گرایش تشخیص داده شده برای هر اسم آن گرایش قرار داده شد که داوران روی آن اتفاق نظر بیشتری داشته‌اند.

- از متغیرهای ساختی نیز متغیرهایی که تا حدودی ذهنی و عرفی بوده و نیاز به اظهار نظر داوران داشت به داوران واگذار شد. لذا قضاوت درباره مفهوم یا مصداقی بودن هر اسم به عهده داوران گذاشته شد.

مشکلی که در روش پژوهش حاضر وجود دارد، مشکل همیشگی جامعه‌شناسی بوده است و از ابتدا نیز دو مکتب متفاوت ایجاد کرده است. در مکتب تفهیمی و اثباتی به سردمداری وبر و دورکیم دو راه جداگانه‌ای را پیموده‌اند، و البته دو راهی که نه تنها الزاماً تعارضی ندارند، بلکه مکمل یکدیگر هم هستند. (گی‌روشه، ۱۳۶۷، ص ۲۷)

در این پژوهش بیشتر از روش اثباتی سود جسته شده است. زیرا اصولاً برای پی بردن به معنای ذهنی عامل کنش از کنش خود، می‌باید به نحوی به او دسترسی داشت، ولی به علت ممتنع بودن چنین امری چاره‌ای جز پذیرش معنای اثباتی. کنش نامگذاری وجود ندارد. در این روش، محمد به لحاظ فرهنگی دارای گرایش اسلامی است و مصداق آن نیز حضرت رسول (ص) است، ولی این که واقعاً نامگذار نیز چنین قصدی داشته است محل تامل است. شاید او اسم پدر خود را بدون هیچگونه تعلق مذهبی و صرفاً به دلیل علاقه به پدر بر فرزند بگذارد. پس در این حالت اسم محمد از زاویه عامل کنش نه تنها مذهبی نیست بلکه مصداق آن نیز فردی غیر از پیامبر است.

با این حال عامل کنش به هر قصدی چنین اسمی را انتخاب کرده باشد، معنای عرفی و بیرونی آن در یک دایره وسیع همان است که ذکر شد. ولی همیشه قضیه به این راحتی نیست. فعلاً برخی از اسامی خاص قبل از انقلاب مثل حمیرا، یا جمیله یا نیما چه وضعی دارد؟

آیا می‌توان گفت هر کس چنین اسمی را بر فرزندش بگذارد قصد فرهنگی یا مصداقی خاص متناسب با آن افراد داشته است؟ در این موارد حتی قضاوت عینی و اثباتی نیز مشکل است.

در هر صورت چاره‌ای نبود جز آن که ملاک و اعتبار فرهنگ و مصداق هر اسم بر حسب قضاوت بیرونی برگزیده می‌شد.

۴- بررسی پدیده دو اسمی

بخش دیگری از این تحقیق که به لحاظ روش و هدف از بخش اصلی مجزا است، بررسی پدیده دو اسمی است. منظور از دو اسم این است که افراد یک اسم رسمی در شناسنامه و یک اسم هم در خارج از شناسنامه داشته باشند. یعنی در خانواده به اسم دیگری مشهور باشند. این بخش به این منظور در نظر گرفته شده که تغییرات دو اسمی بر حسب معیارهای مورد پژوهش این تحقیق به دست آید. لذا هدف از انجام این بخش پاسخ به دو سوال بوده است:

۱- تعداد دو اسمی در طول زمان چه تغییری کرده است.

۲- چه اسامی تبدیل به اسم دیگری شده است. (به لحاظ معیارهای فرهنگی)

از آنجا که اطلاعات مربوط به این بخش در ثبت احوال موجود نبود تصمیم بر این شد که به مدارس تهران مراجعه شود. لذا تنها می توان تحول دو اسمی ها را در بعد از انقلاب بررسی کرد. برای این منظور ۱۸ مدرسه از سه مقطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان انتخاب شد. انتخاب ۳ مقطع به منظور مقایسه دو اسمی ها برای مقاطع سنی بوده از هر مقطع نیز ۶ مدرسه انتخاب شد که ۳ مدرسه دخترانه و ۳ مدرسه پسرانه را شامل می شد. این مدارس از مناطق مختلف شهر تهران بودند.

روش تحقیق بدین صورت است که ابتدا فرمی به شکل زیر تهیه شد:

نام مدرسه:..... منطقه:.....

مقطع: ابتدایی راهنمایی متوسطه

جنسیت: دخترانه پسرانه

تعداد حاضرین در کلاس:.....

ردیف	نام کوچک شناسنامه	نام کوچک خانواده	تاریخ تولد

سپس در هر مدرسه به هر کلاس یک فرم داده شد تا تعداد دو اسمی های موجود در کلاس در آن نوشته شود. به این ترتیب در هر مدرسه به تعداد کلاسهای آن فرم تهیه و تکمیل شد. گرچه دو اسمی بودن به مفهوم فوق قبل از انقلاب هم وجود داشته است، لیکن اهمیت آن از زمانی بیشتر شده است که استفاده از بعضی اسامی از سال ۱۳۶۱ به بعد ممنوع شد. در نتیجه شناسایی نسبت افراد دو اسمی و تفاوت های دو نام آنها برای درک تحول نامگذاری طی

سالهای اخیر مناسب می باشد.

۵- پیشینه پژوهش

۱- یکی از تحقیقاتی که در ایران در زمینه نامگذاری کودکان انجام شده و نزدیک ترین تحقیق به موضوع حاضر است، تحقیقی است با عنوان تحول نامها و اسامی قبل و بعد از انقلاب اسلامی که روند نامگذاری را طی ۲۵ سال از فاصله سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۶ بررسی کرده است. (Habibi, 1992) این تحقیق در شهر همدان و با استفاده از مدارک ثبت احوال همدان انجام گرفته و به منظور این که تحول نامگذاری در ارتباط با شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه تحلیل گردد، از این دوره ۲۵ ساله ۵ سال یعنی سالهای ۴۱، ۵۱، ۵۷، ۶۱ و ۶۶ که ۳ سال آن مصادف با تغییر و تحولاتی در وضعیت سیاسی اجتماعی ایران بوده انتخاب شده است. استدلال محقق برای انتخاب این سالها این است که در سال ۴۱ شاه در ایران اصلاحات ارضی انجام داد که شامل اصلاحات فرهنگی نیز بود. سال ۵۷ انقلاب اسلامی ایران رخ داد و سال ۶۶ زمانی است که اثرات جنگ تحمیلی عراق بر ایران ظاهر شد. سالهای ۵۱ و ۶۱ نیز به این دلیل که ۵ سال قبل از انقلاب و ۵ سال بعد از انقلاب را می پوشاند انتخاب شده است. تعداد نمونه برای هر سال ۶۰۰ نام (۳۰۰ دختر و ۳۰۰ پسر) است که در مجموع ۵ سال فوق ۳۰۰۰ نام تحلیل شده است.

در این تحقیق آنچه الگوی تحول نامگذاری قرار گرفته و متغیر وابسته تحقیق است دسته بندی ریشه نامها از نظر وابستگی آنها به سه مقوله نامهای عربی، نامهای فارسی و نامهای اسلامی است که از نظر محقق با تقسیم نامها به این مقوله می توان به نگرشها و ارزشهای انتخاب کنندگان آن پی برد، جدول زیر بعضی نتایج حاصل را نشان می دهد:

فراوانی‌های مدارک نمونه بر طبق مقولات منتخب برای هر متغیر

متغیرها	مقولات	۱۳۴۱	۱۳۵۱	۱۳۵۷	۱۳۶۱	۱۳۶۶
نام:	فارسی	۱۲۴	۱۶۰	۱۱۹	۱۱۴	۱۷۳
	اسلامی	۳۴۱	۲۸۲	۳۱۹	۲۹۴	۲۳۱
	عربی	۱۳۵	۱۵۶	۱۶۲	۱۸۸	۱۹۶
جنس:	پسر	۳۳۱	۳۲۷	۳۳۵	۳۰۷	۳۲۴
	دختر	۲۶۹	۲۷۱	۲۶۵	۲۸۸	۲۷۶
محل تولد پدر:	شهر	۳۴۸	۳۶۱	۳۶۳	۲۹۱	۲۵۷
	روستا	۲۵۲	۲۳۶	۲۳۴	۳۰۴	۳۴۳
شغل پدر:	مستخدم دولتی	۱۱۰	۱۵۶	۲۴۶	۱۹۰	۱۳۹
	کارگر غیر ماهر	۱۴۸	۱۱۰	۵۹	۱۰۴	۹۶
	کاسب، تاجر	۱۰۷	۱۵۰	۶۰	۸۱	۸۸
	صنعتگر و تکنسین	۲۰۷	۱۶۹	۲۰۹	۱۸۴	۲۰۶
	دیگر مشاغل	۲۸	۱۹	۲۷	۳۶	۷۱
جمع کل		۶۰۰	۵۹۸	۶۰۰	۵۹۸	۶۰۰

نتایج به صورت زیر تحلیل شده است:

الف) با ثابت در نظر گرفتن دیگر عوامل، محبوبیت اسامی اسلامی در میان اهالی ناحیه کم

درآمد به مراتب بیشتر است تا در میان اهالی با درآمد بالا.

ب) پدرانی که در نواحی روستایی به دنیا آمده‌اند در مقایسه با پدرانی که در نواحی

شهری به دنیا آمده‌اند تمایل بیشتری به انتخاب اسامی اسلامی برای فرزندان‌شان دارند،

نمی‌توان در مورد اسامی عربی و فارسی به همین نتیجه دست یافت.

ج) اسامی اسلامی برای پسران محبوبیت بیشتری دارد تا برای دختران و شکاف بین نسبت‌های مربوط به آنها قابل توجه و معنی‌دار می‌باشد.

د) در سه دوره زمانی منتخب (۱۳۴۱، ۱۳۵۷، ۱۳۶۱) پدرانی که جزو مستخدمین دولتی بودند، تمایل کمتری به انتخاب اسامی اسلامی برای کودکان خود داشته‌اند تا پدرانی که دارای سایر مشاغل بوده‌اند. بالاترین میزان محبوبیت اسامی اسلامی در میان کارگران غیر ماهر می‌باشد.

بخش دیگری از این تحقیق به مقایسه نسبت‌های مختلف مقولات نام در طول زمان پرداخته با این هدف که اثرات اصلاحات عمده سیاسی و فرهنگی بر روی محبوبیت نام‌ها کشف شود. از آنجا که رژیم شاه ارزش‌های دنیوی و رژیم اسلامی ارزش‌های اسلامی را ترویج می‌کردند به منظور به دست آوردن اثرات این مداخلات فرهنگی فاصله زمانی بین ۶۶-۱۳۴۱ به چهار مقطع زمانی تقسیم شده دو فاصله مربوط به سال‌های قبل از انقلاب (۵۱-۱۳۴۱ و ۵۷-۱۳۵۱) و دو فاصله زمانی مربوط به بعد از انقلاب (۶۱-۱۳۵۷ و ۶۶-۱۳۶۱). نتایج مقایسه نسبت‌ها در چهار دوره مذکور چنین است:

الف) در دوره زمانی ۵۱-۴۱ اسامی اسلامی از ۵۷٪ به ۴۷٪ کاهش یافته در حالی که اسامی فارسی از ۲۰٪ به ۲۷٪ افزایش یافته و نسبت اسامی عربی غیر اسلامی تقریباً ثابت مانده است. این روند در ناحیه پردرآمدتر نمایان‌تر است تا در ناحیه کم‌درآمد.

ب) در فاصله زمانی ۵۷-۵۱ که پنج سال آخر رژیم شاه است روند معکوس گردیده یعنی نسبت اسامی اسلامی از ۴۷٪ به ۵۳٪ افزایش یافته در حالی که نسبت اسامی فارسی از ۲۷٪ به ۲۰٪ کاهش یافته و نسبت اسامی عربی نیز ثابت مانده است.

ج) در فاصله زمانی ۶۱-۵۷ که سال‌های اولیه انقلاب را دربر می‌گیرد نسبت‌ها تقریباً ثابت باقی مانده‌اند در حالی که تنزل نسبتاً اندکی در محبوبیت اسامی اسلامی و افزایش نسبتاً کمی در محبوبیت اسامی عربی وجود داشته، نسبت اسامی فارسی ثابت باقی مانده است.

د) در فاصله زمانی آخر یعنی ۶۶-۶۱ روندی مشابه دوره اول (۵۱-۴۱) وجود دارد. در

این دوره نسبتاً اسامی اسلامی به پایین‌ترین سطح آن یعنی ۳۸٪ و نسبت اسامی فارسی به لاتین به بالاترین سطح آن یعنی ۳۰٪ در کل سال‌ها رسیده و نسبت اسامی عربی ثابت باقی مانده است. α

آنچه که در تحقیق مذکور قابل نقد است مقولاتی است که نام‌ها بر اساس آن دسته‌بندی شده‌اند. دسته‌بندی نام‌ها بر مبنای سه مقوله عربی، اسلامی و فارسی منعکس‌کننده همه گرایش‌های فرهنگی موجود در ایران نیست. گرایشهای غربی که با انتخاب اسامی با ریشه‌های غربی بروز می‌کند، همینطور اسامی با ریشه زبان‌های موجود در ایران مثل ترکی، کردی و... نادیده گرفته شده، به خصوص که بخشی از سال‌های انتخابی این تحقیق متعلق به قبل از انقلاب است یعنی دوره‌ای که انتخاب اسامی غربی هنوز ممنوع نبوده است لذا قابل پیش‌بینی است که در اسامی قبل از انقلاب در صدی نیز دارای ریشه غربی باشند اما با وجود این در این تحقیق تقریباً تمامی ۳۰۰۰ نمونه در سه مقوله مذکور جای گرفته‌اند. مثلاً در سال ۴۱ از ۶۰۰ نمونه انتخابی، ۱۲۴ نام با ریشه فارسی، ۳۴۱ نام با ریشه اسلامی، ۱۳۵ نام با ریشه عربی مقوله‌بندی شده‌اند. به عبارت دیگر محقق توانسته تمامی ۶۰۰ نام را در سه مقوله طبقه‌بندی کند. لذا معلوم نیست اسامی با ریشه غربی در کدام مقوله جای داده شده‌اند. همینطور اسامی با ریشه مثلاً ترکی که احتمالاً باید تعداد آنها در شهر همدان کم نباشد یا باید حذف شده باشند که در این صورت بدین معنی است که یک نوع گرایش در نظر گرفته نشده و یا باید جزو اسامی فارسی طبقه‌بندی شده باشد که در این حالت نیز دو مقوله که نشان دهنده دو گرایش مختلف هستند با یکدیگر جمع شده‌اند.

نکته دیگری که در نتایج این تحقیق وجود دارد و نشان دهنده تداخل داشتن مقولات نام‌هاست این است که نام‌های با ریشه عربی در سال‌های مورد بررسی تقریباً ثابت مانده‌اند. در حالی که این نتیجه به لحاظ منطقی نمی‌تواند صحیح باشد. در دوره قبل از انقلاب گرایش‌های ضدعربی توسط رژیم شاه ترویج می‌شد. با وقوع انقلاب تا قبل از جنگ به دلیل شدت گرفتن گرایش‌های مذهبی منطقی‌می‌بایست نام‌های عربی افزایش یافته باشند و با

وقوع جنگ این نام‌ها به دلیل رویارویی با دشمن عربی کاهش یابد. در حالی که با توجه به نتایج در تمام این سال‌ها نام‌های عربی ثابت باقی مانده‌اند. این امر نشان می‌دهد که تفکیک مقولات چندان دقیق نیست. این خطا احتمالاً از آنجا رخ داده است که بخشی از نام‌های عربی درون نام‌های اسلامی جای گرفته‌اند.

به طور کلی تقسیم‌بندی مزدرد نظر به لحاظ روش‌شناسی کامل نیست. زیرا یا باید تقسیم‌بندی ریشه‌ای باشد (عربی، فارسی و...) یا تقسیم‌بندی گرایشی (ملی، مذهبی و...) و این دو تقسیم‌بندی را نمی‌توان با یکدیگر خلط کرد. همچنین اسامی ترکیبی بسیاری با دو ریشه وجود دارد، مثل دوست‌علی که معلوم نیست در چه مقوله‌ای گنجانده خواهند شد.

۲- تحقیق دیگری که در ایران انجام شده و در این زمینه قابل ذکر است تحقیقی است با موضوع نامگذاری در ایران (ایمانی، ۱۳۶۲) که بخشی از آن به بررسی نام‌های کوچک در ایران اختصاص دارد. این تحقیق که نمونه‌گیری آن در فاصله زمانی ۱۳۰۰-۱۲۸۰ با ۶۰۰۰ نام انجام گرفته، نمونه‌های آن از اسامی موجود در دفاتر آموزش و پرورش انتخاب شده‌اند. در این تحقیق که از بعد زبانشناسانه به موضوع نگریسته شده عناصر سازنده نام کودکان ایرانی با توجه به سه عنصر: ۱- عنصر ن ایشگر و ویژگی‌های فرد ۲- عنصر نمایشگر زمان ۳- عنصر نمایشگر وضع اجتماعی، و قرار دادن نام‌ها در این سه قالب ارزیابی انجام گرفته است.

دو نکته در این تحقیق قابل نقد است یکی این که نمونه‌گیری از دفاتر آموزش و پرورش انجام گرفته که این مسئله تصادفی بودن نمونه‌گیری را خدشه‌دار می‌کند. چون در سال ۱۲۸۰ که این تحقیق آن سال را نقطه شروع بررسی قرار داده، اقشار و طبقات خاصی فرزندان خود را به مدرسه می‌فرستادند و آموزش مانند امروز فراگیر نبود. نکته دیگر این که محقق با وجودی که ۶۰۰۰ نمونه را انتخاب کرده و در این نمونه‌گیری متغیرهای جنسیت و طبقه اجتماعی را دخالت داده است ولی در تحقیق هیچ‌گونه آمار و ارقام و تحلیل آماری مشاهده نمی‌شود و محقق با یک بررسی اجمالی روی نام‌ها سعی کرده عناصر این نام‌ها را به نحوی استنباطی طبقه‌بندی کند.

۳- گزارشی نیز با نام نگاهی به اسامی شهدای انقلاب اسلامی ایران (بنیاد شهید، ۱۳۷۳) ارائه شده، در این گزارش اسامی شهدای انقلاب اسلامی (۲۱۲۷۰۰ نفر) بر حسب اسلامی و غیر اسلامی بودن آنها تقسیم‌بندی شده‌اند. با این هدف بر اساس نتایج حدود ۸۶٪ از اسامی شهدا جزو اسامی معصومین (ع)، انبیا و اسماء الهی قرار گرفته‌اند. از بین اسامی اسلامی بیشترین فراوانی (۴۵۰۰۰ نام) متعلق به اسامی محمد و صفات و کنیه‌های حضرت رسول (ص)، مصطفی، ابوالقاسم، احمد، امین، پیغامبر، پیامبر، نبی، مرسل، مسعود، شفیع، محمود، مختار و... است. بعد از آن اسامی علی و صفات و کنیه‌های امیرالمومنین (ع)، مرتضی، ابوالحسن، ابوتراب، حیدر، صفدر، امیر، اسد، ولی و... با تعداد ۳۷۰۰۰ نام در مرتبه دوم قرار می‌گیرند. کمترین موارد نام‌هایی چون عابدین، سجاد و... (۴۰۰ نام)، همینطور باقر، بحرالعلوم و... (۴۰۰ نام) و اسامی عسگر، عسگری و... (۴۰۰ نام) هستند.

البته در گزارشی که در دسترس بود توضیحی در مورد مبنای تقسیم‌بندی اسامی داده نشده ولی به نظر می‌رسد در تقسیم‌بندی اسامی ناهماهنگی وجود دارد.

۴- در کشورهای دیگر تحقیقات بیشتری در این زمینه شده، یکی از تحقیقات در دسترس مطالعه‌ای است تحت عنوان نام‌های اول کودکان (Lieberson 8 O.Bell 1992) هدف این تحقیق بررسی و شناخت سلايق اجتماعی با روش تجربی از طریق طبقه‌بندی ۲۰ نام عمومی کودکان بر اساس تعداد فراوانی آنهاست. نمونه انتخاب شده در یک دوره زمانی ۱۳ ساله قرار دارد که از متولدین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵ ایالت نیویورک هستند و تعداد نمونه ۶/۲۵٪ کل جامعه آماری است. بعضی از نتایج این تحقیق شامل:

الف) الگوی نامگذاری سفیدها برای دختر و پسر تفاوت دارد. به این ترتیب که ۲۰ نام عمومی برای پسران ۴۵٪ از نام‌های پسران سفید پوست را تشکیل می‌دهد، در حالی که ۲۰ نام عمومی تر برای دختران ۳۱٪ از نام‌های دختران سفید پوست را شامل می‌شود. همینطور در پسران سیاه‌پوست ۲۰ نام عمومی ۱۷/۴٪ و در دختران ۴/۹٪ از نام‌های دختران سیاه‌پوست را تشکیل می‌دهد.

ب) از نظر میزان نام‌های واحد یعنی نام‌هایی که در طول دوره ۱۳ ساله مورد بررسی فقط روی یک کودک گذاشته شده، بین دختران و پسران سفیدپوست تفاوت کمی دیده می‌شود. به طوری که در بین سفیدپوست‌ها ۴٪ از پسرها و ۶٪ از دخترها نام‌های واحد داشته‌اند. اما در بین سیاهان این تفاوت بیشتر است. ۱۹٪ از پسران سیاه و ۳۱٪ از دختران سیاه در طول دوره ۱۳ ساله نام‌های واحد داشته‌اند.

ج) مقایسه نام‌های عمومی در طول سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۸۵ نشان می‌دهد که نام‌های عمومی برای پسران ثابت‌تر از دختران است. نام‌های عمومی دختران بیشتر احتمال دارد که تازه یا غیر مصطلح باشند.

با توجه به نتایج فوق نام‌های پسران و دختران از سه جهت یا ویژگی با همدیگر متفاوتند:
۱- تمرکز روی نام‌ها ۲- واحد بودن ۳- اتصال آنها در طول زمان.

در نهایت تحلیلی که محقق از این وضعیت دارد این است که این تفاوت‌های جنسی در نامگذاری با تفاوت‌های تاریخی در نقش‌های زن و مرد تبیین می‌شود. با این که زن‌ها نقش جدی‌تری در خانواده و نقش‌های خویشاوندی دارند اما مردان به طور سمبلیک نقطه اتصال خانواده هستند. به همین دلیل والدین بیشتر احتمال دارد که نام‌های خویشاوندی برای پسران خود بگذارند تا دخترها. زیرا از طریق این گونه نامگذاری در واقع نقش‌های پسرانشان را به عنوان جاودان‌کننده و سمبل اتصال و پرستیژ خانواده تقویت می‌کنند. از این رو الگوی نامگذاری برای دخترها و پسرها انعکاسی از قائل شدن نقش کمتر برای زنان است. به همین دلیل نام‌های دختران به طور نسبی تزئینی‌ترند و نتیجتاً برای قبول مد، باز و کمتر قراردادی هستند.

یکی از نکاتی که در نقد این تحلیل آمده و قطعیت نتایج را خدشه‌دار می‌کند محدود بودن دوره زمانی است که برای بررسی نام‌های عمومی در نظر گرفته شده است. (BESNARD, 1995) یک دوره زمانی ۱۳ ساله برای مشاهده دوره زندگی یک نام کوتاه است. به عبارت دیگر نام‌های عمومی به دست آمده در نتایج معلوم نیست در چه مرحله‌ای از زندگی خود

هستند. آیا مرحله تولد آنهاست یا مرحله‌ای است که در حال گسترش هستند. یا از اوج خود در حال سقوط و یا حتی در حال ناپدید شدن هستند. لذا چنین مطالعه‌ای فاصله زمانی بیشتری را می‌طلبد. به خصوص وقتی نام‌های عمومی با متغیرهای دیگری مثل طبقه اجتماعی و نوع نژاد در ارتباط قرار می‌گیرد، بیشتر مفهوم خود را از دست می‌دهد.

۶- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق متولدین سال‌های ۱۳۴۵ تا پایان سال ۱۳۷۴ شهر تهران هستند که یک محدوده زمانی ۳۰ ساله را در بر می‌گیرد. اطلاعات مورد نیاز از سازمان ثبت احوال کشور اخذ شده است. بر اساس آمار دریافتی از سازمان ثبت احوال تهران تعداد کل متولدین از سال ۴۵ تا ۷۴، ۸۲۵/۲۹۵/۴ است که آمار آن به تفکیک سال‌های مورد بررسی و جنسیت در جدول بعد آمده است:

سال	تعداد کل	دختر	پسر
۱۳۴۵	۱۰۹۲۵۵	۵۲۸۱۰	۵۶۴۴۵
۱۳۴۶	۱۱۱۹۱۸	۵۳۸۷۵	۵۸۰۴۳
۱۳۴۷	۱۱۸۹۷۰	۵۷۳۱۷	۶۱۶۵۳
۱۳۴۸	۱۱۶۷۶۳	۵۶۶۴۶	۶۰۱۱۷
۱۳۴۹	۱۲۱۶۵۲	۵۸۹۶۱	۶۲۶۹۱
۱۳۵۰	۱۲۲۹۷۶	۵۹۳۷۹	۶۳۵۹۷
۱۳۵۱	۱۱۷۹۸۶	۵۷۱۴۰	۶۰۸۴۶
۱۳۵۲	۱۲۰۱۹۳	۵۷۷۶۱	۶۲۴۳۲
۱۳۵۳	۱۱۷۳۰۹	۵۶۶۴۵	۶۰۶۶۴
۱۳۵۴	۱۲۵۰۳۱	۶۰۶۱۲	۶۴۴۱۹
۱۳۵۵	۱۲۹۵۸۹	۶۲۶۰۷	۶۶۹۸۲
۱۳۵۶	۱۳۳۱۲۶	۶۴۶۳۸	۶۸۴۸۸

۷۲۰۲۰	۶۸۲۸۸	۱۴۰۳۰۸	۱۳۵۷
۸۰۹۴۰	۷۶۶۸۹	۱۵۷۶۲۹	۱۳۵۸
۹۵۹۵۱	۹۱۴۰۵	۱۸۷۳۵۶	۱۳۵۹
۱۰۳۲۵۲	۹۸۳۶۰	۲۰۱۶۱۲	۱۳۶۰
۱۰۳۴۶۱	۹۹۸۱۶	۲۰۳۲۷۷	۱۳۶۱
۱۰۷۵۹۶	۱۳۰۲۲۲	۲۱۰۸۱۸	۱۳۶۲
۱۰۷۹۰۴	۱۰۳۸۲۰	۲۱۱۷۲۴	۱۳۶۳
۱۰۰۹۲۰	۹۷۵۷۸	۱۹۸۴۹۸	۱۳۶۴
۱۰۰۱۶۴	۹۸۴۴۰	۱۹۸۶۰۴	۱۳۶۵
۸۹۱۳۳	۸۷۵۵۶	۱۷۷۰۶۹	۱۳۶۶
۷۹۰۹۱	۷۶۳۸۸	۱۵۵۴۷۹	۱۳۶۷
۷۹۹۱۴	۷۷۷۱۱	۱۵۷۶۲۵	۱۳۶۸
۷۰۵۲۸	۶۷۱۴۹	۱۳۷۶۷۷	۱۳۶۹
۵۹۷۶۹	۵۶۷۹۲	۱۱۶۵۶۱	۱۳۷۰
۵۶۰۰۴	۵۲۹۷۷	۱۰۸۹۸۱	۱۳۷۱
۵۰۷۸۴	۵۰۷۸۴	۱۰۱۵۶۸	۱۳۷۲
۴۹۹۹۷	۴۷۲۶۷	۹۷۲۶۴	۱۳۷۳
۴۵۷۲۹	۴۳۲۷۸	۸۹۰۰۷	۱۳۷۴
۲۱۹۹۹۱۴	۲۰۹۵۹۱۱	۴۲۹۵۸۲۵	جمع کل

با توجه به اینکه تحول نامگذاری و مقایسه سالانه آنها مورد نظر بوده، لذا حجم نمونه بر اساس سالی که کمترین تعداد متولدین را داشته یعنی سال ۱۳۷۴ با در نظر گرفتن فرمول زیر

محاسبه شده است:

۱- حداکثر ۲٪ متولدین غیر مسلمان از کل جامعه آماری کم می شود. این نسبت بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ در خصوص استان تهران انتخاب شده است.

۲- ضریب اطمینان ۹۵٪ فرض می شود که در نتیجه t برابر ۱/۹۶ می گردد.

۳- واریانس صفت مشاهده شده در نمونه آماری حداکثر فرض می شود در نتیجه $P=۰/۵$ و $(1-P)=۰/۵$ است.

۴- فاصله اطمینان تعمیم نتایج به جامعه آماری ۰/۰۸ در نظر گرفته می شود که در نتیجه $d=۰/۰۴$ می شود.

در نهایت حجم نمونه برای سال ۱۳۷۴ برابر است با:

$$n = \frac{Nt^2 P(1-P)}{Nd^2 + t^2 P(1-P)}$$

$$N = ۸۹۰۰۷ \times ۰/۹۸ = ۸۷۲۲۷$$

$$P(1-P) = ۰/۵ \times ۰/۵ = ۰/۲۵$$

$$n = \frac{۸۷۲۲۷ \times (۱/۹۶)^2 \times (۰/۲۵)}{۸۷۲۲۷ \times (۰/۰۴)^2 + (۱/۹۶)^2 \times ۰/۲۵} = \frac{۸۳۷۷۳}{۱۴۰/۵} = ۵۹۶$$

و چون نسبت n به N در مورد فوق برابر $۰/۰۰۷$ ($۵۹۶/۸۳۷۷۳ = ۰/۰۰۷$) است و از رقم ۰/۰۵ کمتر است لذا احتیاجی به اصلاح رقم به دست آمده نیست. گرچه نسبت نمونه به جامعه آماری برای سال هایی که متولدین بیشتری دارند از رقم مذکور کوچک تر می شود ولی برای آن که در کل سال ها نسبت یکسان باشد و نتایج خام نیز قابل تعمیم باشد، لذا نسبت ۰/۰۰۷ برای کل جامعه آماری و برای کلیه سال ها در نظر گرفته شده است:

$$\text{برآورد حجم کل نمونه} \quad ۴۲۹۵۸۲۵ \times ۰/۹۸ \times ۰/۰۰۷ = ۲۹۴۶۹$$

برای احتیاط و احتمالاً حذف پاره ای از موارد ناقص حجم کل نمونه ۳۰/۰۰۰ در نظر گرفته شده است. ولی در عمل و بنا به ملاحظات سهولت انتخاب نمونه از دفاتر ثبت احوال

تعداد نمونه به رقم ۳۲۴۹۶ بالغ گشت.

برای این که این تعداد حجم نمونه به نسبت سال‌های مختلف توزیع شود ابتدا به پرونده‌های موجود در ثبت احوال مراجعه شد تا مشخص شود نحوه و ترتیب قرار گرفتن اسناد مربوط به شناسنامه افراد چگونه است. در مراجعه به ثبت احوال مشاهده شد که هر شناسنامه دارای یک سند است که مشخصات کودک متولد شده و مشخصات پدر و مادر در آن درج شده است و ترتیب قرار گرفتن این اسناد بدین صورت است که حدود هر ۲۰۰ سند که مربوط به ۲۰۰ کودک است در مجموعه‌ای به نام پرونده یا مجلد جای گرفته و شماره سری این پرونده‌ها نیز به دنبال هم است. برای انتخاب یک نمونه ۳۰/۱۰۰۰ نفری از کل جامعه آماری یعنی ۴۲۹۵۸۲۵ نفر لازم بود که از حدود هر ۱۴۰ سند یک سند انتخاب شود. از آنجا که انتخاب هر سند با فاصله ۱۴۰ شماره مستلزم مراجعه به تمامی پرونده‌های موجود در ۳۰ سال بوده و می‌بایست به حدود ۲۲۵۰۰ پرونده مراجعه می‌شد و این امر مستلزم زحمات فراوان و بی‌فایده‌ای بود، لذا تصمیم بر این شد که نمونه‌گیری در دو مرحله انجام گیرد. در مرحله اول از میان کل پرونده‌ها نمونه‌گیری شد، به این ترتیب که ابتدا $\frac{1}{3}$ پرونده‌ها با انتخاب از روی شماره‌ها از کل پرونده‌ها جدا شد. به این صورت که مثلاً اگر پرونده‌های سال ۴۵ از شماره ۲۵۳۶ شروع شده بود، شماره‌های ۲۵۳۶، ۲۵۳۹، ۲۵۴۲ و ... انتخاب شد. و در مجموع بیش از ۸۰۰۰ پرونده برگزیده و همانطور که گفته شد هر پرونده حاوی حدود ۲۰۰ سند مربوط به شناسنامه ۲۰۰ نفر بود. در مرحله دوم از هر پرونده ۴ سند انتخاب شد که این ۴ سند به ترتیب اسناد شماره ۵۰، ۱۰۰، ۱۵۰ و ۲۰۰ هر پرونده بودند. نتیجتاً ۸۱۲۴ پرونده انتخاب و از هر پرونده ۴ سند با رعایت فاصله ۵۰ سند انتخاب گردید تا یک نمونه ۳۲۴۹۶ نفری (۸۱۲۴×۴=۳۲۴۹۶) به دست آید. در جدول بعد توزیع نمونه به تفکیک سال‌های مورد نظر به تفکیک جنسیت آمده است:

سال	تعداد نمونه	دختر	پسر
۱۳۴۵	۷۸۰	۳۶۷	۴۱۳
۱۳۴۶	۸۲۰	۴۱۴	۴۰۶
۱۳۴۷	۸۸۰	۴۰۰	۴۸۰
۱۳۴۸	۸۵۱	۴۲۵	۴۲۶
۱۳۴۹	۹۰۰	۴۳۵	۴۶۵
۱۳۵۰	۹۱۰	۴۲۵	۴۸۵
۱۳۵۱	۸۸۰	۴۱۶	۴۶۴
۱۳۵۲	۹۵۱	۴۷۷	۴۷۴
۱۳۵۳	۸۷۰	۴۲۶	۴۴۴
۱۳۵۴	۹۲۰	۴۲۸	۴۹۲
۱۳۵۵	۹۶۰	۴۵۱	۵۰۹
۱۳۵۶	۹۷۰	۴۶۷	۵۰۳
۱۳۵۷	۱۰۴۹	۴۸۳	۵۶۶
۱۳۵۸	۱۱۷۰	۵۸۲	۵۸۸
۱۳۵۹	۱۳۶۳	۶۵۵	۷۰۸
۱۳۶۰	۱۵۱۰	۷۳۲	۷۷۸
۱۳۶۱	۱۵۵۰	۷۵۲	۷۹۸
۱۳۶۲	۱۵۸۰	۷۹۲	۷۸۸
۱۳۶۳	۱۵۹۰	۷۹۴	۷۹۶
۱۳۶۴	۱۴۴۰	۷۲۳	۷۱۷
۱۳۶۵	۱۴۹۰	۷۲۴	۷۶۶

۶۸۶	۶۶۵	۱۳۵۱	۱۳۶۶
۶۵۴	۶۴۶	۱۳۰۰	۱۳۶۷
۶۶۵	۶۱۵	۱۲۸۰	۱۳۶۸
۵۴۶	۵۲۴	۱۰۷۰	۱۳۶۹
۴۴۷	۴۳۳	۸۸۰	۱۳۷۰
۴۷۲	۳۸۸	۸۶۰	۱۳۷۱
۴۳۹	۳۹۲	۸۳۱	۱۳۷۲
۳۸۹	۳۸۱	۷۷۰	۱۳۷۳
۳۷۶	۳۴۴	۷۲۰	۱۳۷۴
۱۶۷۴۰	۱۵۷۵۰	۳۲۴۹۶	جمع کل

جمع‌آوری داده‌ها در ابتدا از طریق اطلاعات موجود در کامپیوتر سازمان ثبت احوال صورت گرفت، و حدود سی و دو هزار نام استخراج گردید، ولی این اطلاعات صرفاً شامل نام فرد، تاریخ تولد، جنسیت و نام پدر وی بود در نتیجه برای دستیابی به متغیرهای بیشتر اقدام به جمع‌آوری داده‌ها بر حسب اسناد سجلی موجود در ثبت احوال گردید که اطلاعات مفید آن شامل نام، تاریخ تولد، جنسیت، نام و تاریخ تولد و محل صدور شناسنامه پدر و مادر فرد و نیز حوزه محل صدور شناسنامه فرد به علاوه تغییر نام دادن فرد بود، گرچه این کار منجر به هزینه بسیار زیاد برای جمع‌آوری و کدگذاری و ورود داده‌ها شد، لیکن در مجموع می‌توانست اطلاعات مفید دیگری را نیز در اختیار قرار دهد.

مقایسه تعداد نمونه و نسبت‌های جنسی بر حسب سال و کل در نمونه و جامعه آماری حکایت از دقت و صحت روش نمونه‌گیری برای قابل تعمیم دانستن نتایج نمونه آماری به جامعه کل می‌کند.

۷- روش تحلیل داده‌ها

اطلاعات به دست آمده پس از کدگذاری به کامپیوتر انتقال یافته و با استفاده از برنامه آماری SPSS محاسبات آماری انجام شده است.

مرحله کدگذاری نسبتاً وقت‌گیر و طولانی بود، زیرا هر مورد شامل سه اسم (فرد، پدر، مادر) و هر اسم شامل ۸ متغیر و در مجموع بیش از ۳۰ متغیر که حدود ۵۰ رقم کد را شامل می‌گردید و تعیین هر کد با مراجعه به برگه کدگذاری وقت زیادی را می‌طلبید. و در نهایت هم مجموعه ارقام کدگذاری شده حدود ۱/۵۰۰/۰۰۰ رقم شد که تقریباً ۱۰۰۰ نفر ساعت نیروی انسانی صرف آن شده است.

کدگذاری بخش فرهنگ و مصداق به وسیله نفرات اصلی پژوهش انجام شده تا کمتر دچار خطا باشد، زیرا انتخاب کد هر اسم (حدود یکصد هزار اسم) می‌باید با مراجعه به برگه اسامی که بیش از ۲۰۰۰ اسم را شامل می‌شد انجام گیرد.

روش‌های آماری به کار گرفته شده با توجه به نوع متغیرها موارد زیر هستند:

۱- محاسبه χ^2 یا جداول تقاطعی که در مواردی که دو متغیر مقوله‌ای بوده‌اند استفاده شده است.

۲- تحلیل واریانس یا مقایسه میانگین‌ها وقتی استفاده شده که یک متغیر مقوله‌ای و یک متغیر پیوسته بوده‌اند.

۳- ضرایب همبستگی در مواقعی که هر دو متغیر پیوسته هستند به کار گرفته شده است.

۴- رگرسیون چند متغیری روشی است که تاثیر چند متغیر پیوسته را بر یک متغیر پیوسته

می‌سنجد.

بخش سوم

تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌های تحقیق در شش فصل ارائه خواهد شد: در فصل اول تحلیل از وضعیت تنوع نامها در اسامی نمونه‌گیری شده انجام می‌گیرد. در فصل دوم به توضیح متغیرهای مستقل تحقیق پرداخته می‌شود. فصل سوم شامل تحلیل متغیرهای بینابینی تحقیق می‌شود که در ذیل آن نام پدر و مادر به لحاظ گرایش فرهنگی و متغیرهای ساختی (سیلاب، حروف، ریشه و...) تحلیل می‌شوند. فصل چهارم به متغیر وابسته یعنی نام فرد اختصاص دارد. در این فصل نام فرد با در ارتباط قرار دادن با متغیرهای مستقل و بینابینی توضیح داده می‌شود. در فصل پنجم به سؤال اصلی تحقیق پاسخ داده می‌شود و آن چگونگی تحول اسامی در طول ۳۰ ساله مورد بررسی است. در فصل ششم افراد دارای دو نام رسمی و غیر رسمی و تفاوت ویژگیهای آنها ارزیابی می‌شوند.

فصل اول

تحلیلی بر وضعیت تنوع اسامی

قبل از این که به وضعیت کلی اسامی نمونه گیری شده در طول ۳۰ ساله مورد بررسی پرداخته شود لازم است چگونگی تنوع اسامی بر حسب بعضی متغیرهای تحقیق تحلیل شود این عمل به این سؤال پاسخ می دهد که فردی که در مقام انتخاب اسم قرار می گیرد در کدامیک از حوزه های فرهنگی امکان بیشتری برای انتخاب اسم دارد. برای این منظور اسامی موجود در نمونه بدون در نظر گرفتن تکرار آنها شمارش شد. این شمارش در مورد نامهای پدر و مادر نیز انجام شده یعنی از مجموع ۹۷۴۸۸ نام (نام فرزند، نام پدر و نام مادر) خوانده شد. ویژگیهای نامها به صورت جداول زیر مشاهده می شود.

۱- جنسیت:

جدول ۱ فراوانی نامها بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد
پسر	۷۷۵	۳۷/۳
دختر	۱۳۰۲	۶۲/۷
جمع	۲۰۷۷	۱۰۰

در ۹۷۴۸۸ اسم مورد شمارش ۲۰۷۷ نوع اسم وجود دارد. (منظور اسامی ساده و غیر ترکیبی است، مثلاً علی فقط یک بار ذکر شده در حالی که ده‌ها نام ترکیبی از آن وجود دارد) که با توجه به توزیع فوق تنوع اسامی برای جنس دختر حدود ۱/۷ برابر جنس پسر است. البته این تنوع اسامی باید بالحاظ کردن این نکته که یک پدر و مادر ممکن است چند فرزند داشته و نام آنها چند بار تکرار شده است در نظر گرفته شود.

۲- گرایش فرهنگی:

جدول ۲۱ فراوانی نامها بر حسب گرایش فرهنگی

گرایش فرهنگی	تعداد	درصد
غربی	۸۵	۴/۱
ملی	۱۳۳	۶/۴
خنتی	۹۸۴	۴۷/۴
اسلامی	۴۲۷	۲۰/۶
مذهبی جدید	۱۴۸	۷/۱
ملی اسلامی	۲۱	۱/۰
اسلامی سنتی	۱۵۹	۷/۷
ایدئولوژیک	۷۲	۳/۵
عبری	۲۷	۱/۳
خرده فرهنگ	۳۸۴	۱۸/۵
تعیین نشده	۶۴	۳/۱
جمع	۲۰۷۷	۱۰۰

در جدول مقوله «تعیین نشده» شامل بخشی از اسامی می‌شود که گرایش فرهنگی آنها قابل تشخیص نبوده است. این اسامی عمدتاً اسامی نامأنوسی هستند که در کل نمونه معمولاً یک بار وجود داشته است.

تنوع اسم در مقوله نامهای خنتی بیشتر از سایر مقولات است. این امر بر ماهیت اسامی خنتی مربوط می‌شود و این که چون در اسامی خنتی امکان ابداع و نوآوری وجود دارد در طول زمان به تعداد آنها افزوده می‌شود در حالی که در سایر مقولات امکان این افزایش کمتر وجود دارد. مثلاً اسامی ملی اسلامی و اسلامی سنتی که عمدتاً از نامهای شخصیت‌های مذهبی

هستند ماهیتاً نمی‌توانند افزایش یابند و به نسبت ثابت‌اند مگر این‌که در طول زمان شخصیت‌های جدیدی ظهور کنند که نفوذ مذهبی آنها به انتخاب نام آنان برای کودکان منجر شود که در این حالت نیز احتمال این‌که نام این شخصیت از نام‌های موجودی که قبلاً وجود داشته است، باشد زیاد است لذا تأثیر چندانی بر تنوع اسامی مذهبی نخواهد داشت. با این وجود مشاهده می‌شود که در میان نام‌های اسلامی، اسامی جدید اسلامی، که عموماً مفهومی هم هستند در حال گسترش و ابداع است.

۳- گرایش فرهنگی و جنسیت:

جدول ۳۱ رابطه فرهنگ و جنسیت نامها

فرهنگ جنسیت	تعیین نشده	غربی	ملی	خنتی	جدید اسلامی	ملی- اسلامی	اسلامی سنتی	اسلامی ایدئولوژیک	خرده فرهنگ	عبری	کل
پسر (درصد)	۱۶ (۲/۱)	۸ (۱/۰)	۱۰۱ (۱۳/۰)	۲۴۵ (۳۱/۶)	۵۴ (۷/۰)	۱۸ (۲/۳)	۱۱۹ (۱۵/۴)	۲۶ (۳/۴)	۱۷۲ (۲۲/۲)	۱۶ (۲/۱)	۷۷۵ (۱۰۰)
دختر (درصد)	۴۸ (۳/۷)	۷۷ (۵/۹)	۳۲ (۲/۵)	۷۳۹ (۵۶/۸)	۹۴ (۷/۲)	۳ (۰/۲)	۴۰ (۳/۱)	۴۶ (۳/۵)	۲۱۲ (۱۶/۳)	۱۱ (۰/۴)	۱۳۰۲ (۱۰۰)
کل	۶۴	۸۵	۱۳۳	۹۸۴	۱۴۸	۲۱	۱۵۹	۷۲	۳۸۴	۲۷	۲۰۷۷

$$x^2=313 \quad D.F=9 \quad sig=0.0000$$

در مورد هر دو جنس تنوع نامها در مقوله نام‌های خنتی بیشتر است اما در مقایسه دو جنس نام‌های خنتی برای جنس دختر بیشتر از پسر است و برعکس در مقوله نام‌های ملی، ملی-اسلامی و اسلامی سنتی نام‌های پسرانه بیشتر از نام‌های دخترانه است. یکی از دلایل آن این است که در این سه مقوله اخیر اساساً انتخاب نام برای دختر کمتر امکان دارد چون تعداد شخصیت‌های مذهبی و ملی زن کمتر از تعداد شخصیت‌های مرد است.

۴- مصداقی بودن

جدول ۴/ فراوانی نامها بر حسب مصداق و مفهوم

مصداق و مفهوم	تعداد	درصد
مصداق فرد	۲۷۷	۱۳/۳
مصداق غیر فرد	۳۵۰	۱۶/۹
مفهومی	۱۲۶۷	۶۱/۰
استعمال عام	۲۱	۱/۰
اسماء خدا	۳۰	۱/۴
تعیین نشده	۱۳۲	۶/۴
کل	۲۰۷۷	۱۰۰

اسامی که به لحاظ تقسیم‌بندی فوق مفهومی هستند بالاترین نسبت را در مقایسه با سایر مقولات دارند، بالا بودن تنوع اسامی مفهومی به معنای استفاده بیشتر از آنها نیست. بعضی اسامی مفهومی ممکن است ابداع یک فرد باشد و تنها یک نفر هم دارای آن نام باشد. ایجاد نوآوری در اسامی مفهومی در طول زمان کاملاً میسر است، در حالی که این امر برای اسامی مصداقی چندان امکان‌پذیر نیست، اگر چه کاربرد اسامی مصداقی همواره بیش از مفهومی بوده است.

۵- مصداقی بودن و جنسیت

جدول ۵ رابطه مفهومی و مصداقی بودن اسامی با جنسیت

مفهوم یا مصداق	جنسیت	پسر	دختر	جمع
مصداق فرد		۱۸۶ (۲۴/۰)	۹۱ (۷/۰)	۲۷۷
مصداق غیر فرد		۷۴ (۹/۵)	۲۷۶ (۲۱/۲)	۳۵۰
مفهومی		۴۶۱ (۵۹/۵)	۸۰۶ (۶۱/۹)	۱۲۷۷
استعمال عام		۳ (۰/۴)	۱۸ (۱/۴)	۲۱
اسماء خدا		۲۴ (۳/۱)	۶ (۰/۴)	۳۰
تعیین نشده		۲۷ (۳/۵)	۱۰۵ (۸/۱)	۱۳۲
جمع		۷۷۵	۱۳۰۲	۲۰۷۷

$$\chi^2=189 \quad D.F=5 \quad sig=0.0000$$

برای هر دو جنس اسامی مفهومی بالاترین تنوع را دارند که این تنوع اگر به نسبت تعداد نامهای هر جنس مقایسه شود در صدها تقریباً به هم نزدیکند. تفاوت عمده تنوع اسامی دختر و پسر در نامهای مصداق فرد و غیر فرد است. در اسامی که مصداق فرد هستند درصد نامهای پسر حدود ۳ برابر دختر است و برعکس در اسامی که مصداق غیر فرد هستند تنوع نامهای دختر ۲ برابر پسر است.

۶- حروف الفبا:

جدول ۶۱ فراوانی نامها بر حسب حرف اول

حروف	تعداد	درصد	حروف	تعداد	درصد	حروف	تعداد	درصد	حروف	تعداد	درصد
الف	۲۵۳	۱۲/۲	خ	۴۵	۲/۲	ص	۵۵	۲/۶	ک	۶۸	۳/۳
ب	۹۷	۴/۷	د	۵۵	۲/۶	ض	۳	۰/۱	گ	۹۳	۴/۵
پ	۶۳	۳/۰	ذ	۵	۰/۲	ط	۲۶	۱/۳	ل	۲۲	۱/۱
ت	۵۰	۲/۴	ر	۷۷	۳/۷	ظ	۴	۰/۲	م	۲۵۴	۱۲/۲
ث	۹	۰/۴	ز	۳۱	۱/۵	ع	۱۰۶	۵/۱	ن	۱۳۱	۶/۳
ج	۳۶	۱/۷	ژ	۸	۰/۴	غ	۱۴	۰/۷	و	۳۴	۱/۶
چ	۶	۰/۳	س	۱۵۳	۷/۴	ف	۱۱۶	۵/۶	ه	۵۲	۲/۵
ح	۵۵	۲/۶	ش	۹۴	۴/۵	ق	۳۷	۱/۸	ی	۲۵	۱/۲

اسامی که با حروف «الف» و «م» شروع می‌شوند بالاترین درصد اسامی را با فاصله نسبتاً زیادی از سایر حروف دارند. اگر جدول فوق به تفکیک جنسیت تفکیک شود، توزیع برای هر دو جنس تقریباً یکسان است.

فصل دوم

متغیرهای مستقل

در این بخش به تحلیل متغیرهای مستقل اسامی جامعه مورد مطالعه پرداخته می‌شود.

۱- جنسیت

از مجموع ۳۲۴۹۶ اسم دختر و پسر مورد مطالعه، حدود ۵۱/۵ درصد آنان را پسران و ۴۸/۵ درصد را دختران تشکیل می‌دهند و نسبت جنسی برابر ۱۰۶ می‌باشد که همان نسبت جنسی متولدین در جامعه مورد مطالعه است. و این حکایت از درستی شیوه نمونه‌گیری می‌کند.

جدول ۷۱ درصد جمعیت مورد مطالعه بر حسب جنسیت (۱)

جنسیت	درصد
پسر	۵۱/۵
دختر	۴۸/۵
کل	۱۰۰

با وجودی که نسبت پسرها بیش از دخترهاست اما همانطوری که قبلاً گفته شد نامها برای دخترها بیش از پسرهاست. اگر تنوع نامها با در نظر گرفتن نسبت جنس فوق محاسبه شود، در مورد ذکور به ازای هر ۲۳ نفر یک نام وجود دارد اما در مورد اناث به ازای هر ۱۲ نفر یک نام مشاهده می‌شود.

۲- محل صدور شناسنامه پدر

جدول ۸۱ توزیع درصد نمونه بر حسب محل صدور شناسنامه پدر

استان	درصد	استان	درصد
۱- تهران	۲۷/۹	۱۴- فارس	۰/۹
۲- استان تهران (بدون تهران)	۷/۳	۱۵- کردستان	۰/۸
۳- آذربایجان شرقی	۱۴/۸	۱۶- کرمان	۰/۷
۴- آذربایجان غربی	۱/۲	۱۷- باختران	۱/۱
۵- اصفهان	۶/۱	۱۸- کهگیلویه	۰/۰
۶- ایلام	۰/۲	۱۹- گیلان	۵/۴
۷- بوشهر	۰/۰	۲۰- لرستان	۱/۵
۸- چهارمحال و بختیاری	۰/۲	۲۱- مازندران	۳/۴
۹- خراسان	۵/۰	۲۲- مرکزی	۷/۲
۱۰- خوزستان	۱/۵	۲۳- هرمزگان	۰/۱
۱۱- زنجان	۴/۴	۲۴- همدان	۵/۵
۱۲- سمنان	۲/۷	۲۵- یزد	۱/۱
۱۳- بلوچستان	۰/۲	۲۶- خارج از کشور	۰/۵

بعد از تهران که با ۲۷/۹ درصد بالاترین نسبت را دارد، استان آذربایجان شرقی قرار دارد.

۳- محل صدور شناسنامه مادر

جدول ۹۱ توزیع درصد نمونه بر حسب محل صدور شناسنامه مادر

استان	درصد	استان	درصد
۱- تهران	۳۷/۵	۱۴- فارس	۰/۷
۲- استان تهران (بدون تهران)	۶/۷	۱۵- کردستان	۰/۶
۳- آذربایجان شرقی	۱۲/۷	۱۶- کرمان	۰/۵
۴- آذربایجان غربی	۱/۱	۱۷- باختران	۰/۹
۵- اصفهان	۵/۲	۱۸- کهگیلویه	۰/۰
۶- ایلام	۰/۱	۱۹- گیلان	۵/۸
۷- بوشهر	۰/۰	۲۰- لرستان	۱/۲
۸- چهارمحال و بختیاری	۰/۱	۲۱- مازندران	۳/۵
۹- خراسان	۴/۰	۲۲- مرکزی	۵/۵
۱۰- خوزستان	۱/۵	۲۳- هرمزگان	۰/۰
۱۱- زنجان	۳/۷	۲۴- همدان	۴/۳
۱۲- سمنان	۲/۲	۲۵- یزد	۱/۱
۱۳- بلوچستان	۰/۱	۲۶- خارج از کشور	۰/۴

در مورد مادران درصد غیر مهاجرین حدود ۱۰ درصد بیشتر از پدران بوده و به ۳۷/۵ درصد رسیده است. این نتیجه تایید این نکته است که مردها بیشتر از زنها به تهران مهاجرت کرده‌اند. اما مقایسه محل صدور شناسنامه پدر و مادر نشان می‌دهد که الگوی مهاجرت در هر دو شبیه است. فقط زنان دو استان مازندران و گیلان بیش از مردانشان ساکن تهران شده‌اند.

۴- تاریخ تولد پدر

جدول ۱۰۱ درصد فراوانی تاریخ تولد پدران

تاریخ تولد	درصد
تا ۱۳۰۰	۱/۱
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۶/۱
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۱۸/۵
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۲۸/۶
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۳۲/۵
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۱۳/۰
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۰/۲
کل	۱۰۰

با توجه به این که والدین در نامگذاری فرزند نقش مهمی دارند، باید گفت بیشترین اسامی نمونه توسط متولدین ۱۳۴۰-۱۳۳۱ که در حال حاضر (۱۳۷۶) در گروه سنی ۳۵-۴۵ سال قرار دارند انتخاب شده است.

۵- تاریخ تولد مادر

جدول ۱۱ درصد فراوانی تاریخ تولد مادران

تاریخ تولد	درصد
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۱/۵
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۷/۸
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۲۴/۱
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۳۸/۵
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۲۴/۹
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۳/۲
کل	۱۰۰

در مورد مادران هم بالاترین درصد به متولدین ۴۰-۱۳۳۱ است با این تفاوت که گروه سنی قبل از سال ۱۳۰۰ در جدول مشاهده نمی‌شود، که این امر بر قابلیت باروری زنان و این که بعد از سن ۴۵ تقریباً امکان باروری برای زن نیست یا بسیار اندک است، مربوط است.

۶- حوزه دریافت شناسنامه کودک

جدول ۱۲ درصد فراوانی بر حسب حوزه دریافت شناسنامه کودک

حوزه	درصد
شمال	۱۶/۳
مرکزی	۳۳/۶
حاشیه‌ای	۵۰/۱
کل	۱۰۰

تقسیم‌بندی حوزه دریافت شناسنامه بر اساس معیارهایی که در بخش طرح تحقیق

توضیح داده شد انجام گرفته است. لذا تقسیمات فوق قراردادی است. علاوه بر این نکته‌ای که وجود دارد این است که حوزه‌های دریافت شناسنامه ممکن است با محل سکونت فرد همخوانی نداشته باشد. مثلاً کسی که در ناحیه حاشیه‌ای سکونت دارد به دلایلی برای دریافت شناسنامه به حوزه مرکزی مراجعه کند.

فصل سوم

متغیرهای بینابینی

۱- نام پدر

۱/۱- گرایش فرهنگی نام پدر

جدول ۱۳۱ درصد فراوانی بر حسب گرایش فرهنگی نام پدر

گرایش	درصد
غربی	۰/۰
ملی	۶/۵
خنثی	۷/۰
مذهبی جدید	۵/۴
ملی- مذهبی	۴۶/۲
مذهبی سنتی	۱۹/۵
مذهبی ایدئولوژیک	۰/۴
خرده فرهنگ	۹/۱
عبری	۵/۷
تعیین نشده	۰/۱
کل	۱۰۰

طبق تقسیم‌بندی فوق نامهای ملی - مذهبی در نامهای پدران بالاترین درصد را دارد. اگر مقوله نامهای مذهبی سنتی، مذهبی ملی، مذهبی ایدئولوژیک، اسامی جدید مذهبی و بخشی از نامهای خرده فرهنگ که مذهبی محسوب می‌شوند و نامهای عبری (مریم، ابراهیم، موسی، عیسی و...) با یکدیگر جمع شوند وزن مقوله نامهای مذهبی به صورت زیر خواهد شد:

جدول ۱۴/ درصد فراوانی نامهای پدر و بر حسب گرایش فرهنگی اصلی

گرایش	درصد
غربی	۰/۰
ملی	۶/۵
ختی	۷/۰
مذهبی	۸۱/۸
خرده فرهنگ	۴/۶
تعیین نشده	۰/۱
کل	۱۰۰

اگر مقولات نامهای غربی، ملی، ختی و خرده فرهنگ تحت عنوان نامهای غیر مذهبی با یکدیگر جمع شوند در مجموع ۱۸/۱ درصد از نامهای پدران غیر مذهبی و ۸۱/۸ درصد مذهبی هستند.

۱/۱/۱- گرایش فرهنگی نام پدر و سال تولد او

جدول ۱۵ رابطه گرایش اصلی فرهنگی نام پدر و تاریخ تولد او (درصد)

سال تولد	غیر مذهبی (۱)	مذهبی (۲)	کل	نسبت ۲ به ۱
۱۳۰۰ و کمتر	۱۴/۱	۸۵/۹	۱۰۰	۶/۱
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۱۴/۰	۸۶/۰	۱۰۰	۶/۱
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۱۸/۰	۸۲/۰	۱۰۰	۴/۶
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۱۶/۳	۸۳/۷	۱۰۰	۵/۱
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۱۹/۴	۸۰/۶	۱۰۰	۴/۲
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۲۲/۷	۷۷/۳	۱۰۰	۳/۴
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۲۲/۹	۷۷/۱	۱۰۰	۳/۴
جمع	۱۸/۲	۸۱/۸	۱۰۰	۴/۵

$$\chi^2=113.1 \quad D.F=6 \quad sig=0.0000$$

در دو دهه اول تقسیم‌بندی فوق نامهای مذهبی بالاترین نسبت را داراست بعد از آن به جز در دهه ۳۰-۱۳۲۱ که نسبت نامهای مذهبی افزایش یافته در دوره‌های دیگر نسبت نامهای مذهبی سیر کاهشی دارد. شدت کاهش در دهه ۱۳۱۱-۱۳۲۰ قاعدتاً ناشی از سیاستهای دوره رضاخان است.

۱/۱/۲- گرایش فرهنگی نام پدر و حوزه

جدول ۱۶/ رابطه حوزه دریافت شناسنامه کودک و گرایش فرهنگی نام پدر (درصد)

حوزه	گرایش	غیر مذهبی	مذهبی	کل	نسبت
شمال		۱۹/۱	۸۰/۹	۱۰۰	۴/۲
مرکزی		۱۷/۴	۸۲/۶	۱۰۰	۴/۷
حاشیه‌ای		۱۸/۴	۸۱/۶	۱۰۰	۴/۴

$$x^2=7.2 \quad D.F=2 \quad sig=0.02$$

پدرانی که از حوزه‌های مرکزی برای فرزندان خود شناسنامه دریافت کرده‌اند بالاترین نسبت نامهای مذهبی را دارند. نسبت نامهای مذهبی در حوزه‌های شمال پایین‌تر از سایر حوزه‌هاست. در حوزه‌های حاشیه‌ای نیز به علت افزایش اسامی خرده فرهنگ مهاجر این نسبت پایین است.

۱/۱/۳- گرایش فرهنگی نام پدر و محل صدور شناسنامه پدر

جدول ۱۷/ رابطه محل صدور شناسنامه پدر با گرایش فرهنگی نام پدر

محل صدور	گرایش	غیر مذهبی	مذهبی	کل	نسبت
شهر تهران		۱۸/۴	۸۱/۶	۱۰۰	۴/۴
سایر استانها		۱۸/۰	۸۲/۰	۱۰۰	۴/۶
خارج از کشور		۲۴/۶	۷۵/۴	۱۰۰	۳/۱

$$x^2=5.1 \quad D.F=2 \quad sig=0.07$$

بالاترین نسبت نامهای مذهبی در مقوله «سایر استانها» مشاهده می‌شود. با این حال تفاوتها در حدی نیست که به لحاظ آماری معنادار جلوه کند.

۱/۲- مشخصات ساختی نام پدر

۱/۲/۱ مصداقی بودن

جدول ۱۸/ فراوانی اسامی پدران به لحاظ مصداقی یا مفهومی بودن

درصد	مقولات
۶۸/۸	مصداق فرد
۲/۸	مصداق غیر فرد
۲۶/۰	مفهومی
۰/۱	استعمال عام
۲/۲	اسماء خدا
۰/۱	تعیین نشده
۱۰۰	کل

در اسامی پدران نامهایی که مصداق فرد هستند بالاترین درصد را دارند و تعداد آنها به

اسامی مفهومی حدود ۲/۶ برابر است.

مصادقی بودن و سال تولد پدر:

جدول ۱۹/ رابطه مصادقی و مفهومی بودن اسامی پدران با سال تولد آنان (درصد)

سال تولد پدر	مصادق فرد	مصادق غیر فرد	مفهومی	استعمال عام	اسماء خدا	کل
۱۳۰۰ و کمتر	۶۴/۳	۲/۷	۳۰/۷	۰/۶	۱/۸	۱۰۰
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۶۷/۲	۴/۱	۲۶/۴	۰/۳	۲/۰	۱۰۰
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۶۹/۰	۳/۱	۲۵/۵	۰/۱	۲/۳	۱۰۰
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۶۹/۷	۲/۴	۲۵/۵	۰/۰	۲/۳	۱۰۰
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۶۹/۵	۲/۷	۲۵/۷	۰/۱	۲/۱	۱۰۰
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۶۵/۷	۲/۹	۲۹/۱	۰/۱	۲/۲	۱۰۰
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۶۳/۸	۲/۹	۳۰/۴	۱/۴	۱/۴	۱۰۰

$$x^2=85.5 \quad D.F=24 \quad sig=0.0000$$

در سه دهه ۳۰، ۲۰ و ۱۰ اسامی که مصادقی از یک شخصیت (عمدتاً دینی) بوده‌اند بالاتر از دهه‌های قبل و بعد از آن است. این روند در نامهای مفهومی دقیقاً برعکس است یعنی در این سه دوره نامهای مفهومی کاهش یافته اما در دوره‌های قبل و بعد از آن افزایش وجود دارد.

۱/۲/۲- تعداد سیلاب نام پدر

جدول ۲۰ درصد فراوانی اسامی پدران بر حسب سیلاب

درصد	تعداد سیلاب
۰/۱	۱ سیلابی
۴۶/۹	۲ سیلابی
۱۹/۳	۳ سیلابی
۲۳/۳	۴ سیلابی
۹/۱	۵ سیلابی
۱/۰	۶ سیلابی
۰/۳	۷ سیلابی و بیشتر

میانگین تعداد سیلابهای نام پدر ۲/۹۸ و حدود ۴۷ درصد نام پدران ۲ سیلابی است. تعداد سیلاب و سال تولد پدر:

جدول ۲۷ رابطه تعداد سیلاب اسامی پدران و سال تولد آنان

سال تولد	میانگین تعداد سیلاب	انحراف معیار
۱۳۰۰ و کمتر	۳/۱۶	۱/۰۶
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۳/۰۸	۱/۱۰
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۲/۹۹	۱/۰۹
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۳/۰۵	۱/۱۱
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۲/۹۵	۱/۰۹
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۲/۸۲	۱/۰۵
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۲/۶۸	۱/۰۴
کل	۲/۹۸	۱/۰۹

F=32.9 D.F=6 sig=0.000

تعداد سیلاب در نام پدران با کاهش سن، کاهش یافته که نشان دهنده کوتاه‌تر شدن نامهاست. البته یک دلیل کم شدن سیلاب کاهش استفاده از نامهای ترکیبی و کاهش پیشوند و پسوند در اسامی است. نکته مهم در جدول فوق این است که علیرغم کاهش میانگین سیلاب تا دهه ۱۳۴۰-۱۳۳۱، انحراف معیار افزایش می‌یابد. معنای این روند معکوس آن است که کاهش تعداد سیلاب در کل نامها یکسان نبوده است، سیلابهای زیاده‌تر تا حدودی در جای خود قرار داشته‌اند، ولی تعداد سیلابهای متوسط کم نشده‌اند.

۱/۲/۳ تعداد حروف نام پدر:

جدول ۲۲۱ درصد فراوانی تعداد حروف اسامی پدران

تعداد حروف	درصد
۳ حرفی	۱۰/۳
۴ حرفی	۳۲/۸
۵ حرفی	۱۱/۳
۶ حرفی	۷/۹
۷ حرفی	۲۳/۸
۸ حرفی	۱۰/۰
۹ حرفی	۲/۲
۱۰ حرفی	۰/۸
۱۱ حرفی	۰/۸
۱۲ حرفی و بیشتر	۰/۲
کل	۱۰۰

متوسط تعداد حروف نام پدر ۵/۵۰ و بیشترین تعداد نامهای پدران از ۴ حرف تشکیل

شده است.

تعداد حروف و سال تولد پدر:

جدول ۲۳۱ رابطه تعداد حروف نام پدران با سال تولد آنان

سال تولد	میانگین تعداد حروف	انحراف معیار
۱۳۰۰ و کمتر	۵/۸۸	۲/۰۵
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۵/۶۴	۱/۹۴
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۵/۵۶	۱/۸۷
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۵/۶۳	۱/۸۶
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۵/۴۴	۱/۷۸
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۵/۲۴	۱/۷۳
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۴/۹۱	۱/۶۷
کل	۵/۵۰	۱/۸۳

F=28.8 D.F=6 sig=0.0000

میانگین تعداد حروف نام پدر با کاهش سن کمتر شده و همینطور با کاهش سن از انحراف معیار هم کاسته شده که نشان می‌دهد اسامی از نظر تعداد حروف به طرف همسانی می‌روند.

۱/۲/۴-تعداد حروف سخت در نام پدر

۱۲ حرف از حروف فارسی سخت است و ۲۰ حرف دیگر نرم محسوب می‌شوند. حروف سخت شامل: پ، ط، ث، س، ص، چ، ح، ه، خ، ش، ف و بقیه حروف فارسی نرم هستند. برای این که میزان نرمی و سختی نام پدر تعیین شود تعداد حروف سخت هر نام شمارش شد. جدول زیر تعداد حروف سخت نام پدر را نشان می‌دهد:

جدول ۲۴۱ درصد فراوانی حروف سخت در نام پدران

تعداد حروف سخت	درصد
بدون حروف سخت	۲۰/۱
حرف ۱	۵۰/۰
حرف ۲	۲۴/۱
حرف ۳	۵/۳
حرف ۴	۰/۵
حرف ۵ و بیشتر	۰/۱
کل	۱۰۰

۵۰/۰ درصد نامها فقط دارای یک حرف سخت هستند. میانگین تعداد حروف سخت در

نام پدر ۱/۲ است.

تعداد حروف سخت و سال تولد پدر:

جدول ۲۵۱ رابطه حروف سخت نام پدران و سال تولد آنان

سال تولد	میانگین	انحراف معیار
۱۳۰۰ و کمتر	۱/۲۸	۰/۸۷
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۱/۲۱	۰/۸۷
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۱/۱۹	۰/۸۴
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۱/۲۰	۰/۸۳
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۱/۱۳	۰/۸۰
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۱/۰۵	۰/۷۸
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۰/۹۷	۰/۸۱
کل	۱/۱۶	۰/۸۲

F=22.2

D.F=6

sig=0.0000

با کاهش سن میانگین تعداد حروف سخت نام پدر کمتر شده که البته یک دلیل آن همانطور که در جداول قبل آمد ممکن است کوتاه شدن نامها در طول زمان و کم شدن تعداد حروف نامها باشد که نتیجتاً امکان وجود حروف سخت را کمتر کرده است. برای این که تأثیر درصد حروف سخت در هر نام با محاسبه (تعداد حروف سخت) \times (تعداد حروف بدست آمده سپس با سال تولد پدر تحلیل شد که نتایج آن در جدول بعد آمده است.

جدول ۲۶/ رابطه نسبت حروف سخت در نام پدران به کل حروف با سال تولد آنان

سال تولد	میانگین درصد	انحراف معیار
۱۳۰۰ و کمتر	۲۳/۷	۱۷/۶
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۲۲/۶	۱۷/۳
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۲۲/۳	۱۷/۱
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۲۲/۵	۱۶/۶
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۲۱/۸	۱۶/۷
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۲۰/۹	۱۶/۶
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۱۹/۸	۱۷/۹
کل	۲۲/۱	۱۶/۸

$$F=5.6 \quad D.F=6 \quad sig=0.0000$$

روند درصد حروف سخت در مقایسه با جدول قبل مشابه است یعنی به استثنای دهه ۲۰، درصد حروف سخت در طول سالها سیر کاهشی دارد.

۱/۲/۵- پیشوند یا پسوند

جدول ۲۷۱ درصد فراوانی نام پدران بر حسب وجود پیشوند یا پسوند

پیشوند یا پسوند	درصد
بدون پیشوند یا پسوند	۸۹/۸
سید، میر	۴/۵
عبد	۱/۶
غلام	۳/۹
آقا، خان، میرزا و مشابه	۱/۰
شاه، سلطان	۰/۱
حاجی	۰/۱
کل	۱۰۰

حدود ۹۰٪ از نامهای پدران بدون پیشوند و یا پسوند است. اگر متغیر فوق بر حسب سال تولد تحلیل شود بر اساس نتایج با کاهش سن از میزان استفاده پیشوند یا پسوند کاسته شده است. به طوری که میزان استفاده از آن از ۱۲/۹ درصد برای متولدین قبل از ۱۳۰۰ به ۴/۳ درصد برای متولدین ۵۵-۵۱ رسیده است. اما میزان استفاده از پیشوند یا پسوند بر حسب محل صدور پدر تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

۱/۲/۶- ساخت ترکیبی نام پدر

جدول ۲۸۱ درصد فراوانی نام پدران بر حسب ساخت ترکیبی

درصد	ترکیب
۶۸/۴	ساده
۱۵/۵	ترکیب دو اسم
۵/۱	ترکیب با علی
۸/۸	ترکیب با الله (خدا)
۰/۳	ترکیب با امیر
۰/۳	ترکیب با قلی
۱/۶	سایر
۱۰۰	کل

در مجموع ۳۱/۶ درصد از نامهای پدران ترکیبی هستند. که این میزان با کاهش سن کاهش یافته است یعنی از ۴۲/۲ درصد برای متولدین قبل از ۱۳۰۰ به ۱۸/۶ درصد برای متولدین ۵۵-۵۱ رسیده است.

متغیر فوق در ارتباط با محل صدور شناسنامه پدر نیز معنادار است. ۳۴/۵ درصد از نامهای پدرانی که در شهرستان متولد شده‌اند، ترکیبی است در حالی که این میزان برای متولدین تهران به ۲۴/۵ درصد می‌رسد.

۱/۲/۷- ریشه نام پدر

جدول ۲۹/ درصد فراوانی نام پدران بر حسب ریشه

درصد	ریشه
۸۹/۴	عربی
۸/۷	فارسی
۱/۱	عربی و فارسی
۰/۵	ترکی
۰/۰	لاتین
۰/۲	ترکی و عربی
۰/۱	ترکی و فارسی
۰/۰	فارسی، ترکی عربی
۱۰۰	کل

۸۹/۴ درصد از نامهای پدران دارای ریشه عربی است که این تعداد شامل نامهای عبری

نیز می شود. بالا بودن نسبت نامهای با ریشه عربی به استفاده از نامهای مذهبی مربوط

می شود.

۲- نام مادر

۲/۱- گرایش فرهنگی نام مادر

جدول ۳۰/۱ درصد فراوانی نام مادران بر حسب گرایش فرهنگی

گرایش	درصد
غربی	۰/۳
ملی	۲/۶
خنثی	۳۷/۰
مذهبی جدید	۱۰/۵
ملی مذهبی	۱۵/۷
مذهبی سنتی	۲۵/۱
مذهبی ایدئولوژیک	۰/۶
خرده فرهنگ	۴/۲
عبری	۳/۸
تعیین نشده	۰/۲
کل	۱۰۰

درصد‌های فوق در مقایسه با جدول مربوط به گرایش فرهنگی نام پدران تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در نام‌های مادران نام‌های خنثی بالاترین درصد را دارند در حالی که در نام‌های پدران درصد اسامی ملی - مذهبی (۴۶/۲) بیشتر از سایر مقولات است. با قرار دادن مقولات مذهبی سنتی، ملی - مذهبی، مذهبی ایدئولوژیک، مذهبی جدید، عبری تحت عنوان نام‌های مذهبی جدول فوق به صورت زیر خواهد شد:

جدول ۳۷ درصد فراوانی نام مادران بر حسب گرایشهای عمده

گرایش	درصد
غربی	۰/۳
ملی	۲/۶
خنتی	۳۷/۱۰
مذهبی	۵۵/۷
خرده فرهنگ	۴/۲
تعیین نشده	۰/۲
کل	۱۰۰

در ضد نامهای مذهبی مادران (۵۵/۷) در مقایسه با پدران (۷۷/۹) حدود ۲۲ درصد کمتر است و برعکس نامهای خنتی در مادران ۳۰ درصد بیشتر پدران است. در مجموع صرف نظر از درصد "تعیین نشده" ۴۴/۵ درصد از نامهای مادران غیر مذهبی و بقیه مذهبی است.

۲/۱/۱- گرایش فرهنگی نام مادر و سال تولد

جدول ۳۲ رابطه گرایش مذهبی نام مادران با سال تولد آنان (درصد)

سال تولد	غیر مذهبی (۱)	مذهبی (۲)	کل	نسبت ۲ به ۱
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۴۲/۲	۵۷/۸	۱۰۰	۱/۳۷
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۴۴/۵	۵۵/۵	۱۰۰	۱/۲۵
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۴۲/۵	۵۷/۵	۱۰۰	۱/۳۵
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۴۴/۰	۵۶/۰	۱۰۰	۱/۳۷
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۴۶/۳	۵۳/۷	۱۰۰	۱/۳۶
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۴۱/۹	۵۸/۱	۱۰۰	۱/۴۹

$$x^2=26.4 \quad D.F=5 \quad sig=0.0001$$

با وجودی که درصد نامهای مذهبی در مقاطع مختلف سنی مادران نوساناتی دارد اما

میزان تغییرات به شدت نام پدر نیست. این مطلب نشان می‌دهد که نام مادران کمتر از نام پدران تحت تأثیر شرایط اجتماعی تغییر یافته است.

۲/۱/۲- گرایش فرهنگی نام مادر و محل صدور شناسنامه

جدول ۳۳۱ رابطه گرایش مذهبی نام مادران و محل صدور شناسنامه آنان (درصد)

محل صدور شناسنامه مادر	غیر مذهبی	مذهبی	کل	نسبت
شهر تهران	۴۳/۷	۵۶/۳	۱۰۰	۱/۳
سایر استانها	۴۴/۳	۵۵/۷	۱۰۰	۱/۳
خارج از کشور	۵۰/۴	۴۹/۶	۱۰۰	۱/۰

$$\chi^2=3.2 \quad D.F=2 \quad sig=0.19$$

با توجه به سطح معنی‌داری جدول تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین درصد اسامی مذهبی مادران مشاهده نمی‌شود. احتمالاً این امر ناشی از فقدان اهمیت و بار فرهنگی نام مادران در محیط اجتماعی ماست.

۲/۱/۳- گرایش فرهنگی نام مادر و حوزه دریافت شناسنامه

جدول ۳۴۱ گرایش مذهبی نام مادران با حوزه اخذ شناسنامه کودکان (درصد)

حوزه	گرایش	غیر مذهبی	مذهبی	کل	نسبت
شمال		۴۸/۵	۵۱/۵	۱۰۰	۱/۱
مرکزی		۴۳/۹	۵۶/۱	۱۰۰	۱/۳
حاشیه‌ای		۴۲/۸	۵۷/۲	۱۰۰	۱/۳

$$\chi^2=52.7 \quad D.F=2 \quad sig=0.0000$$

بیشترین میزان تفاوت در جدول فوق مربوط به حوزه‌های شمالی و حاشیه‌ای شهر تهران است. و در حوزه‌های شمالی شهر نسبت اسامی مذهبی کمتر از حوزه‌های مرکزی و حاشیه‌ای است.

۲/۲ مشخصات ساختنی نام مادر

۲/۲/۱- مصداقی بودن

جدول ۳۵ درصد فراوانی نامهای مادران بر حسب مصداق و مفهوم

مقولات	درصد
مصداق فرد	۴۶/۱
مصداق غیر فرد	۱۴/۶
مفهومی	۳۶/۸
استعمال عام	۱/۰
اسماء خدا	۱/۲
تعیین شده	۰/۳
کل	۱۰۰

با وجودی که تنوع اسامی مصداقی برای اناث ۷٪ (ر.ک. فصل اول بخش حاضر) بوده اما درصد اسامی مصداقی در نام مادران ۴۶/۱٪ است. در مورد جنس ذکور تنوع اسامی مصداق فرد ۲۴٪ (جدول ۵) و درصد این اسامی در نمونه پدران ۶۸/۸٪ (جدول ۱۸) است. به این ترتیب تکرار اسامی مصداق فرد برای مادران حدود ۲/۶ برابر پدران است. این امر به دلیل محدودتر بودن مصداقهای مذهبی و ملی برای زنان است. چند شخصیت عمده برای انتخاب اسم دختران عبارتند از حضرت فاطمه، حضرت زینب، حضرت خدیجه، حضرت مریم و حضرت هاجر و سارا در نتیجه تنوع آنها کمتر است لیکن کاربرد و استعمالشان بیشتر است.

مصداقی بودن و سال تولد مادر :

جدول ۳۶ رابطه مصداقی و مفهومی بودن نام مادران با سال تولد آنها

سال تولد	مصداق فرد	مصداق غیر فرد	مفهومی	استعمال عام	اسماء خدا	کل
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۵۰/۱	۱۳/۸	۳۳/۷	۰/۲	۲/۲	۱۰۰
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۴۶/۸	۱۶/۰	۳۴/۵	۰/۸	۱/۹	۱۰۰
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۴۸/۴	۱۴/۴	۳۵/۱	۰/۶	۱/۴	۱۰۰
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۴۶/۹	۱۴/۱	۳۷/۱	۰/۸	۱/۱	۱۰۰
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۴۲/۷	۱۵/۴	۳۹/۶	۱/۵	۰/۸	۱۰۰
۱۳۵۱-۱۳۵۵	۴۵/۸	۱۲/۰	۳۷/۴	۴/۳	۰/۵	۱۰۰

$$x^2=247 \quad D.F=20 \quad sig=0.0000$$

درصد اسامی مصداق فرد با کاهش سن کمتر شده ولی در مورد اسامی مفهومی این رابطه عکس است یعنی درصد اسامی مفهومی با کاهش سن بیشتر شده است. همچنین استعمال عام که به نوعی استفاده از اسامی جدید و ناشناخته می‌کند، در خصوص زنان به شدت رو به افزایش بوده است.

۲/۲/۲- تعداد سیلاب نام مادر

جدول ۳۷ درصد تعداد سیلاب نام مادران

درصد	تعداد سیلاب
۰/۱	۱ سیلابی
۴۶/۰	۲ سیلابی
۴۷/۴	۳ سیلابی
۳/۵	۴ سیلابی
۲/۳	۵ سیلابی
۰/۷	۶ سیلابی و بیشتر
۱۰۰	کل

متوسط تعداد سیلاب در نامهای مادران ۲/۶ است و تمرکز نامها روی نامهای سه سیلابی است.

تعداد سیلاب و سال تولد مادر:

جدول ۳۸۱ رابطه تعداد سیلاب نام مادران و سال تولد آنان (درصد)

سال تولد	میانگین سیلاب	انحراف معیار
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۲/۹	۰/۸۸
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۲/۷	۰/۷۴
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۲/۷	۰/۷۳
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۲/۶	۰/۷۳
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۲/۶	۰/۷۰
۱۳۵۱-۱۳۶۰	۲/۵	۰/۶۴
کل	۲/۶	۰/۷۲

F=22.4 D.F=5 sig=0.0000

با گذشت زمان هم تعداد سیلاب نامهای مادران کمتر شده و هم از انحراف معیار آن کاسته شده است که نشان می‌دهد نامهای مادران از نظر تعداد سیلاب به طرف همگرایی پیش می‌رود.

۲/۲/۳ تعداد حروف نام مادر

جدول ۳۹/ درصد تعداد حروف نام مادران

تعداد حروف	درصد
۳ حرفی	۲/۹
۴ حرفی	۳۹/۵
۵ حرفی	۳۷/۹
۶ حرفی	۱۰/۸
۷ حرفی	۲/۷
۸ حرفی	۲/۷
۹ حرفی	۱/۸
۱۰ حرفی	۰/۷
۱۱ حرفی	۰/۷
۱۲ حرفی و بیشتر	۰/۲
کل	۱۰۰

میانگین تعداد حروف نام مادر ۴/۹ است و بیشترین تراکم در اسامی ۴ حرفی دیده

می‌شود.

تعداد حروف و سال تولد مادر:

جدول ۴۰/۱ رابطه تعداد حروف اسامی مادران با سال تولد آنان

سال تولد	میانگین حروف	انحراف معیار
۱۳۰۱-۱۳۱۰	۵/۳	۱/۶۵
۱۳۱۱-۱۳۲۰	۵/۰	۱/۴۰
۱۳۲۱-۱۳۳۰	۵/۰	۱/۴۰
۱۳۳۱-۱۳۴۰	۴/۹	۱/۳۵
۱۳۴۱-۱۳۵۰	۴/۸	۱/۲۴
۱۳۵۱-۱۳۶۰	۴/۷	۱/۱۳
کل	۴/۹	۱/۳۴

F=18.4 D.F=5 sig=0.0000

میانگین تعداد حروف و همچنین به‌طور میزان پراکندگی با گذشت زمان کمتر شده است.

جدول ۲/۲/۴ تعداد حروف سخت در نام مادر

جدول ۴۱ درصد تعداد حروف سخت در نامهای مادران

تعداد حروف سخت	درصد
بدون حروف سخت	۱۳/۲
۱ حرف	۳۷/۳
۲ حرف	۲۹/۸
۳ حرف	۱۷/۷
۴ حرف	۱/۵
۵ حرف و بیشتر	۰/۵
کل	۱۰۰

میانگین تعداد حروف سخت در نام مادر ۱/۶ است که حدود ۰/۴ از نام پدر بیشتر است.
تعداد حروف سخت و سال تولد مادر:

جدول ۴۲/ رابطه تعداد حروف سخت نام مادران با سال تولد آنان

انحراف معیار	میانگین	سال تولد
۰/۹۹	۱/۷	۱۳۰۱-۱۳۱۰
۰/۹۸	۱/۶	۱۳۱۱-۱۳۲۰
۱/۰۰	۱/۶	۱۳۲۱-۱۳۳۰
۱/۰۰	۱/۶	۱۳۳۱-۱۳۴۰
۱/۰۲	۱/۵	۱۳۴۱-۱۳۵۰
۱/۰۶	۱/۴	۱۳۵۱-۱۳۶۰
۱/۰۰	۱/۶	کل

$F=18.4$ $D.F=5$ $sig=0.0000$

۲/۲/۴-تعداد حروف سخت در نام مادر با گذشت زمان کم و بر میزان انحراف معیار اضافه شده است.

۲/۲/۵-پیشوند و پسوند نام مادر

جدول ۴۳/ درصد فراوانی نام مادران بر حسب وجود پیشوند و پسوند

درصد	پیشوند یا پسوند
۹۳/۸	بدون پیشوند یا پسوند
۲/۲	سادات، سیده
۳/۶	خانم، بیگم، ملوک، خاتون، دخت، بانو، تاج
۰/۴	سلطان
۱۰۰	کل

در مجموع ۶/۲ درصد از نامهای مادران دارای انواع پسوند یا پیشوند است. رابطه متغیر فوق با سال تولد مادر نشان می‌دهد که از درصد نامهای دارای پسوند یا پیشوند به مرور کاسته شده است. درصد نامهای با پیشوند و پسوند برای متولدین ۱۳۱۰-۱۳۰۱، ۱۵/۶٪ است که این درصد منظمأ کاهش یافته و در نهایت برای متولدین ۶۰-۱۳۵۱ به ۲/۸٪ رسیده است.

۲/۲/۶- ساخت ترکیبی نام مادر

جدول ۴۴۱ درصد نام مادران بر حسب ساخت ترکیبی

درصد	ساخت ترکیبی
۹۵/۳	ساده
۰/۶	ترکیب دو اسم
۴/۱	اسامی دو بخشی (قدم خیر، گل بهار، شمس الملوک و...)
۱۰۰	کل

۹۵/۳٪ از نامهای مادران ساده است که در مقایسه با نام پدر (۶۸/۴٪) حدود ۲۷٪ بیشتر است. درصد نامهای ساده برای مادر با گذشت زمان کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

۲/۲/۷ ریشه نام مادر

جدول ۴۵۱ درصد فراوانی نام مادران بر حسب ریشه

درصد	ریشه
۷۰/۲	عربی
۲۶/۲	فارسی
۲/۲	عربی و فارسی
۰/۸	ترکی
۰/۳	لاتین
۰/۱	ترکی و عربی
۰/۱	ترکی و فارسی
۰/۱	فارسی، ترکی و عربی
۱۰۰	کل

درصد نامهای مادر با ریشه عربی حدود ۲۰ درصد کمتر از نامهای پدران با ریشه عربی است و برعکس در مقوله نامهای با ریشه فارسی برای مادران حدود ۱۸ درصد بیشتر است. که این اختلاف به استفاده کمتر از نامهای مذهبی برای مادران مربوط می‌شود.

نتیجه

همانطور که جداول قبل آمد در همه متغیرهای مورد بررسی بین نامهای پدران، مادران تفاوت قابل توجهی وجود دارد در کل نامهای پدران در مقایسه با مادران مذهبی تر، مصداقی تر و دارای تعداد حروف بیشتر و تعداد سیلاب بیشترند تعداد حروف سخت آنها کمتر، استفاده از پسوند و پیشوند در آنها بیشتر، ترکیبی تر و درصد بیشتری از آنها ریشه عربی دارند اما نکته مشترک آنها این است که متغیرهای فوق در ارتباط با تاریخ تولد پدر و مادر تفاوت معناداری را نشان می‌دهند. یعنی با گذشت زمان هم نام مادر و هم نام پدر اندکی به طرف نامهای غیر مذهبی با حروف و سیلاب کمتر و غیر ترکیبی تر و نهایتاً کوچک‌تر شدن

پیش می‌رود. مسأله‌ای که در ارتباط با سال تولد، قابل ذکر است این که در نام مادر با گذشت زمان افزایش یا کاهش متغیرها بخصوص متغیرهای ساختی منظم‌آرخ داده در حالی که برای نام پدر در مقاطعی روند عکس شده، لذا این مطلب گویای آن است که انتخاب نام مادر کمتر از نام پدر تحت تأثیر تحولات سیاسی بوده است. تحولاتی که فراز و نشیب آن زیاد است و قاعدتاً نام مادر تابع تحولات عمومی‌تر اجتماعی بوده که روند ثابت و تقریباً بازگشت‌ناپذیری دارند. به علاوه آن که شدت تحولات در متغیرهای مورد بررسی در اسامی پدران بیشتر بوده است.

فصل چهارم

(متغیر وابسته) نام فرزند

در این بخش متغیر وابسته تحقیق یعنی نام فرزند و اجزای آن با توجه به متغیرهای مستقل و بینابینی (نام پدر و مادر) توضیح داده می‌شوند.

۱- گرایش فرهنگی نام فرزند

جدول ۴۶۱ درصد فراوانی گرایش فرهنگی اسامی فرزندان

گرایش	درصد
غربی	۰/۵
ملی	۶/۵
ختی	۳۱/۵
مذهبی	۶۰/۳
مذهبی جدید	۱۱/۷
ملی مذهبی	۳۰/۶
مذهبی سنتی	۸/۰
مذهبی ایدئولوژیک	۴/۵
عبری	۵/۲
خرده فرهنگ	۱/۲
تعیین نشده	۰/۳
کل	۱۰۰

مهم‌ترین تفاوت‌گرایش فرهنگی نام فرزند با نام پدر و مادر در کاهش نامهای سنتی است. همین‌طور اسامی مذهبی ایدئولوژیک که در نام پدر و مادر ناچیز (۰/۴ و ۰/۶ درصد) بودند در نام فرزند به ۴/۵٪ افزایش یافته است که نشان‌دهنده بروز یک نوع گرایش جدید در نامهای مذهبی است. کاهش مقوله خرده فرهنگ نیز در نام فرزند بیانگر ضعیف شدن خرده فرهنگها و ادغام در فرهنگ بزرگتر است.

۱/۱- گرایش فرهنگی و جنسیت

جدول ۴۷۱ رابطه گرایش فرهنگی اسامی فرزندان و جنسیت (درصد)

گرایش	پسر	دختر
غربی	۴/۷	۹۵/۳
ملی	۷۸/۱	۲۱/۹
ختنی	۲۶/۷	۷۳/۳
مذهبی جدید	۶۲/۰	۳۸/۰
ملی مذهبی	۸۰/۲	۱۹/۸
مذهبی سنتی	۳۸/۴	۶۱/۶
مذهبی ایدئولوژیک	۳۰/۳	۶۹/۷
خرده فرهنگ	۳۰/۲	۶۹/۸
عبری	۳۰/۵	۶۹/۵

$$x^2=7510 \quad D.F=8 \quad sig=0.0000$$

تقریباً در همه مقولات تفاوت فاحشی بین گرایش فرهنگی نامهای پسر و دختر دیده می‌شود. گرایش نامهای دختر بیشتر به طرف نامهای غربی، ختنی، مذهبی ایدئولوژیک و عبری است اما گرایش نامهای پسر به طرف ملی مذهبی، ملی و جدید رفته است. این تفاوت در حقیقت به معنای انتقال میراث فرهنگی از طریق پسران و پذیرش فرهنگ جدید (اعم از غربی یا ایدئولوژیک) از طریق دختران است.

اگر نامهای ملی- مذهبی، مذهبی سنتی، مذهبی ایدئولوژیک، عبری و بخشی از خرده فرهنگ در مقوله نامهای مذهبی قرار گیرند و مقوله نامهای «تعیین نشده» حذف شود، توزیع به صورت زیر خواهد شد:

جدول ۴۸/ درصد فراوانی گرایش عمده اسامی فرزندان

گرایش	درصد
غربی	۰/۵
ملی	۶/۰
خشتی	۳۱/۹
مذهبی	۶۰/۴
خرده فرهنگ	۱/۱
کل	۱۰۰

به این ترتیب در مجموع ۶۰/۴ درصد از نامها مذهبی و بقیه غیر مذهبی (۳۹/۵ درصد) است. رابطه جنسیت و گرایش فرهنگی بر حسب دو مقوله مذهبی و غیر مذهبی در جدول بعد آمده است:

جدول ۴۹/ رابطه گرایش عمده اسامی فرزندان با جنسیت آنان (درصد)

گرایش	جنسیت	
	پسر	دختر
غیر مذهبی	۳۴/۱	۶۵/۹
مذهبی	۶۳/۱	۳۶/۹

$$x^2=2608 \quad D.F=1 \quad sig=0.0000$$

تفاوت گرایش فرهنگی نام متولدین پسر و دختر در حد بالایی معنادار است. بر اساس نتایج فوق می توان گفت که الگوی انتخاب اسم برای پسر و دختر تقریباً عکس است. برای پسر بیشتر نامهای مذهبی و برای دختر نامهای غیر مذهبی انتخاب می شود. در دوره مورد مطالعه برای پسران حدود ۳/۳ برابر دختران اسامی مذهبی انتخاب شده است.

۱/۲- گرایش فرهنگی نام فرزند و والدین:

نام فرزند و پدر

جدول ۵۰ رابطه گرایش مذهبی نام پدر و فرزند (درصد)

مذهبی	غیر مذهبی	پدر / فرزند
۳۷/۹	۴۸/۲	غیر مذهبی
۶۲/۱	۵۱/۸	مذهبی
۱۰۰	۱۰۰	کل

$$x^2=207 \quad D.F=2 \quad sig=0.0000$$

۴۸/۲ درصد از پدرانی که نام غیر مذهبی دارند برای فرزندان خود نام غیر مذهبی انتخاب کرده‌اند، اما ۶۲/۱٪ از پدران با نامهای مذهبی برای فرزندان خود نامهای مذهبی انتخاب کرده‌اند. σ

نام فرزند و مادر

جدول ۵۱ رابطه گرایش مذهبی نام مادر و فرزند

مذهبی	غیر مذهبی	مادر / فرزند
۳۶/۱	۴۴/۳	غیر مذهبی
۶۳/۹	۵۵/۷	مذهبی
۱۰۰	۱۰۰	کل

$$x^2=223 \quad D.F=1 \quad sig=0.0000$$

در مورد مادر و فرزند هم تا حدودی همان رابطه برقرار است، اگر همبستگی گرایش فرهنگی نام والدین بر حسب جنسیت فرزند محاسبه شود نتایج به صورت زیر خواهد بود:

جدول ۵۲۱ همبستگی گرایش فرهنگی نام پدر و مادر با نام فرزندان بر حسب جنسیت

مادر	پدر		مادر	پدر	
cor=0.07	cor=0.05	دختر	cor=0.09	cor=0.10	پسر
p=0.0000	p=0.0000		p=0.0000	p=0.0000	

ضریب همبستگی گرایش فرهنگی نام پسر با پدر و مادر بیشتر از دختر با پدر و مادر است. در مقایسه جزئی تر همبستگی گرایش فرهنگی نام پسر با پدر بیشتر است و بالعکس نام دختر با مادر همبستگی بالاتری دارد. (۲)

۱/۳- گرایش فرهنگی نام فرزند و حوزه

جدول ۵۳۱ رابطه گرایش مذهبی نام فرزند با حوزه صدور شناسنامه

نسبت	کل	مذهبی	غیر مذهبی	فرهنگ / نام حوزه
۱/۲	۱۰۰	۵۴/۳	۴۵/۷	شمالی
۱/۶	۱۰۰	۶۱/۲	۳۸/۸	مرکزی
۱/۶	۱۰۰	۶۱/۶	۳۸/۴	حاشیه‌ای

$$x^2=95.2 \quad D.F=2 \quad sig=0.0000$$

نسبت نامهای مذهبی به غیر مذهبی در حوزه‌های مرکزی و حاشیه‌ای مساوی و هر دو از حوزه شمالی بیشتر است.

۲- متغیرهای ساختی

۲/۱- مصداقی بودن نام فرزند

جدول ۵۴/۱ فراوانی مصداقی یا مفهومی بودن اسامی فرزندان

مقولات	درصد
مصداق فرد	۵۲/۳
مصداق غیر فرد	۱۱/۵
مفهومی	۳۲/۸
استعمال عام	۱/۷
اسماء خدا	۱/۴
تعیین نشده	۰/۳
کل	۱۰۰

اسامی مصداقی فرد همانطور که در مورد پدر و مادر هم وجود داشت بالاترین درصد را دارد. اما ترتیب درصدهای فوق بیشتر به مادر نزدیک است.

مصداقی بودن و جنسیت:

جدول ۵۵/۱ رابطه جنسیت با مصداقی یا مفهومی بودن بر اساس فرزندان (درصد)

مقولات	جنسیت	پسر	دختر	کل
مصداق فرد		۶۵/۹	۳۴/۱	۱۰۰
مصداق غیر فرد		۱۴/۱	۸۵/۹	۱۰۰
مفهومی		۴۴/۰	۵۶/۰	۱۰۰
استعمال عام		۳/۳	۹۶/۷	۱۰۰
اسماء خدا		۶۳/۳	۳۶/۷	۱۰۰

$$x^2=4283 \quad D.F=4 \quad sig=0.0000$$

از مقولات فوق، درصد اسامی مفهومی پسر و دختر نزدیک تر است در سایر مقولات

درصدها تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. اگر درصدهای عمودی در جداول فوق با جداول پدر و مادر در ارتباط با همین متغیر مقایسه شود، تفاوت عمده نامگذاری دختر و مادر در مقوله مصداق فرد و غیر فرد است. در دختران درصد اسامی مصداق فرد کاسته شده و به مقوله اسامی مصداق غیر فرد اضافه شده است. اما الگوی نامگذاری پسر با پدر از حیث متغیر حاضر چندان تفاوتی نکرده است.

۲/۲- تعداد سیلاب در نام فرزند

جدول ۵۶ درصد فراوانی تعداد سیلاب اسامی فرزندان

درصد	تعداد سیلاب
۰/۰	۱ سیلابی
۵۷/۷	۲ سیلابی
۲۸/۵	۳ سیلابی
۸/۱	۴ سیلابی
۴/۸	۵ سیلابی
۰/۷	۶ سیلابی
۰/۲	۷ سیلابی و بیشتر
۱۰۰	کل

میانگین تعداد سیلاب در نام فرزند ۲/۶۲ بوده و ۵۷/۷ درصد را نامهای ۲ سیلابی تشکیل می‌دهند که این میزان در مقایسه با سیلاب نام پدر و مادر تمرکز بیشتری را روی نامهای ۲ سیلابی نشان می‌دهد.

تعداد سیلاب و جنسیت

جدول ۵۷۱ میانگین تعداد سیلاب اسامی فرزندان بر حسب جنسیت

جنسیت	میانگین	انحراف معیار
پسر	۲/۶۷	۱/۰۴
دختر	۲/۵۷	۰/۷۰
کل	۲/۶۲	۰/۸۹

F=91.9 D.F=1 sig=0.0000

تفاوت میانگین تعداد سیلاب دختر و پسر ۰/۱ است اما انحراف معیار در جنس پسر بیشتر است که نشان دهندهٔ تجانس کمتر تعداد سیلاب در نامهای پسر است.

۲/۳- تعداد حروف در نام فرزند

جدول ۵۸۱ درصد تعداد حروف اسامی فرزندان

تعداد حروف	درصد
۳ حرفی	۶/۴
۴ حرفی	۴۱/۷
۵ حرفی	۲۹/۵
۶ حرفی	۹/۵
۷ حرفی	۶/۹
۸ حرفی	۳/۴
۹ حرفی	۱/۲
۱۰ حرفی	۰/۸
۱۱ حرفی	۰/۵
۱۲ حرفی و بیشتر	۰/۲
کل	۱۰۰

میانگین تعداد حروف در نام فرزند ۴/۹۱ است که مساوی تعداد حروف نام مادر و حدود

۰/۵ از میانگین تعداد حروف پدر کمتر است.

تعداد حروف و جنسیت

جدول ۵۹۱ میانگین تعداد حروف نام فرزندان بر حسب جنسیت

جنسیت	میانگین	انحراف
پسر	۴/۹۹	۱/۵۵
دختر	۴/۸۴	۱/۱۲
کل	۴/۹۱	۱/۴۱

F=89.8 D.F=1 sig=0.0000

در اسامی فرزندان میانگینها به یکدیگر نزدیکتر شده‌اند و این نزدیکی بیشتر ناشی از کم شدن تعداد حروف نام پسر نسبت پدر است. چون در مورد دختر کاهش میانگین نسبت به مادر ناچیز است و ظاهراً به حداقل حد خود رسیده است.

۲/۴- تعداد حروف سخت در نام فرزند

جدول ۶۰۱ درصد تعداد حروف سخت در اسامی فرزندان

تعداد حروف سخت	درصد
بدون حرف سخت	۲۲/۴
۱ حرف	۴۳/۹
۲ حرف	۲۴/۰
۳ حرف	۷/۵
۴ حرف	۰/۹
۵ حرف و بیشتر	۰/۲
کل	۱۰۰

میانگین تعداد حروف سخت در نام فرزند ۱/۲ است که این میزان برابر با میانگین تعداد حروف سخت در نام پدر و ۰/۴ از میانگین حروف سخت نام مادر کمتر است.

تعداد حروف سخت و جنسیت

جدول ۶۱ میانگین تعداد حروف سخت در نامهای فرزندان بر حسب جنسیت

جنسیت	میانگین	انحراف معیار
پسر	۱/۰۱	۰/۷۷
دختر	۱/۳۸	۱/۰۲
کل	۱/۱۹	۰/۹۰

F=1316 D.F=1 sig=0.0000

میزان تفاوت تعداد حروف سخت در نام پسر و دختر تقریباً به میزان این تفاوت در نام پدر و مادر است. اما در مقایسه پدر با پسر و همینطور مادر با دختر میانگین تعداد حروف سخت تقریباً به طور مساوی (۰/۲) کاهش یافته است. که البته بخشی از این کاهش همانطور که قبلاً هم توضیح داده شد مربوط به کوتاه شدن نامها و کمتر شدن تعداد حروف است.

۲/۵- پیشوند و پسوند در نام فرزندان

از آنجا که پیشوند و پسوند در نام پسر و دختر انواع متفاوتی به خود می‌گیرد، لذا در دو جدول جداگانه آورده می‌شود:

جدول ۶۲۱ درصد اسامی پسران بر حسب وضعیت پیشوند جدول ۶۳۱ درصد اسامی دختران بر

حسب وضعیت پیشوند

درصد	پیشوند و پسوند
۹۶/۰	بدون پیشوند یا پسوند
۳/۷	سیده، سادات
۰/۳	بیگم، خانم، دخت، خاتون
۰/۰	سلطان
۱۰۰	کل

درصد	پیشوند و پسوند
۹۳/۹	بدون پیشوند یا پسوند
۴/۸	سید، میر
۰/۳	عبد
۰/۷	غلام
۰/۳	آقا، خان، میرزا
۰/۰	شاه، سلطان
۰/۰	حاجی
۱۰۰	کل

نامهای بدون پیشوند یا پسوند در پسر حدود ۴ درصد نسبت به نام پدر (۸۹/۹) افزایش دارد اما این مقوله در نامهای دختر نسبت به مادر (۹۳/۸) ۲/۲ درصد بیشتر شده است. اگر در اجزاء مقایسه صورت گیرد استفاده از پیشوند یا پسوند سید در نام پسر و سیده و سادات در نام دختر نسبت به پدر و مادر افزایش یافته اما در سایر موارد کاهش وجود دارد در مواردی نیز مثل استفاده از حاجی، شاه، سلطان هم در دختر و هم در پسر به صفر رسیده است. لذا پیش بینی می شود به جز پیشوند و پسوند سید و سادات سایر پیشوندها به مرور کارکرد خود را از دست بدهند.

۲/۶- ساخت ترکیبی نام فرزند

در مورد ساخت ترکیبی هم چون مقولات آن در مورد دختر و پسر متفاوت است در دو جدول آورده می شود:

جدول ۶۴ درصد اسامی پسران بر حسب ساخت ترکیبی جدول ۶۵ درصد اسامی دختران بر حسب

ساخت ترکیبی

درصد	انواع ترکیب
۹۸/۸	ساده
۰/۲	ترکیب دو اسم
۱/۰	اسامی دو بخشی (قدم خیر، گل بهار و...)
۱۰۰	کل

درصد	انواع ترکیب
۸۱/۹	ساده
۱۴/۱	ترکیب دو اسم
۰/۸	ترکیب با علی
۱/۰	ترکیب با الله و خدا
۱/۷	ترکیب با امیر
۰/۰	ترکیب با قلی
۰/۵	سایر
۱۰۰	کل

درصد نامهای ساده در پسر نسبت به پدر و در دختر نسبت به مادر افزایش دارد. به طوری که از درصد انواع ترکیبات در نام فرزندان کاسته شده و این کاهش در همه مقولات به جز در مقوله «ترکیب دو اسم» در نام پسر زیاد است. به این ترتیب با توجه به این که کاهش اندکی در استفاده از اسامی که به صورت ترکیب دو اسم هستند وجود دارد به نظر می رسد برای جنس پسر این نوع اسم همچنان مورد انتخاب قرار گیرد.

۲/۷- ریشه نام فرزندان

جدول ۶۶ درصد اسامی فرزندان بر حسب ریشه

درصد	ریشه
۷۰/۱	عربی
۲۷/۷	فارسی
۰/۴	عربی و فارسی
۱/۱	ترکی
۰/۴	لاتین
۰/۰	ترکی و عربی
۰/۰	ترکی و فارسی
۰/۳	فارسی، ترکی و عربی
۱۰۰	کل

درصدهای فوق اگر با پدر و مادر مقایسه شود به لحاظ میزان ریشه عربی و فارسی به مقدار آن در نام مادر نزدیک تر است. اما درصد نامهای ترکی نسبت به مادر و پدر افزایش دارد و علت آن شیوع کاربرد برخی اسامی دخترانه ترکی می باشد.

ریشه و جنسیت

جدول ۶۷ ریشه نامهای فرزندان بر حسب جنسیت (درصد)

ریشه	پسر	دختر	کل
عربی	۵۸/۳	۴۱/۷	۱۰۰
فارسی	۳۶/۹	۶۳/۱	۱۰۰
عربی و فارسی	۵۹/۰	۴۱/۰	۱۰۰
ترکی	۱۷/۹	۸۲/۱	۱۰۰
لاتین	۱۰/۳	۸۹/۷	۱۰۰
فارسی، ترکی عربی	۶/۱	۹۳/۹	۱۰۰

$$x^2=1511 \quad D.F=5 \quad sig=0.0000$$

نامهای با ریشه عربی و فارسی که بالاترین درصد نامها را تشکیل می‌دهند بر حسب جنسیت تفاوت قابل توجهی دارند نامهای پسرها بیشتر دارای ریشه عربی و نامهای دخترها بیشتر دارای ریشه فارسی هستند و این امر ناشی از تفاوت در فرهنگ اسامی است که در پسران نسبت اسامی مذهبی بیشتر است. α

نتیجه

کماکان درصد اسامی مذهبی بیش از اسامی دیگر است، این اسامی دو برابر اسامی خشتی و حدود ۹ برابر اسامی ملی است. نسبت اسامی مذهبی در پسران بیش از دختران است. این افزایش حدود ۱/۷ برابر است. اسامی فرزندان پسر بیش از دختران حامل ویژگیهای فرهنگی اسامی پدر و مادر است. در حقیقت بیشترین همبستگی میان اسامی پدر و پسر وجود دارد. این امر را می‌توان به منزله انتقال بیشتر فرهنگ و گرایش آن از خلال این رابطه دانست. واضح است که مناطق شمالی شهر تهران کمتر از مناطق دیگر گرایش به انتخاب نام مذهبی برای فرزندان داشته‌اند. تفاوت اسامی فرزندان با اولیاء آنها نشان می‌دهد که گرایش به سوی استعمال اسامی مفهومی بیشتر شده است، و کماکان اسامی مصداقی شخصیت (فرد) برای پسران بیش از دختران بکار برده می‌شود. و برعکس اسامی مصداقی غیر شخصیت (غیر فرد) و اسامی مفهومی برای دختران استعمال بیشتری دارد.

به لحاظ تعداد سیلاب، مشخص است که اسامی فرزندان از پدران و مادران سیلابهای کمتری دارد، ولی کاهش تعداد سیلاب برای پسران شدیدتر بوده و لذا فاصله دو جنس در مقایسه با فاصله پدر و مادر کمتر شده است. این استدلال برای تعداد حروف اسامی نیز صدق می‌کند.

به لحاظ نرمی و سختی، اسامی فرزندان نسبت به اولیاء تا حدودی حروف سخت کمتری دارد (۲۰ درصد کم شده) که بخشی از آن مربوط به کاهش تعداد حروف است ولی در مجموع درصد حروف سخت کمتر شده است. درصد حروف سخت در اسامی دختران مثل مادران بیش از جنس مذکر است.

یک تحول جدی در پیشوند و پسوند اسامی رخ داده است که کاهش آن در فرزندان نسبت به اولیاء کاملاً ملموس است. به ویژه در پیشوند و پسوندهای غیر سید، این کاهش چشمگیرتر است. در مقابل استفاده از سید و سیده و سادات در نام دختر بیشتر شده است. همچنین از درصد نامهای ترکیبی در فرزندان نسبت به پدران و مادران کم شده است، ولی

همچنان اسامی پسران بیش از دختران دارای پیشوند و پسوند بوده یا به صورت ترکیبی است.

استفاده از نامهایی باریشه عربی در فرزندان کمتر از پدران و مادران است و از حدود ۸۰٪ در اولیاء به ۷۰٪ در فرزندان کاهش یافته است.

فصل پنجم

سیر تحول نامگذاری (۱۳۴۵-۱۳۷۴)

هدف اصلی پژوهش تحول نامگذاری کودکان تهرانی در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۷۴ است برای توضیح روند این تحول بر حسب مقولات گوناگون هر متغیر شاخصی از درصد آن مقوله در هر سال ایجاد و تحول این شاخص در طول سی سال مورد مطالعه اندازه‌گیری شده است.

۱- تحول در فرهنگ

تحول در فرهنگ نامگذاری در دو بخش فرهنگهای اصلی و سپس فرهنگ اسلامی نامها به صورت مجزا ارائه می‌گردد.

۱/۱- تحول در فرهنگهای اصلی

همچنان که در بخشهای قبلی آمده است سه فرهنگ عمده اسلامی ملی و غربی، بعلاوه فرهنگ خنثی (به لحاظ گرایش مذکور) و خرده فرهنگ، اجزای اصلی فرهنگ نامهای کودکان تهرانی را تشکیل می‌دهند.

تحول فرهنگ غربی در نامهای کودکان تهرانی به علت قلت تعداد (حدود نیم درصد کل اسامی) معنادار و قابل تعمیم نخواهد بود تنها به ذکر این نکته بسنده می‌شود که اسامی غربی مورد استفاده در نامهای کودکان تهرانی عموماً برای دختران استعمال شده است (بیش از ۹۵ درصد کل اسامی غربی)

اسامی ملی :

اسامی حامل فرهنگ ملی طی دوره اولیه مورد مطالعه به مرور کاهش می یابد (از حدود ۹ درصد در سالهای اول به ۴/۵ درصد در سال ۱۳۶۱ می رسد) این روند با کمابیش اختلاف تا سال ۱۳۶۱ ادامه دارد سپس با اندکی افزایش به حدود ۵/۸ تا ۶/۷ درصد می رسد و سپس بطور متوسط حول و حوش ۵ درصد ثابت می ماند.

تفاوت روند مذکور بر حسب جنسیت به گونه دیگری است بدین معنا که تغییرات اسامی ملی در خصوص پسران چشمگیرتر است در حالی که برای دختران چندان قابل توجه نیست گرچه تا حدودی از همان روند مربوط به پسران تبعیت می کند.

روند تغییرات نامهای ملی گذارده شده بر پسران به مرور از ابتدای دوره تا سال ۶۱ کاهش می یابد و با تفاوتهایی تا سال ۱۳۷۳ افزایش پیدا می کند. در حالی که اسامی ملی دختران تا سال ۱۳۵۴ تغییری نمی یابد سپس با یک کاهش تا سال ۱۵۹ ادامه می یابد و به دنبال آن با حدود ۵۰ درصد افزایش سالانه تا سال ۱۳۶۸ همچنان این نسبت حفظ می شود و مجدداً نسبت این اسامی در میان دختران کاهش می یابد.

اسامی اسلامی :

اسامی اسلامی همواره بیش از نیمی از اسامی کودکان تهرانی را به خود اختصاص داده اند و تنها در سال ۱۳۷۲ این نسبت نزدیک به نیم (۵۰/۵ درصد) رسیده است، و در سال ۱۳۶۸ نیز بیشترین نسبت را طی سالهای مورد مطالعه داشته است (۶۸/۱ درصد)

اسامی اسلامی طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ کمابیش حول و حوش ۶۰ درصد بوده است ولی از سال ۱۳۵۶ افزایش یافته و در سال ۱۳۶۱ به حداکثر نسبت خود یعنی ۶۸/۱ درصد می رسد پس از آن با کاهش تدریجی مواجه گشته و به حداقل تعداد خود در سال ۱۳۷۲ می رسد. گرچه در سال ۱۳۷۴ نیز مجدداً افزایش داشته است لیکن به علت معلوم نبودن تداوم آن اظهار نظری نمی توان نمود.

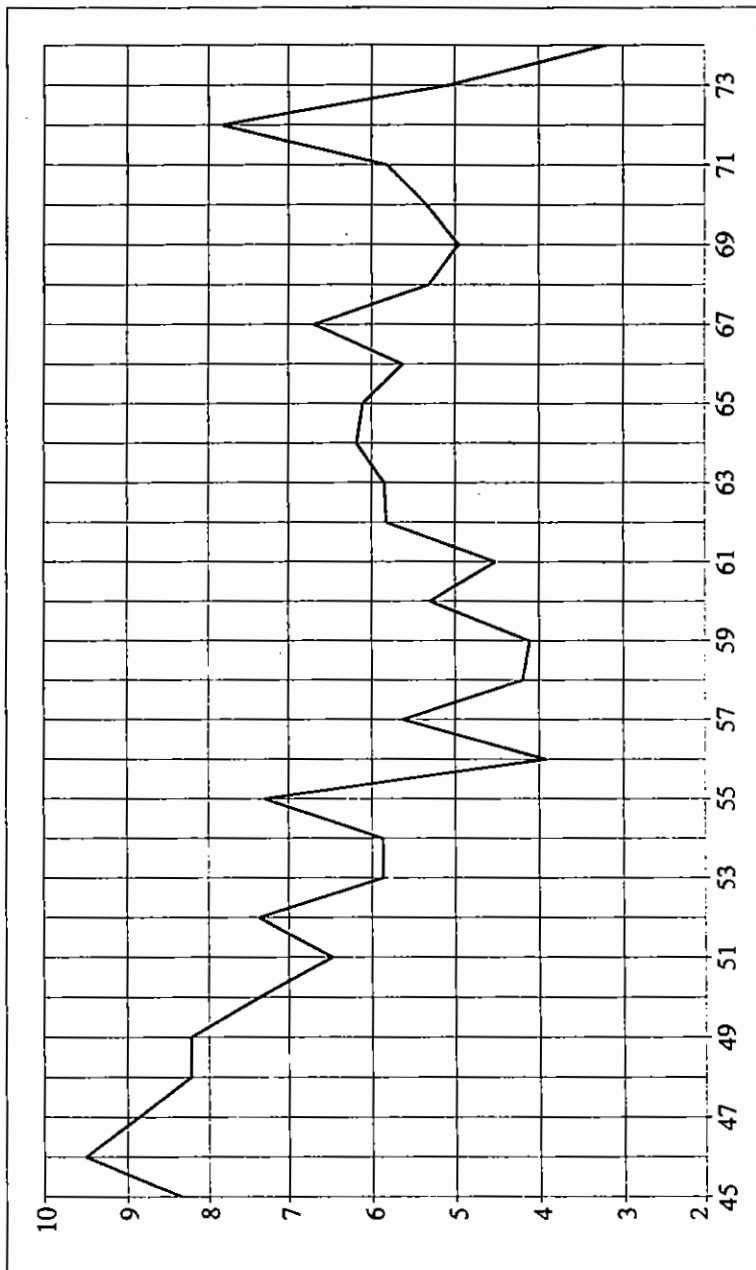
تحولات اسامی بر حسب پسر یا دختر بودن کودک مبین آن است که تفاوت فرهنگی

مذکور به نسبت بیشتری از خلال نامگذاری بر فرزند پسر صورت گرفته است، البته اطلاق و اشاعه فرهنگ اسلامی از منظر نامگذاری نیز بیشتر از طریق کودکان پسر است بطوری که همواره نسبت اسامی اسلامی پسران به دختران حدود ۱/۵ تا ۲ برابر بیشتر است.

نامهای اسلامی پسران طی دوره اول مطالعه یعنی تا سال ۱۳۵۵ روند ثابتی ندارد و کمابیش متغیر است ولی از سال ۱۳۵۶ با افزایش ملموسی مواجه و تا سال ۱۳۶۱ به حداکثر نسبت خود یعنی ۸۳/۷ درصد کل اسامی بالغ می شود سپس با کاهش تدریجی به ۶۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ می رسد و مجدداً در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ افزایش می یابد.

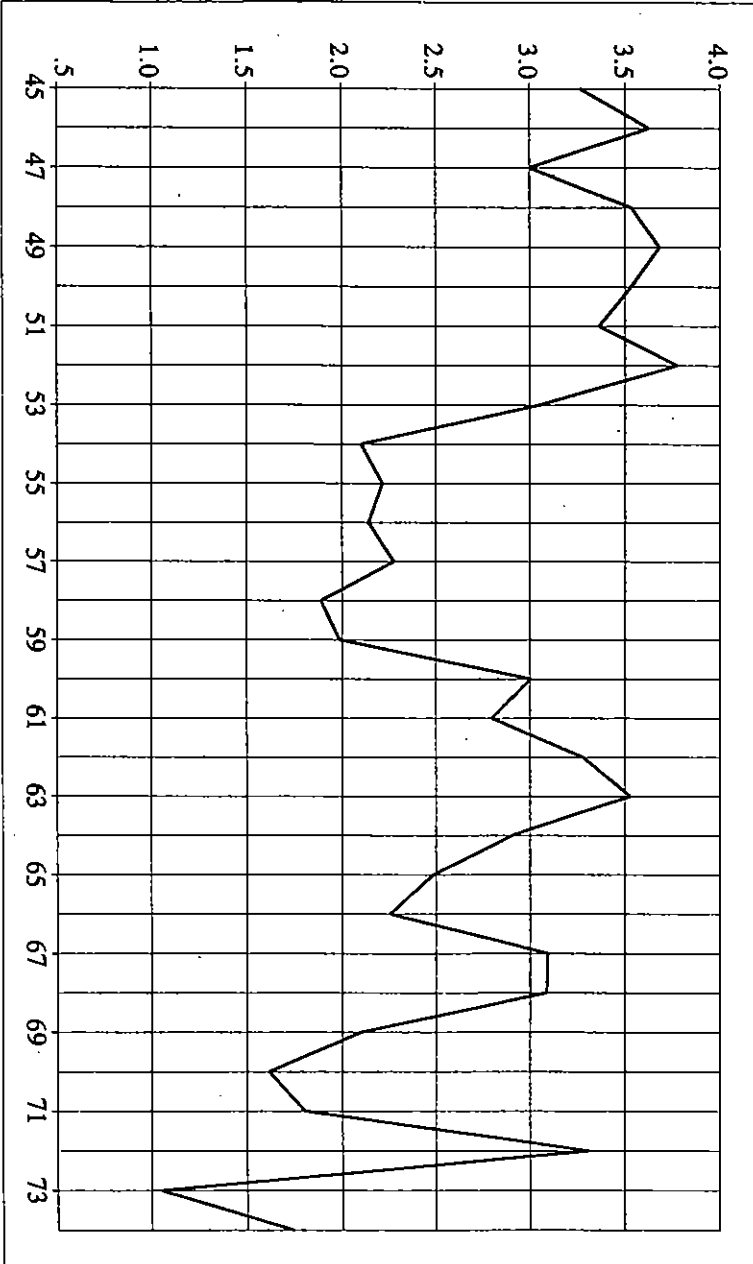
نمودار ۱- تحول نسبت اسامی ملی در کل اسامی نامگذاری شده کودکان تهرانی

۱۳۴۵-۱۳۷۵



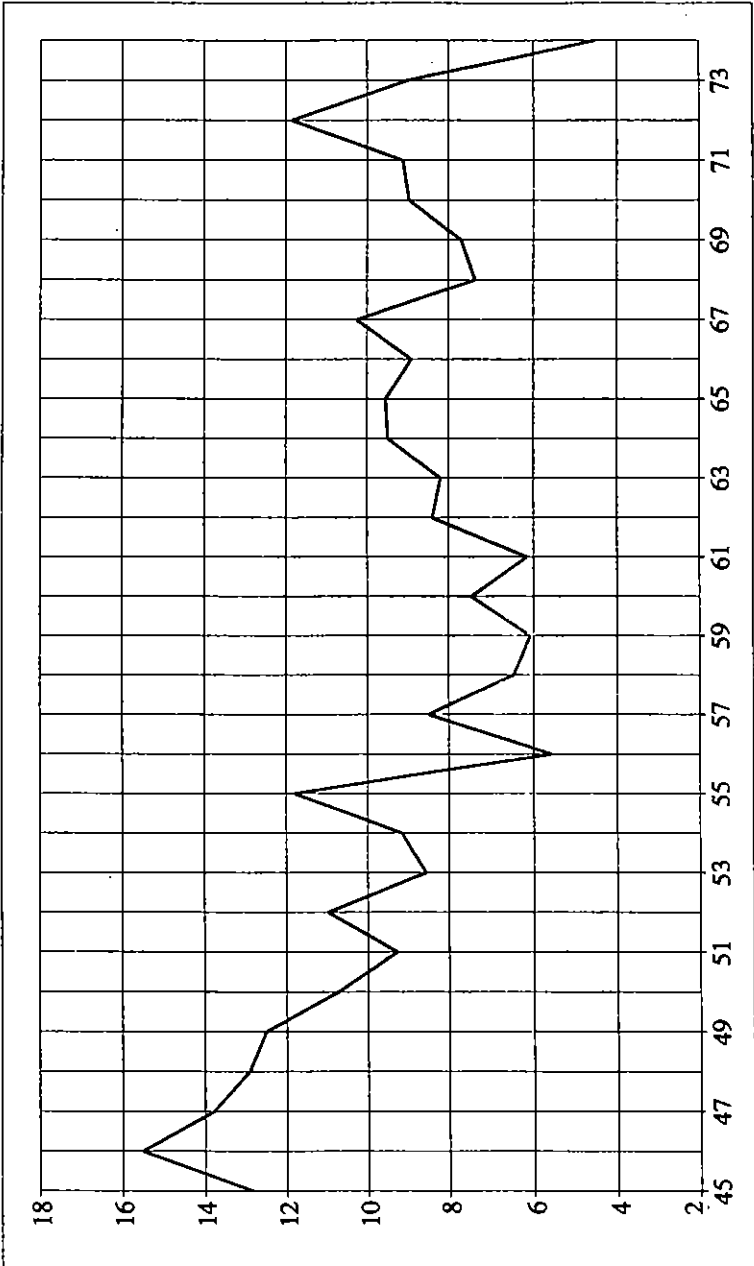
نمودار ۲- تحول نسبت اسامی ملی دختران در کل اسامی نامگذاری شده دختران تهرانی

۱۳۴۵-۱۳۷۵



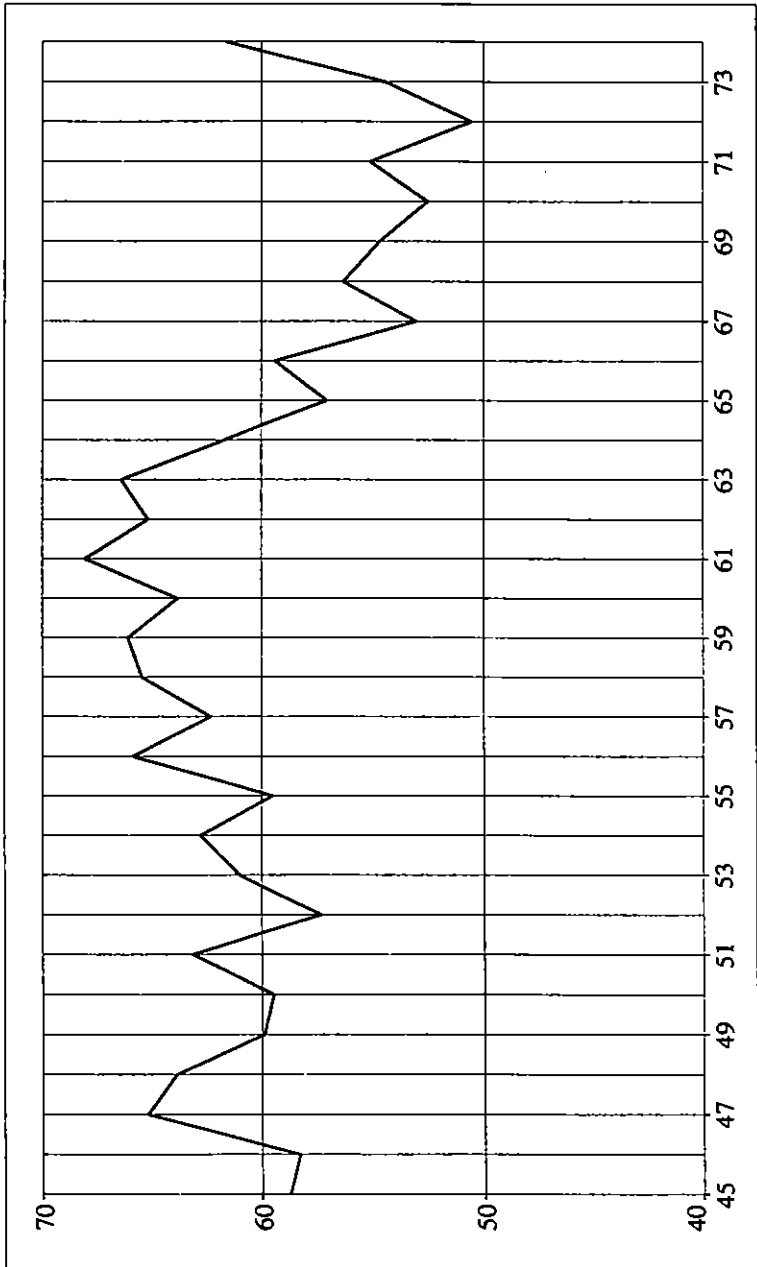
نمودار ۳- تحول نسبت اسامی ملی پسران در کل اسامی نامگذاری شده پسران تهرانی

۱۳۴۵-۱۳۷۵



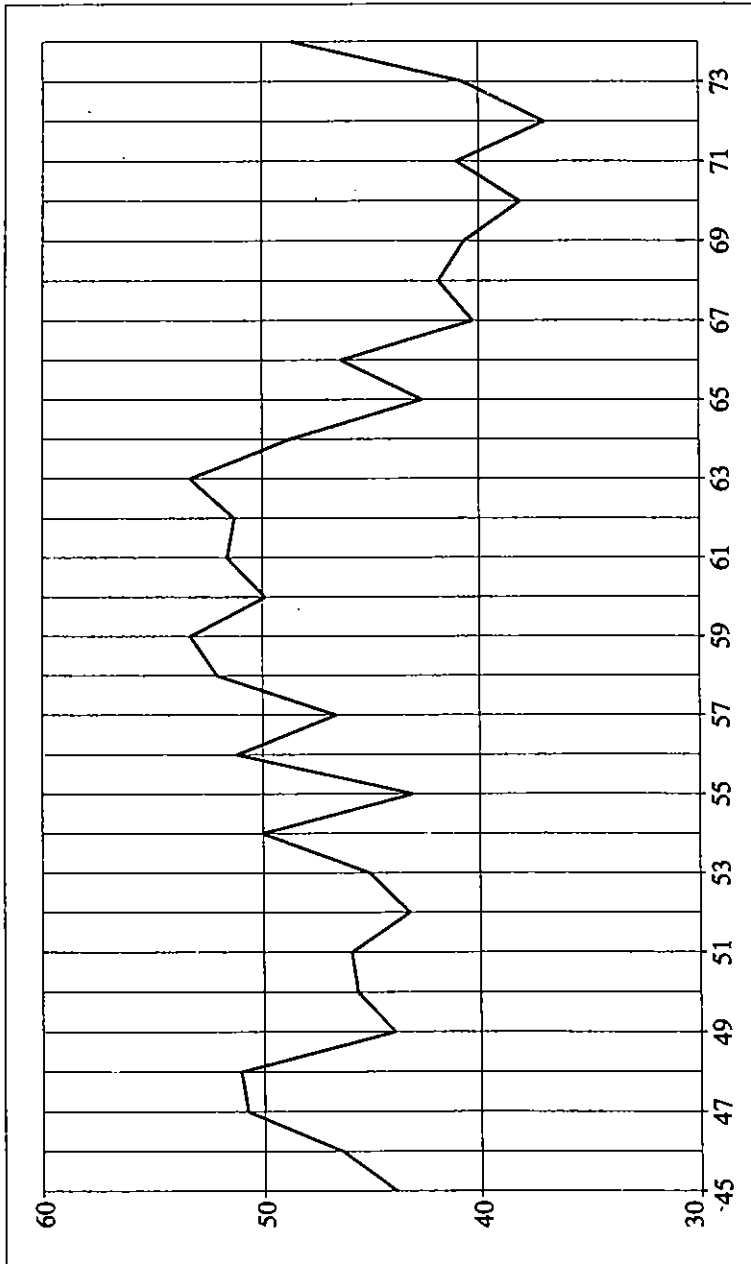
نمودار ۴- تحول نسبت اسامی اسلامی در کل اسامی نامگذاری شده کودکان تهرانی

۱۳۴۵-۱۳۷۵



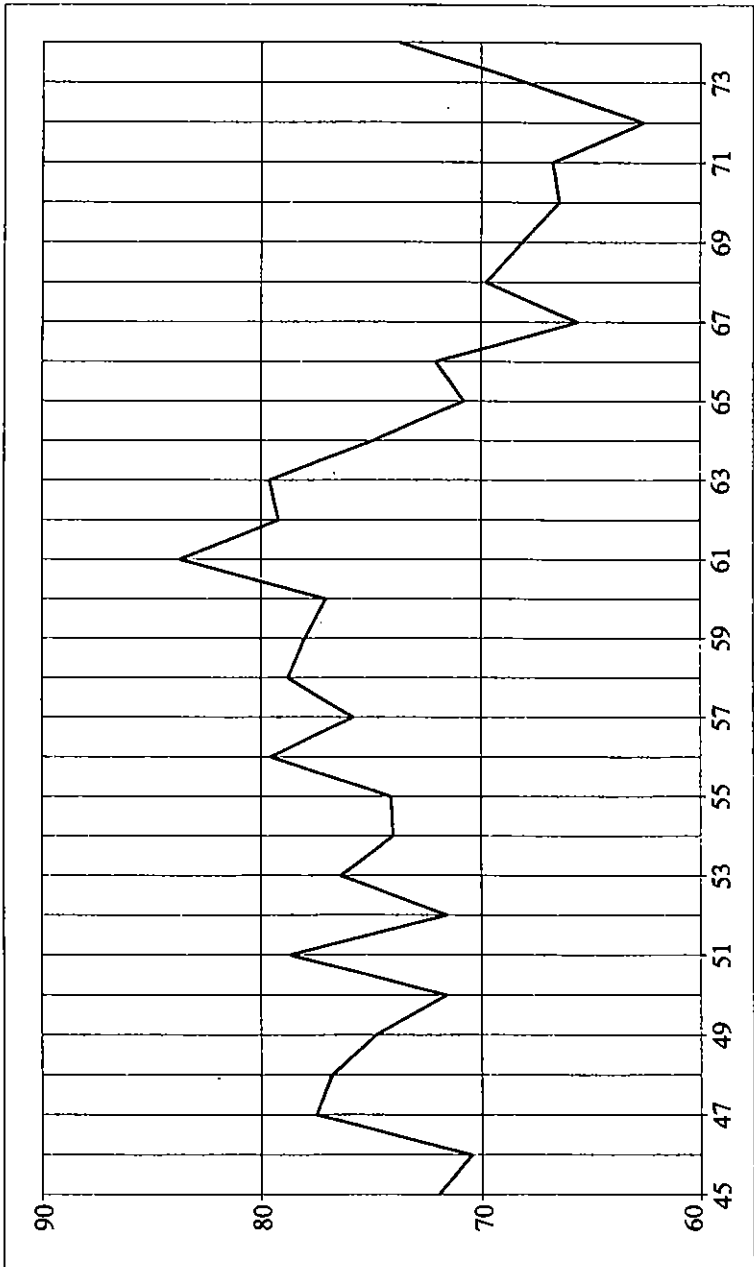
نمودار ۵- تحول نسبت اسمی اسلامی دختران در کل اسمی نامگذاری شده دختران

تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۶- تحول نسبت اسامی اسلامی پسران در کل اسامی نامگذاری شده پسران

تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



تحول نامهای اسلامی دختران به این وضوح نیست بلکه طی سالهای مورد مطالعه تغییرات آن به صورت جهت‌داری نبوده است به ویژه در دوران اوج انقلاب، با این حال کاهش تدریجی نسبت این اسامی از سال ۱۳۶۴ به بعد و رسیدن به حداقل ۳۷ درصد در سال ۱۳۷۲ روند کاملاً ملموسی و قابل مشاهده‌ای است، که در نتیجه آن نسبت این اسامی از متوسط حدود ۴۵ درصد در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۵۰ به کمتر از ۳۸ درصد در سالهای ۱۳۶۷-۱۳۷۲ رسیده است.

اسامی خنثی

حامل اصلی اسامی خنثی در میان کودکان، دختران هستند، طی دوره بررسی حدوداً ۲ تا ۵ برابر پسران واجد چنین اسامی بوده‌اند.

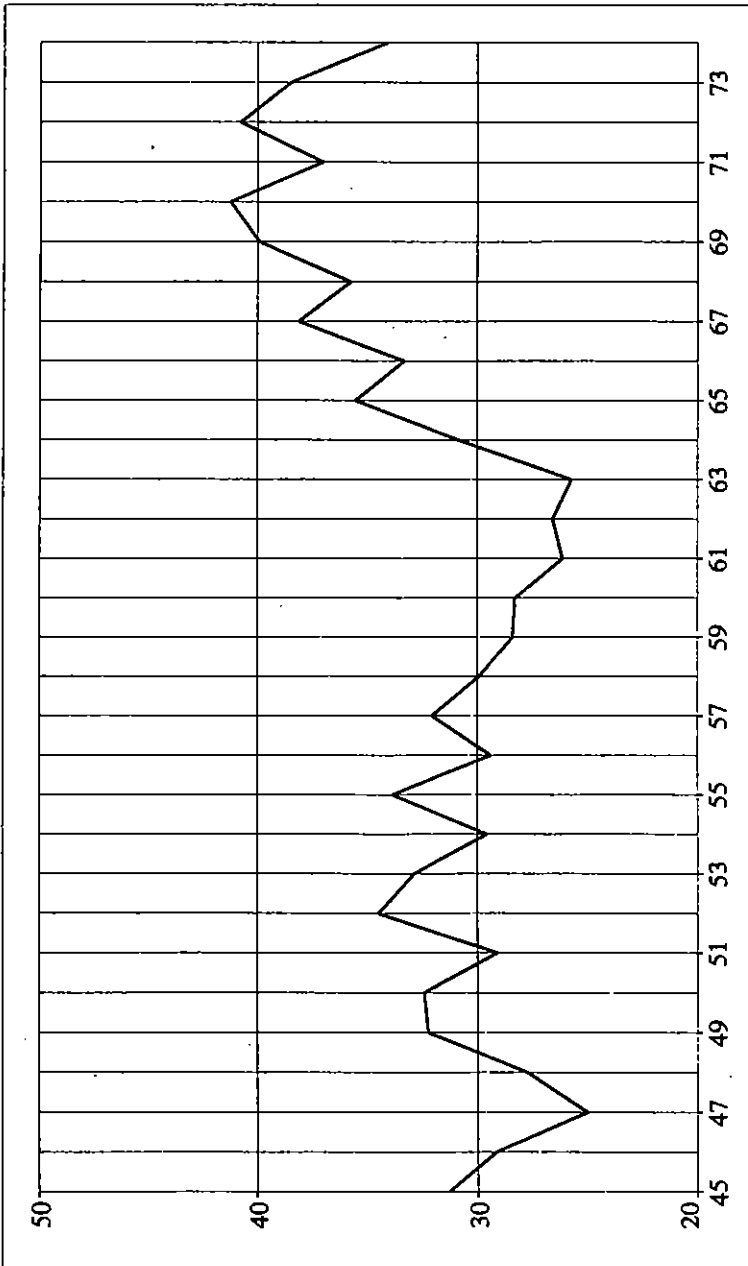
گرایش عمومی جامعه به افزایش این نوع اسامی بوده است به ویژه از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۷۲ نسبت این نوع از اسامی از ۲۵/۷ درصد به ۴۰/۸ درصد کل اسامی بالغ گشته است. تحول اصلی در اسامی خنثی مربوط به نامهای پسران است و سرعت افزایش این نامها در پسران بیشتر بوده در نتیجه فاصله اسامی دو گروه به مرور کاهش یافته است از اسامی خنثی پسران طی سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ به طرز معناداری کاسته می‌شود لیکن از سال ۱۳۶۴ با شتاب قابل توجهی زیاد شده و از ۱۱/۲ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۲۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ می‌رسد. سپس با اندکی کاهش در دو سال بعد یعنی ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ مواجه می‌شود. نسبت اسامی خنثی دختران از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۳ کاهش می‌یابد و سپس با سرعت به نسبت آن افزوده و به حداکثر نسبت خود در سال ۱۳۷۰ می‌رسد (۵۸/۹ درصد).

اسامی خرده فرهنگ

اسامی خرده فرهنگ طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۹ روند ثابتی داشته است، و حدوداً ۰/۵ تا ۰/۷ درصد از کل اسامی را شامل می‌شده است، لیکن از سال ۱۳۵۹ افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته و حتی به ۲/۲ درصد نیز رسیده است.

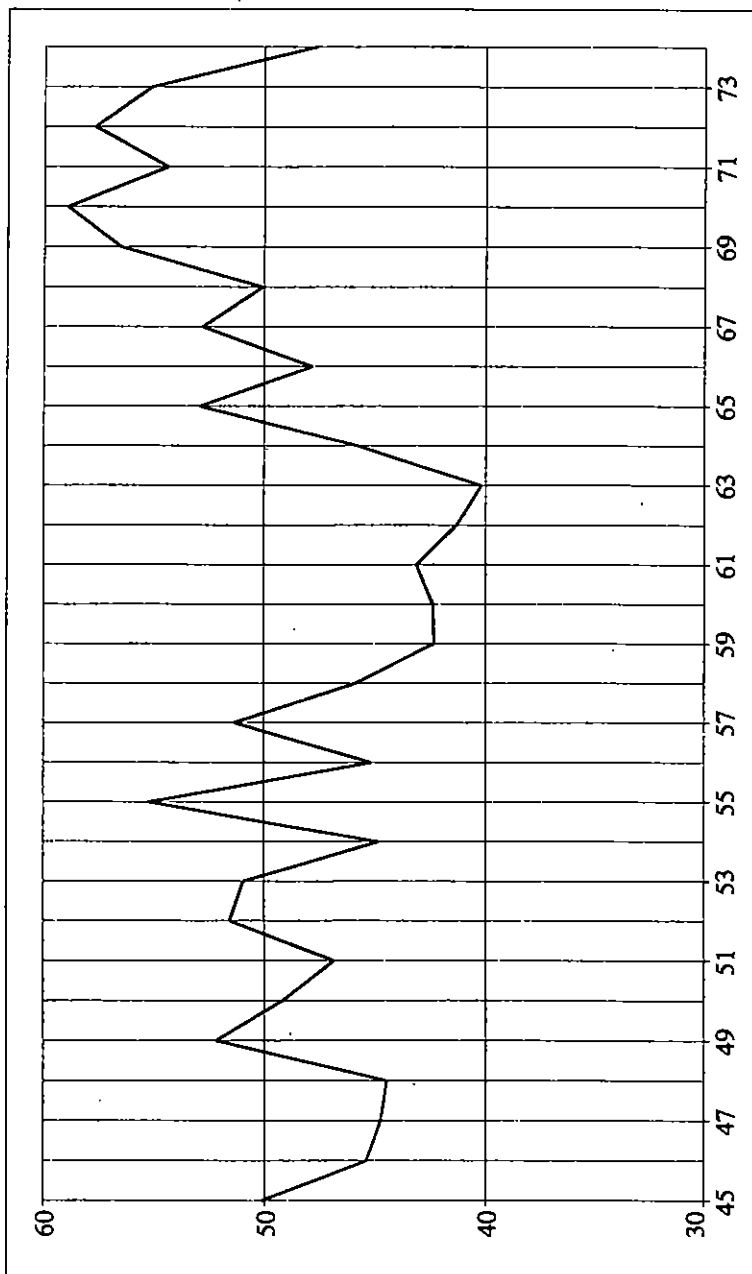
نمودار ۷- تحول نسبت اسامی خنثی در کل اسامی نامگذاری شده کودکان تهرانی

۱۳۴۵-۱۳۷۵



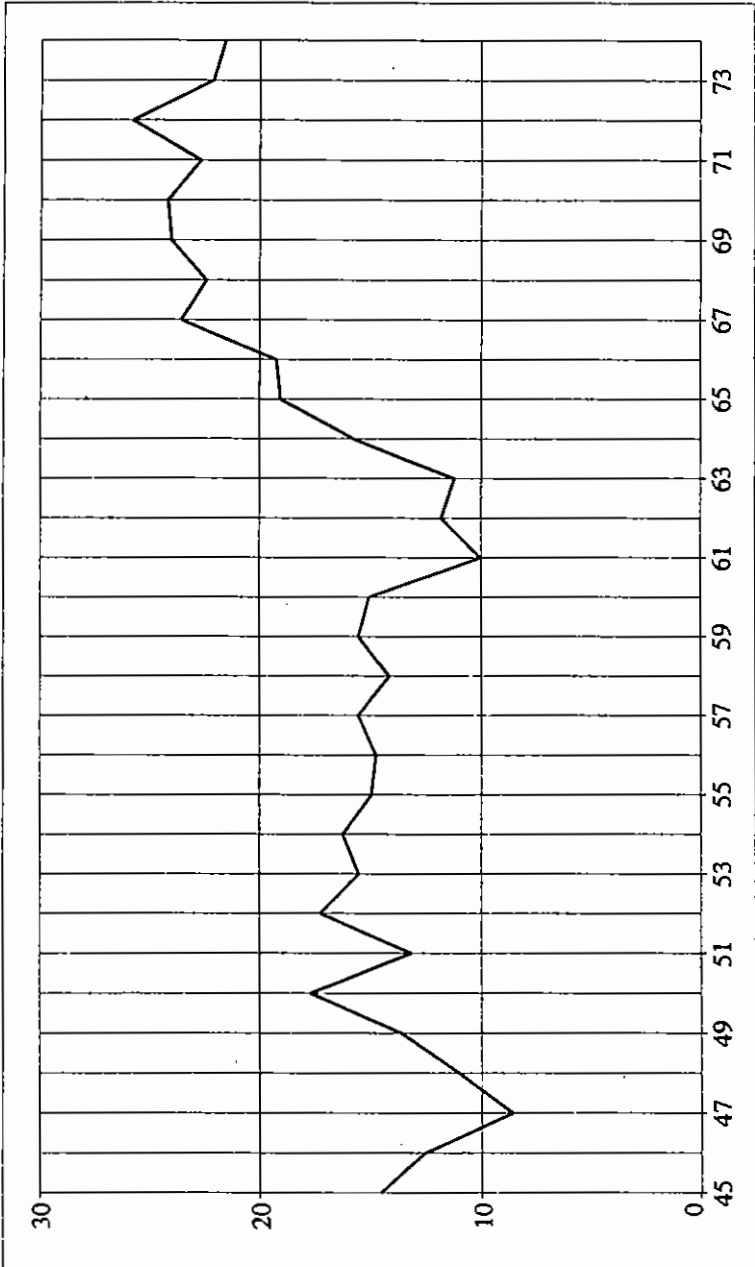
نمودار ۸- تحول نسبت اسامی خنثی دختران در کل اسامی نامگذاری شده دختران

تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۹- تحول نسبت اسامی خنثی پسران در کل اسامی نامگذاری شده پسران تهرانی

۱۳۷۵-۱۳۴۵



جدول ۶۸۱ نسبت اسامی خرده فرهنگ به کل اسامی طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۷۴ (درصد از کل اسامی)

جنسیت	پسر	دختر	جمع
۱۳۵۸-۱۳۴۵	۰/۶۷	۰/۶۰	۰/۶۴
۱۳۷۴-۱۳۵۹	۰/۷۵	۲/۵۲	۱/۶۱

مشخص است که تغییرات به وجود آمده در نسبت این نوع از اسامی در اسامی مؤنث است و اسامی پسران در این بخش تغییر معناداری نداشته است. در بخش اسامی دختران تحول مذکور ناشی از ورود اسامی ترکی، مثل ساناز، آیدا، الناز، آی ناز و... است و احتمال می رود که در آینده نیز این اسامی در زبان فارسی جایگاه ثابتی پیدا کند، زیرا عموماً هم به لحاظ معنایی و هم به لحاظ آوایی دلنشین هستند و طبعاً پس از مدتی دیگر نمی توان اینگونه اسامی را جزو خرده فرهنگ محسوب نمود زیرا با درونی کردن این اسامی، قاعدتاً آنها را باید در ذیل عنوان فرهنگ خنثی منظور داشت.

۱/۲- تحول در اسامی اسلامی

به نظر می رسد که تحول اصلی الزاماً نامگذاری در عرصه فرهنگهای اصلی رخ نداده، بلکه بیشترین تحول در چارچوب فرهنگ اسلامی و نامهای مرتبط با آن صورت گرفته است. اسامی اسلامی به ۶ گروه تقسیم شده اند، اسامی اسلامی، ملی - مذهبی، سنتی، انقلابی (ایدئولوژیک)، عبری، و خرده فرهنگ که هر کدام جداگانه در بخشی نظری تعریف شده اند.

اسامی مذهبی جدید

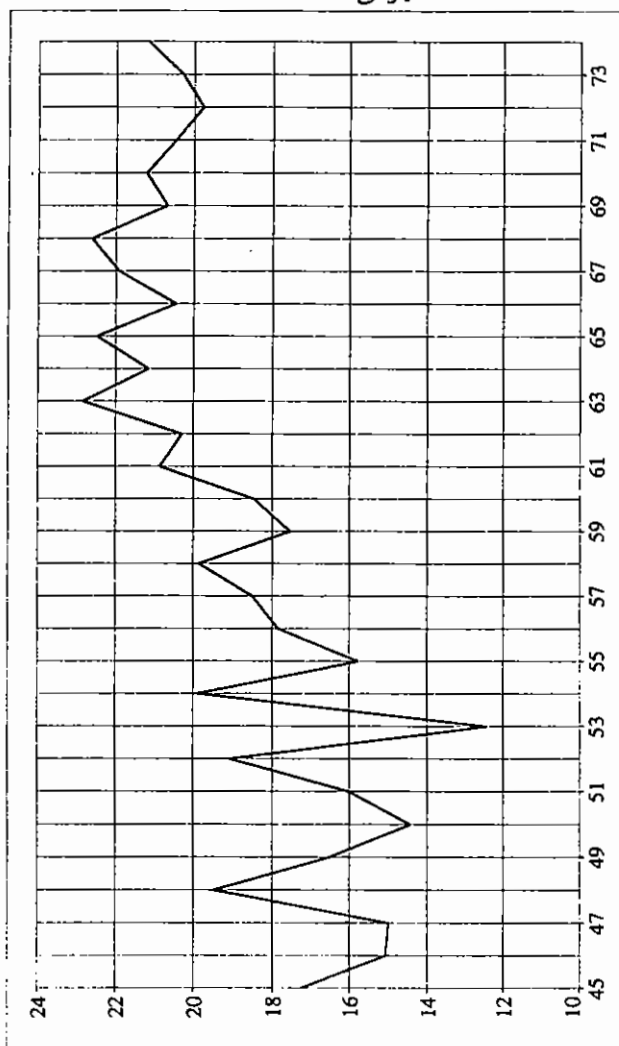
گرایش به سوی این اسامی در طی دوره مورد بررسی قابل مشاهده است، سهم آنها از کل اسامی اسلامی از حدود ۱۵ درصد در سالهای اول به بیش از ۲۰ درصد در سالهای وسط و پایانی دوره مورد مطالعه رسیده است افزایش این اسامی از سال ۱۳۵۸ به ویژه سال ۱۳۶۱ آغاز می شود، به نحوی که پس از این سال هیچگاه سهم این نوع از اسامی از ۲۰ درصد کل اسامی اسلامی کمتر نمی شود.

سهم دختران و پسران از این اسامی از کل اسامی هر دو گروه تقریباً برابر است، با این

وجود تحولات به وجود آمده در اسامی پسران تا حدودی چشمگیرتر است، بدین معنا که افزایش اسامی اسلامی جدید در پسران از سال ۱۳۶۱ آغاز و سپس از سال ۱۳۷۱ مجدداً با کاهش مواجه می‌شود. درحالی که تحولات این گونه اسامی دختران طی سالهای مورد مطالعه تفاوت معناداری از خود نشان نمی‌دهد

نمودار ۱۰- تحول نسبت اسامی اسلامی جدید در کل اسامی نامگذاری شده کودکان

تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



اسامی ملی مذهبی

همچنان که قبلاً توضیح داده شده است. این اسامی عمدتاً مربوط به اسامی خاصی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) است. به نظر می‌رسد که در مجموع تغییرات این اسامی به نسبت بقیه اسامی اسلامی در سی سال مذکور چندان معنادار نیست و نسبت آن عمدتاً حول و حوش ۵۰ درصد از کل اسامی اسلامی است.

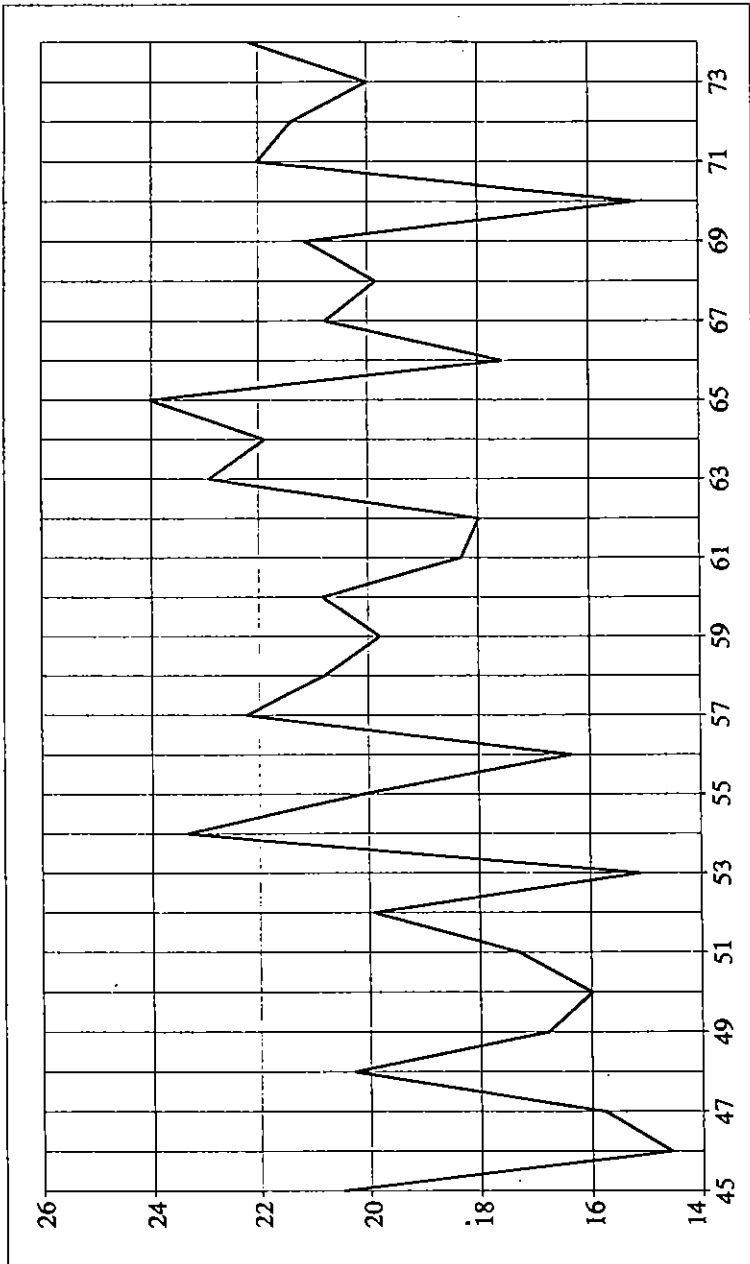
نتایج حاصل از نمودار حاکی از آن است که این گروه از اسامی تا سال ۱۳۵۸، بطور متوسط بالای ۵۳ درصد کل اسامی بوده‌اند، از این سال به بعد و تا سال ۱۳۶۰ به کمتر از ۵۰ درصد نزول کرده و به طور متوسط به ۴۸ درصد از کل اسامی کاهش می‌یابد ولی مجدداً با افزایش ملموسی به نسبت اولیه خود باز می‌گردد.

علت اصلی این تغییرات در این گروه از اسامی بیشتر مربوط به تغییرات در اسامی دختران است، زیرا طی سالهای مذکور گرایش به اسامی ایدئولوژیک در مورد دختران چنان بوده که تا حدودی از سهم این اسامی کاسته است.

مشاهده می‌شود که سهم اسامی ملی - مذهبی پسران از اسامی پسران، عموماً در اطراف ۶۰ درصد و بیشتر از آن می‌باشد، در حالی که سهم اسامی ملی - مذهبی دختران بشدت متغیر است، در اوایل دوره (۱۳۴۵-۱۳۵۰) عموماً بالای ۳۰ درصد از کل اسامی دختران است، سپس با کاهش مواجه شده، به حوالی ۲۸ درصد می‌رسد، مجدداً در سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ روند کاهش تداوم یافته و از این سال به بعد، سهم این اسامی در میان دختران به سهم اوایل دوره نزدیک می‌شود. این روند، حکایت از پایداری اسامی ملی - مذهبی در جامعه ایران است، که حتی اگر بنا به دلایلی موقتاً در یک دوره زمانی هم تعداد و سهم آنان کم شود در دوره‌های بعدی جایگاه قبلی خود را پیدا خواهد کرد.

نمودار ۱۱- تحول نسبت اسامی اسلامی جدید دختران در کل اسامی اسلامی نامگذاری

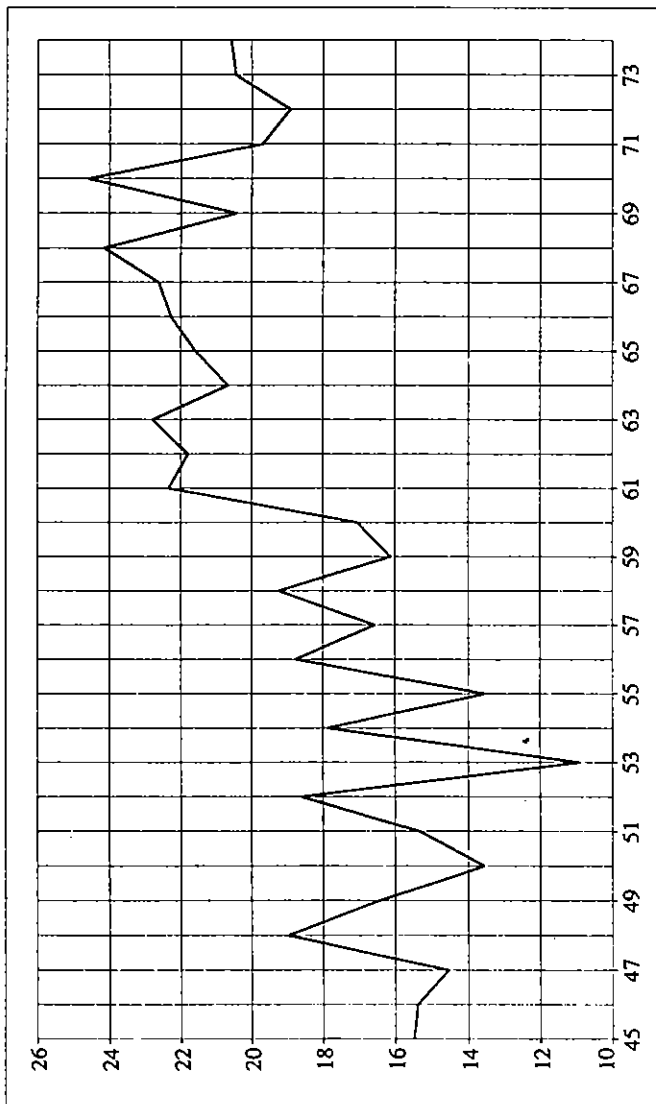
شده دختران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



اسامی اسلامی سنتی

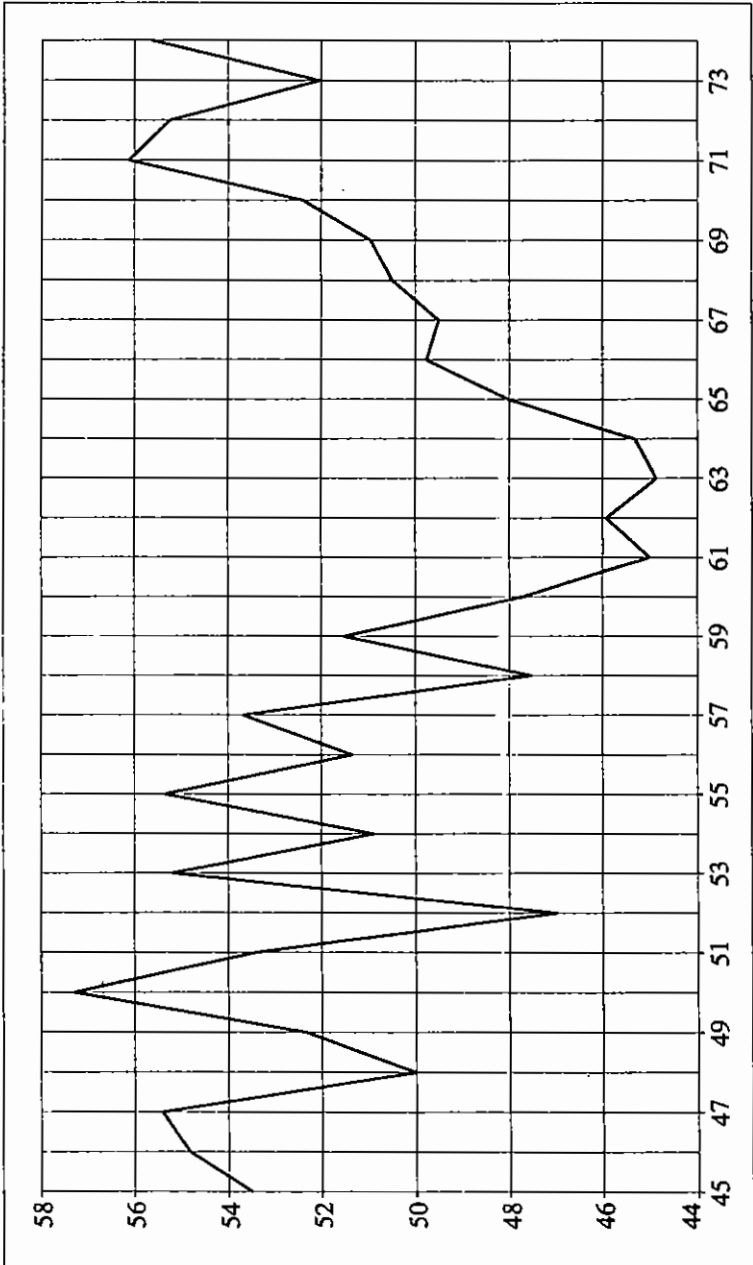
بدون شک روند استفاده و بکارگیری اسامی سنتی اسلامی، رو به کاهش و نقصان است و این امر یکی از وجوه چشمگیر تحول اسامی در ایران است. نسبت و سهم این اسامی از کل نمودار ۱۲- تحول نسبت اسامی اسلامی جدید پسران در کل اسامی اسلامی نامگذاری

شده پسران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



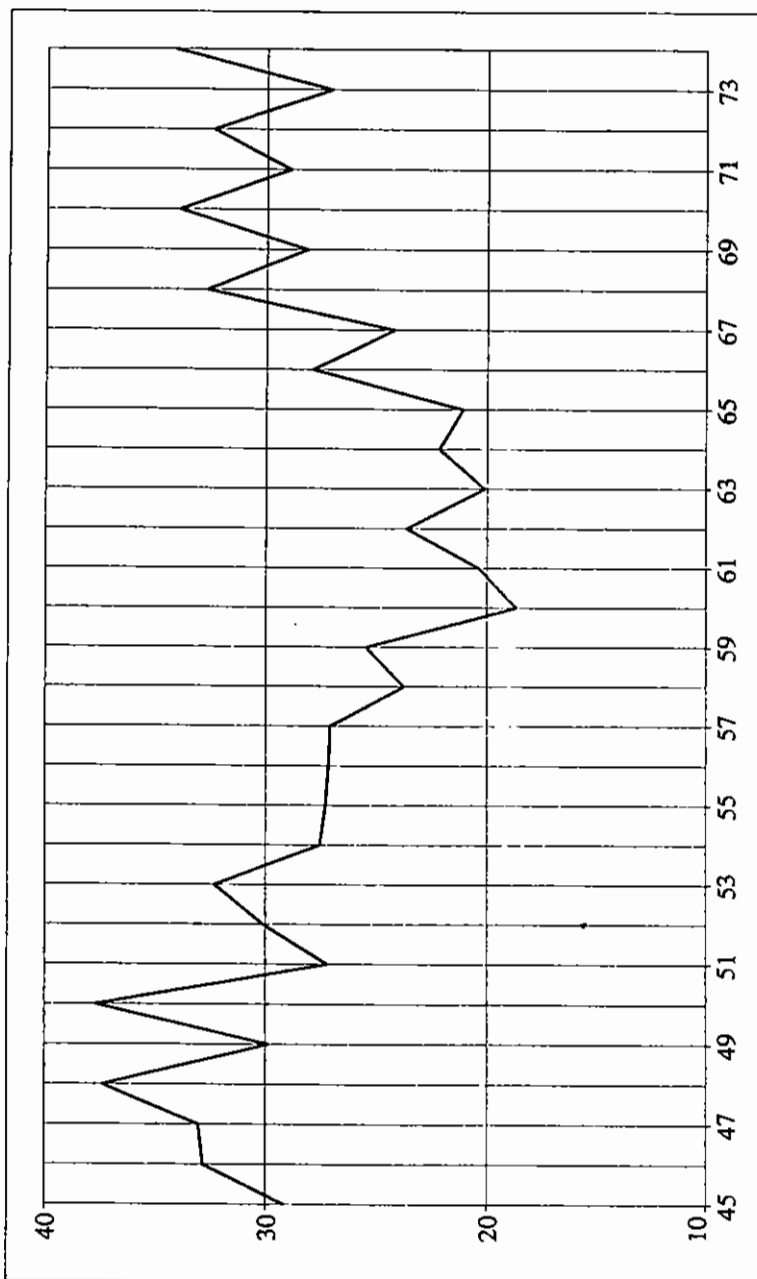
نمودار ۱۳- تحول نسبت اسامی ملی- مذهبی در کل اسامی اسلامی نامگذاری شده

کودکان تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



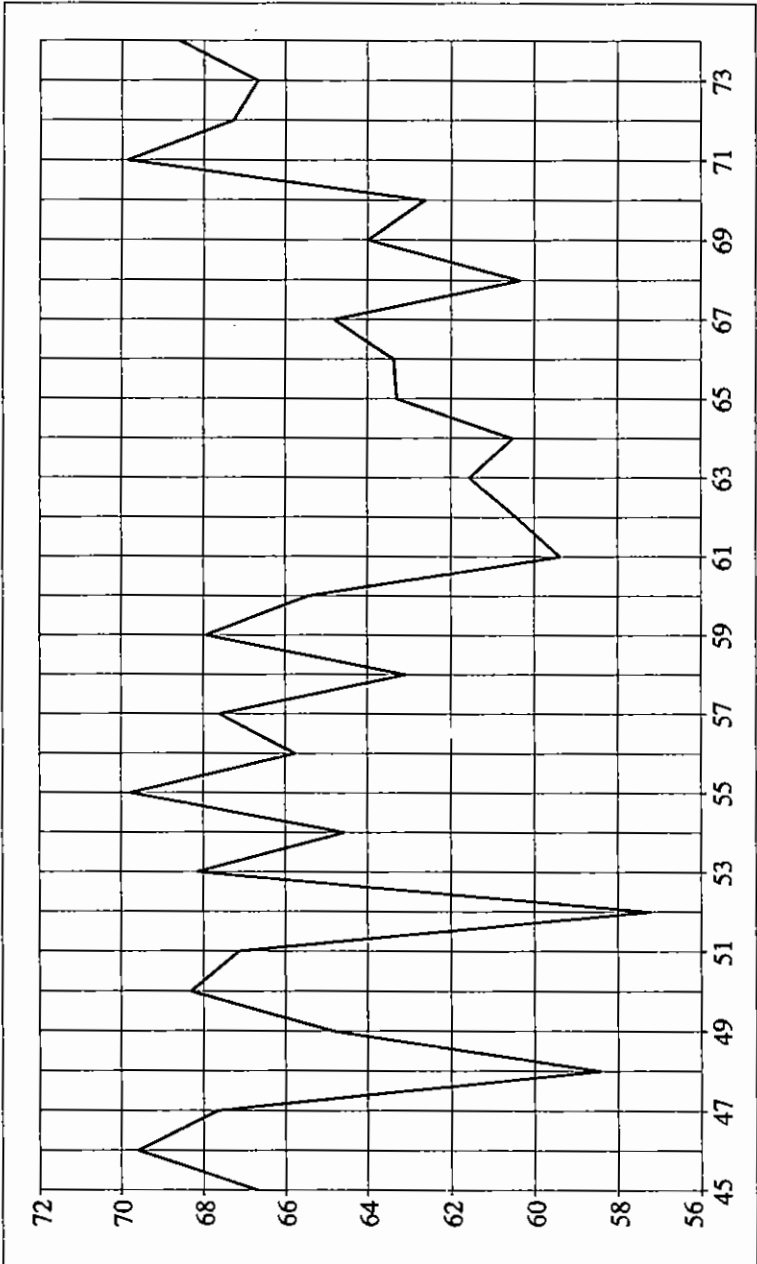
نمودار ۱۴- تحول نسبت اسامی ملی- مذهبی دختران در کل اسامی اسلامی نامگذاری

شده دختران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



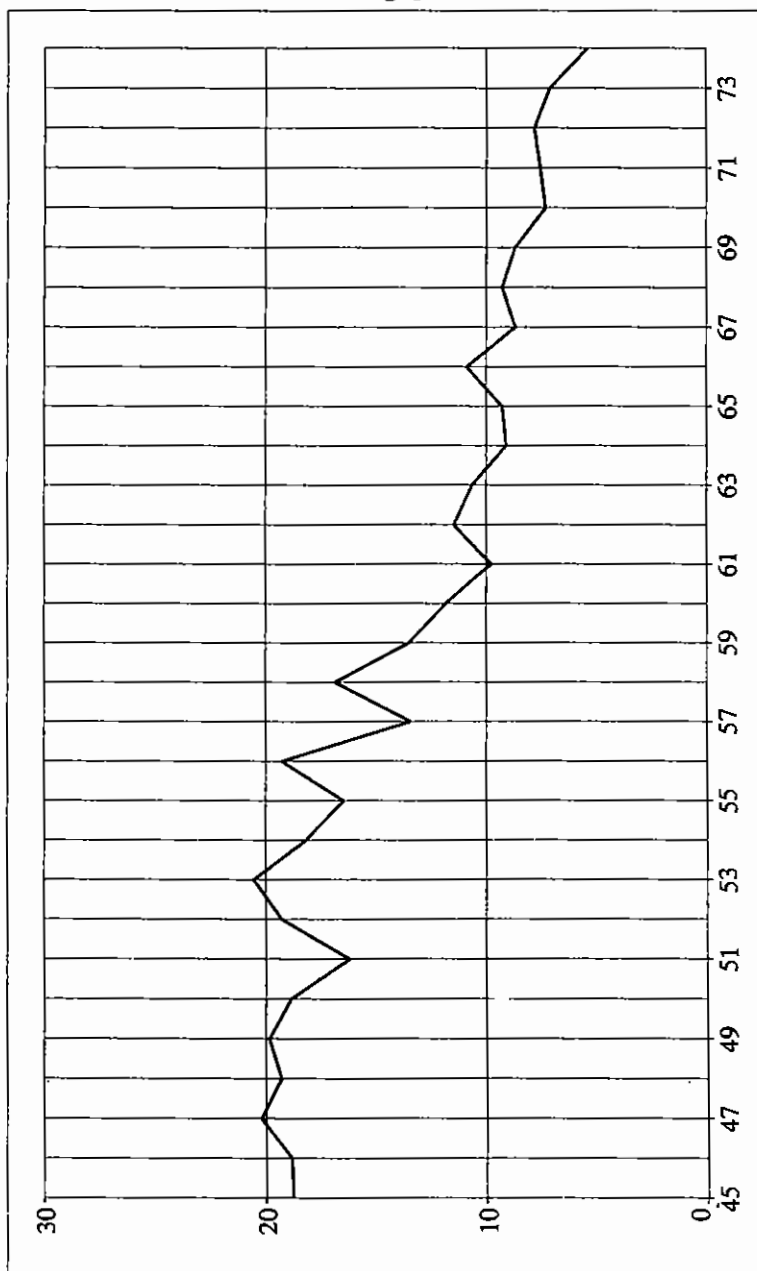
نمودار ۱۵- تحول نسبت اسامی ملی- مذهبی پسران در کل اسامی اسلامی نامگذاری

شده پسران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۱۶- تحول نسبت اسامی سنتی-اسلامی در کل اسامی اسلامی نامگذاری شده

کودکان تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



اسامی اسلامی از حدود ۲۰ درصد در ابتدای دوره به حدود ۷ درصد در پایان دوره رسیده است. نقطه عزیمت این کاهش نیز سال ۱۳۵۷ است که با ۳۰ درصد کاهش (از ۱۹/۵ به ۱۳/۶ درصد) مواجه شده است و همچنان به صورت آرام روند کاهشی وجود داشته است

تحول در این اسامی در درجه اول در اسامی دختران است. اسامی سنتی اسلامی دختران که در سال ۱۳۴۵ بیش از ۳۵ درصد اسامی اسلامی دختران را شامل می‌شد، در پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۴ به ۸/۴ درصد تنزل یافته است. روند کاهش آن نیز به طرز ملموسی از سال ۱۳۵۷ آغاز شده است.

نسبت اسامی اسلامی سنتی پسران نیز از سال ۱۳۵۴ و بطور جدی‌تر از ۱۳۵۷ رو به کاهش می‌نهد و همچنان ادامه داشته است.

اسامی انقلابی (ایدئولوژیک):

همچنان که قبلاً توضیح داده شد، در تحدید و تعیین دقیق اسامی ایدئولوژیک و انقلابی عوامل مختلفی مؤثر هستند که در برخی موارد کار را مشکل می‌کند، با این حال واضح است که اینگونه اسامی از سال انقلاب ۱۳۵۶ و اوجگیری تفکر مذهبی - انقلابی، رشد پیدا کرده، و تا سال ۱۳۶۱ که اوجگیری انقلاب است ادامه می‌یابد، سپس سهم آن از کل اسامی اسلامی رو به نقصان می‌نهد.

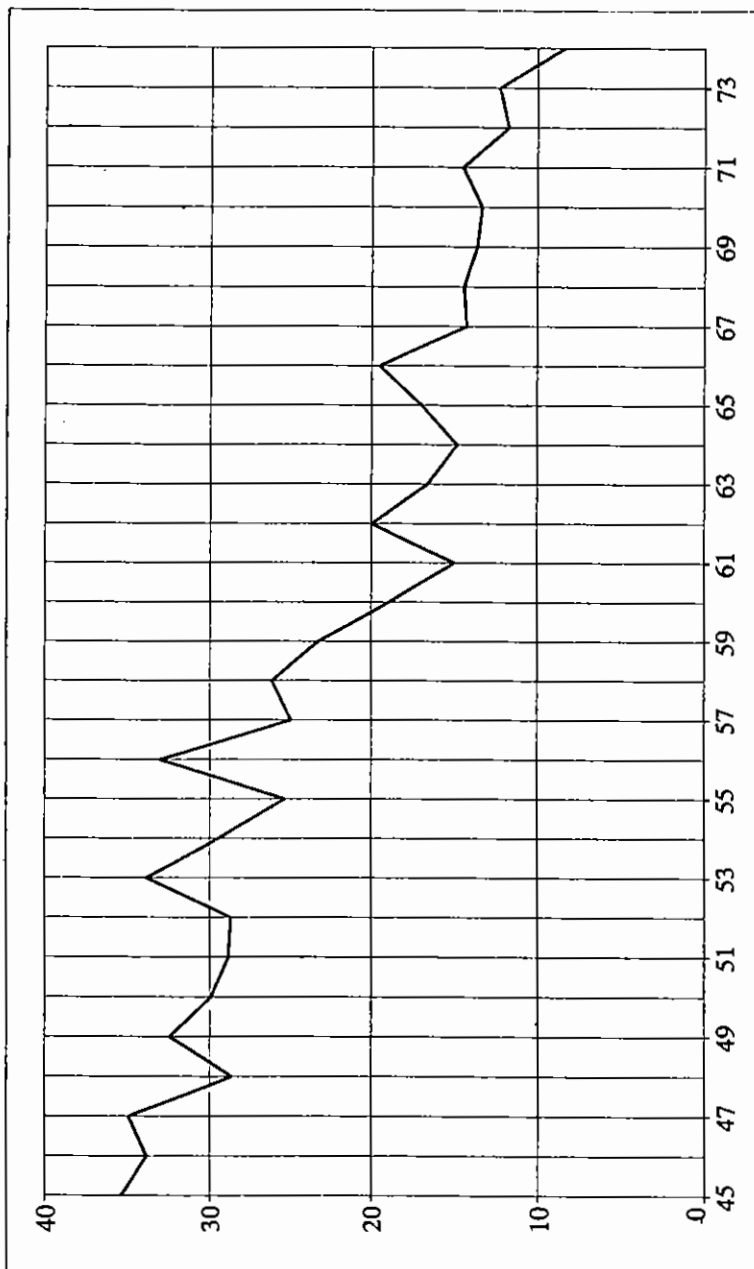
ضمناً می‌توان تصور کرد که برخی از این اسامی به مرور زمان برداشت انقلابی و ایدئولوژیک اولیه خود را از دست می‌دهند، (به ویژه در موارد اسامی مفهومی) و تبدیل به اسامی جدید اسلامی می‌شود و در آن مقوله جای خواهند گرفت

تغییرات حاصل بر حسب جنسیت، بسیار گویاست. و این امر برای دختران بسیار بیشتر از پسران مطرح است گرچه روند کلی برای هر دو جنس یکسان است و از حدود سالهای ۵۶-۵۷ شروع به افزایش کرده و در سالهای ۶۱ به بعد رو به کاهش می‌نهند، لیکن این تحول و دامنه تغییرات آن برای دختران بیشتر است.

شاید یکی از دلایل این امر، قوت و تنوع بیشتر اسامی ملی - مذهبی پسران و ریشه‌دارتر بودن آن در فرهنگ جامعه ماست.

نمودار ۱۷- تحول نسبت اسامی سنتی-اسلامی دختران در کل اسامی اسلامی نامگذاری

شده دختران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵

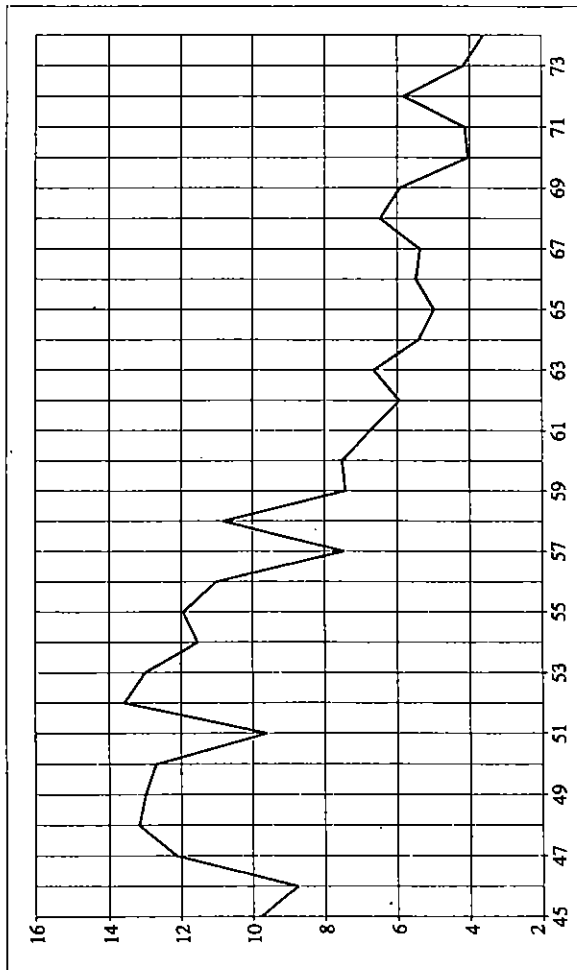


اسامی عبری

در حقیقت شاید لازم بوده اسامی عبری در درون اجزا دیگر اسامی اسلامی قرار می‌گرفتند لیکن از آنجاکه این نوع از اسامی تقریباً مشخص و عینی هستند (به لحاظ ریشه اصلی و مصداق آنها) در نتیجه مقوله‌بندی جداگانه آنها نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کند که متضمن درک نکات جدیدی هم می‌تواند باشد.

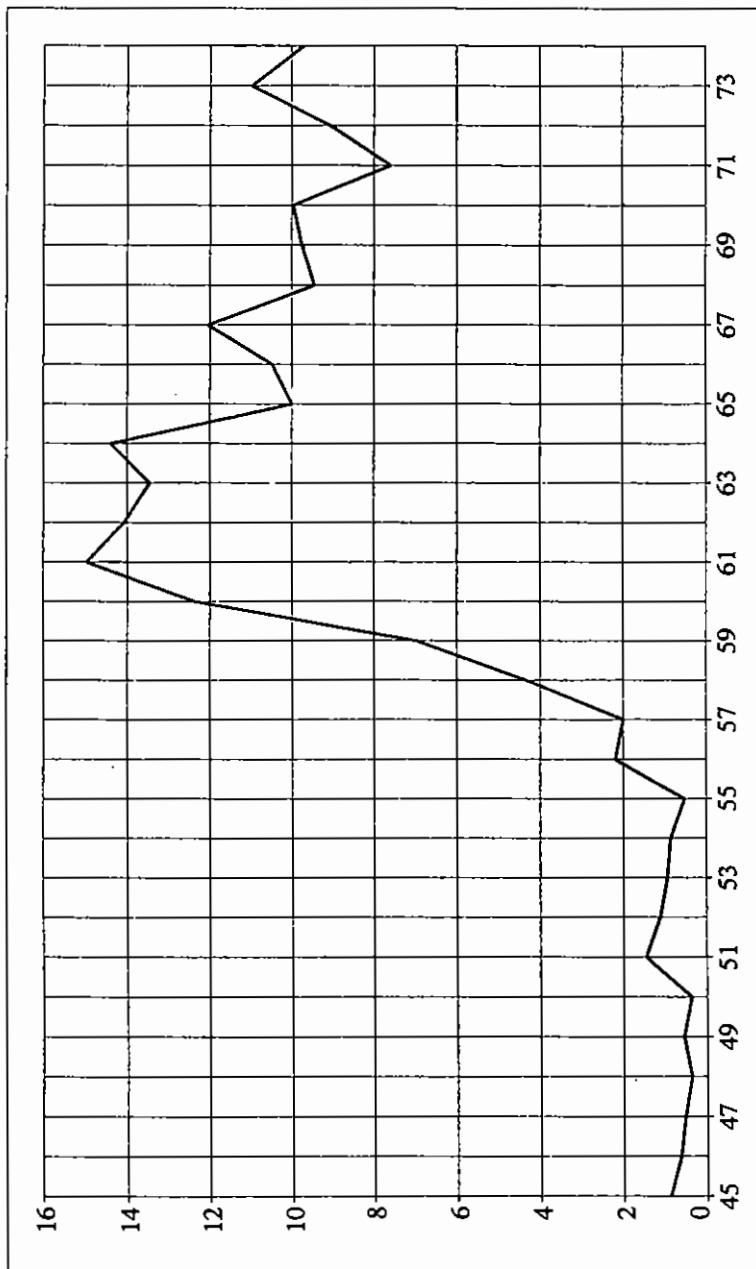
نمودار ۱۸- تحول نسبت اسامی سنتی-اسلامی پسران در کل اسامی اسلامی نامگذاری شده

پسران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



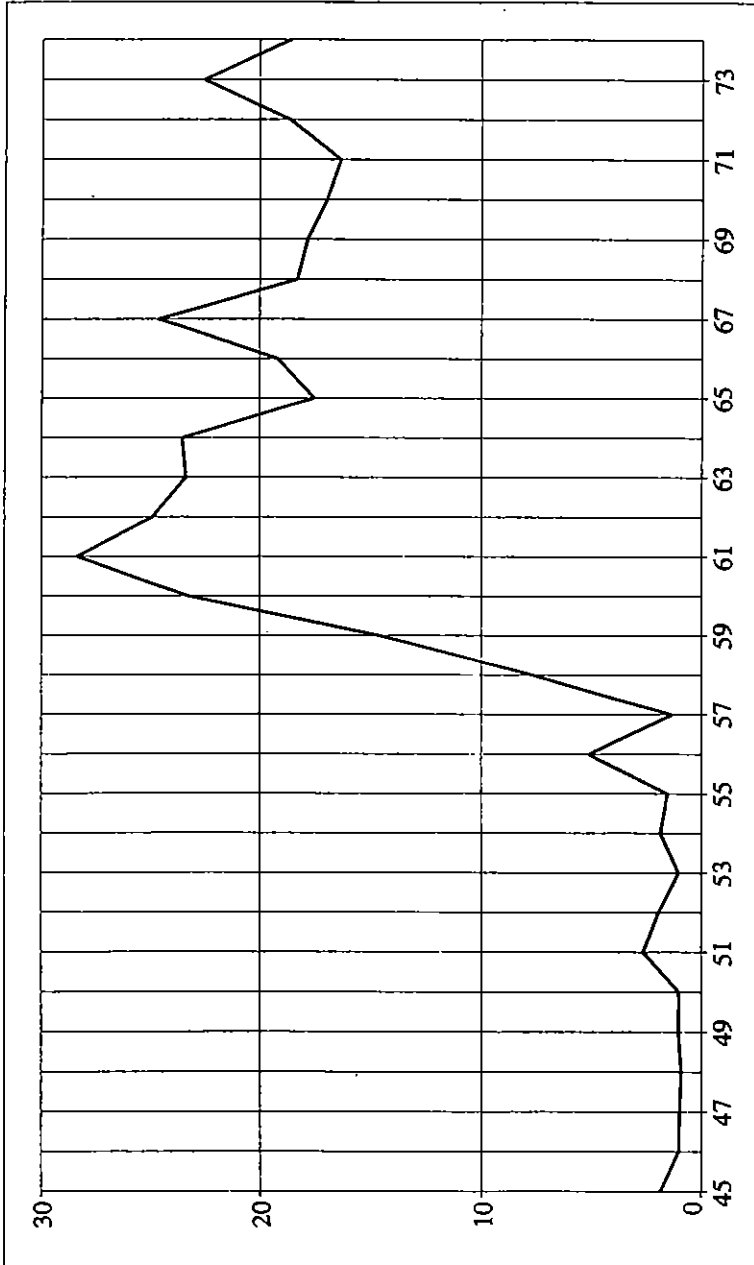
نمودار ۱۹- تحول نسبت اسامی اسلامی ایدئولوژیک در کل اسامی اسلامی نامگذاری

شده کودکان تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



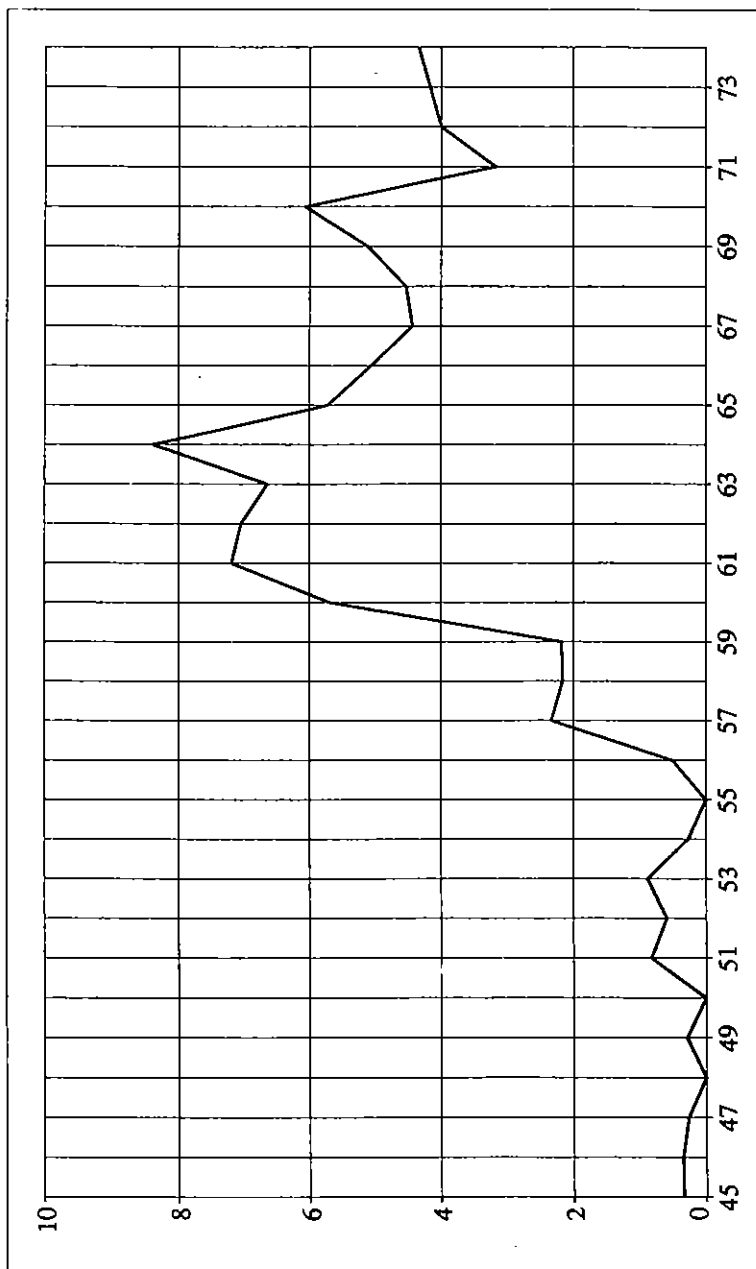
نمودار ۲۰- تحول نسبت اسامی ایدئولوژیک دختران در کل اسامی اسلامی

نامگذاری شده دختران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۲۱- تحول نسبت اسامی ایدئولوژیک پسران در کل اسامی اسلامی

نامگذاری شده پسران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



اسامی عبری از حدود ۸/۵ درصد از کل اسامی اسلامی در اوایل دوره، به حدود ۱۰ درصد در ربع دوم دوره افزایش یافته و سپس به جایگاه اولیه برگشته و در ربع پایانی نیز با قدری کاهش به حدود ۷ درصد از کل اسامی اسلامی می‌رسد.

تحول در اسامی عبری پسران با روند پیش گفته انطباق و همخوانی بیشتری دارد، در حالی که تغییرات این گونه اسامی دختران به وضوح تغییرات متناظر در اسامی پسران نیست

خرده فرهنگ اسلامی

اسامی خرده فرهنگ اسلامی، همانند اسامی که عمدتاً در برخی از شهرهای آذربایجان و برخی از روستاها وجود دارد، در جامعه شهری و تهران بندرت دیده می‌شود، و همان تعداد کم نیز رو به افول و محو شدن است، بطوری که در سالهای پایانی دوره مورد مطالعه تقریباً هیچ موردی مشاهده نمی‌شود.

۲- تحول در عوامل ساختنی

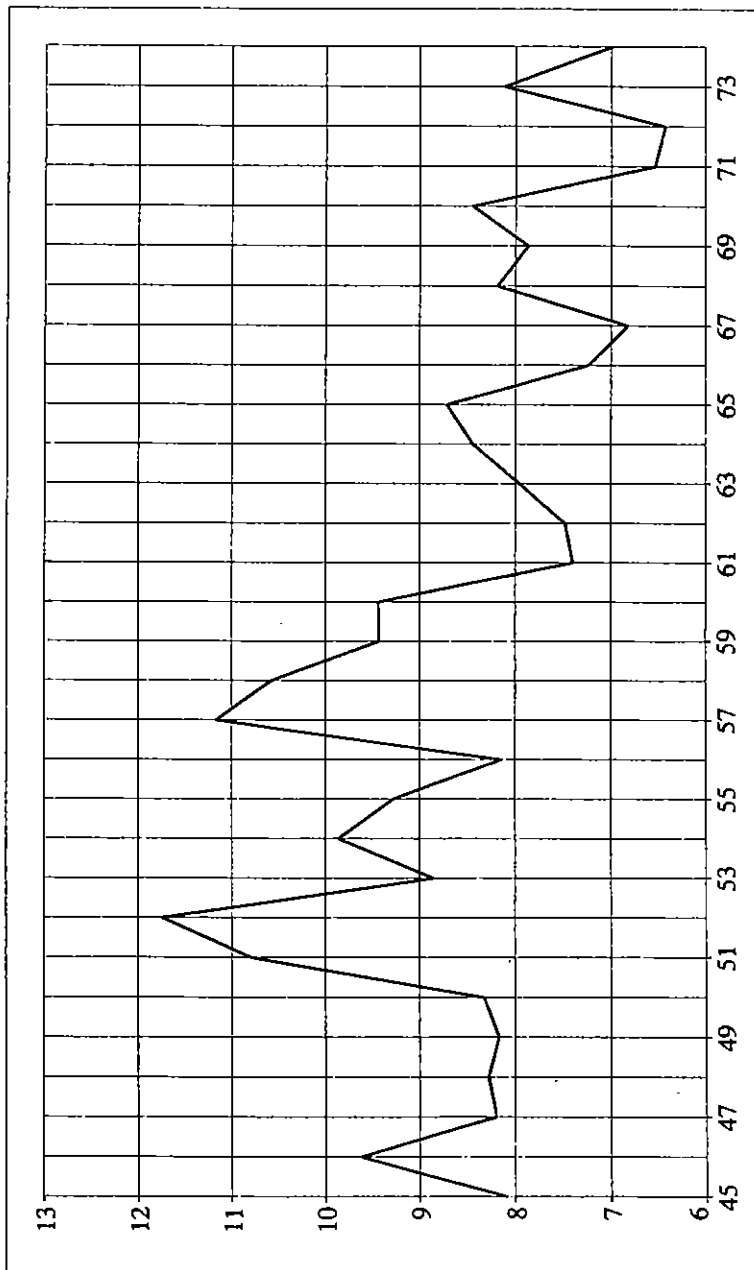
همچنان که گفته شد به غیر از تحولات فرهنگی، تحول در عوامل ساختنی اسامی نیز می‌تواند به درک برخی تغییرات کمک کند. بخشی از این عوامل خود مبین مفاهیم فرهنگی نیز هستند

۲/۱- مصداقی بودن

بخشی از مفهومی یا مصداقی بودن اسامی وابستگی به اجزای فرهنگی و جنسیت کودک دارد، بنابراین تحول در آنها احیاناً ناشی از تحول در اجزای فرهنگ است. بدین منظور سعی می‌شود که ضمن آن که دگرگونی اسامی به لحاظ مفهومی یا مصداقی ارزیابی شود، تغییرات خالص آن نیز پس از حذف عوامل دیگر نیز بررسی گردد. در این بخش فقط از تحلیل اسامی کاملاً خاص خداوند به علت قلت تعداد اجتناب می‌شود.

نمودار ۲۲- تحول نسبت اسامی عبری در کل اسامی اسلامی نامگذاری شده کودکان تهرانی

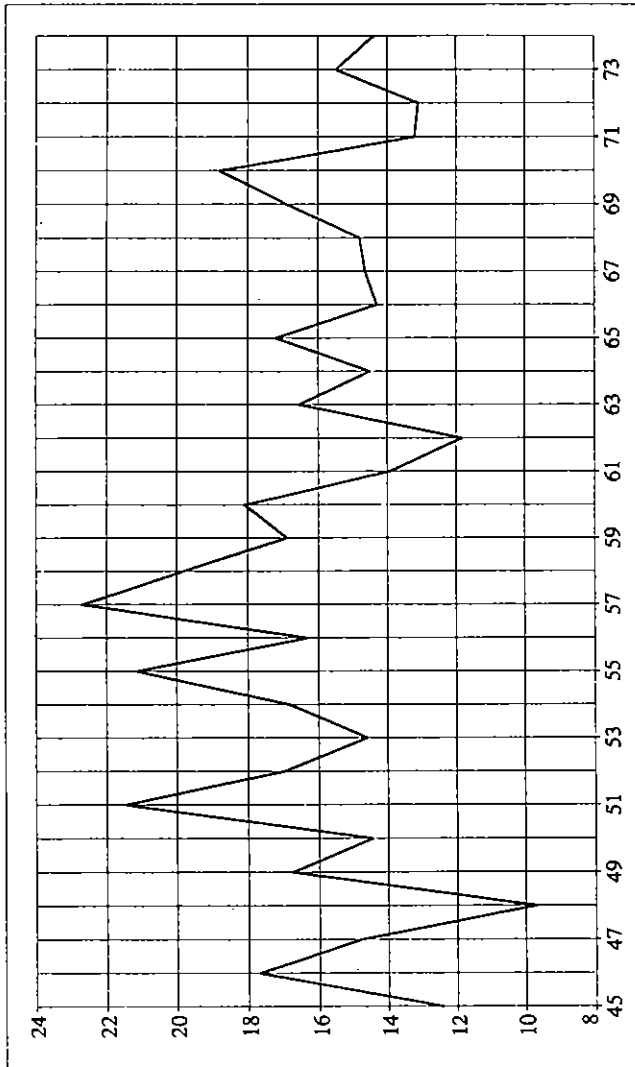
۱۳۴۵-۱۳۷۵



مصدق فرد

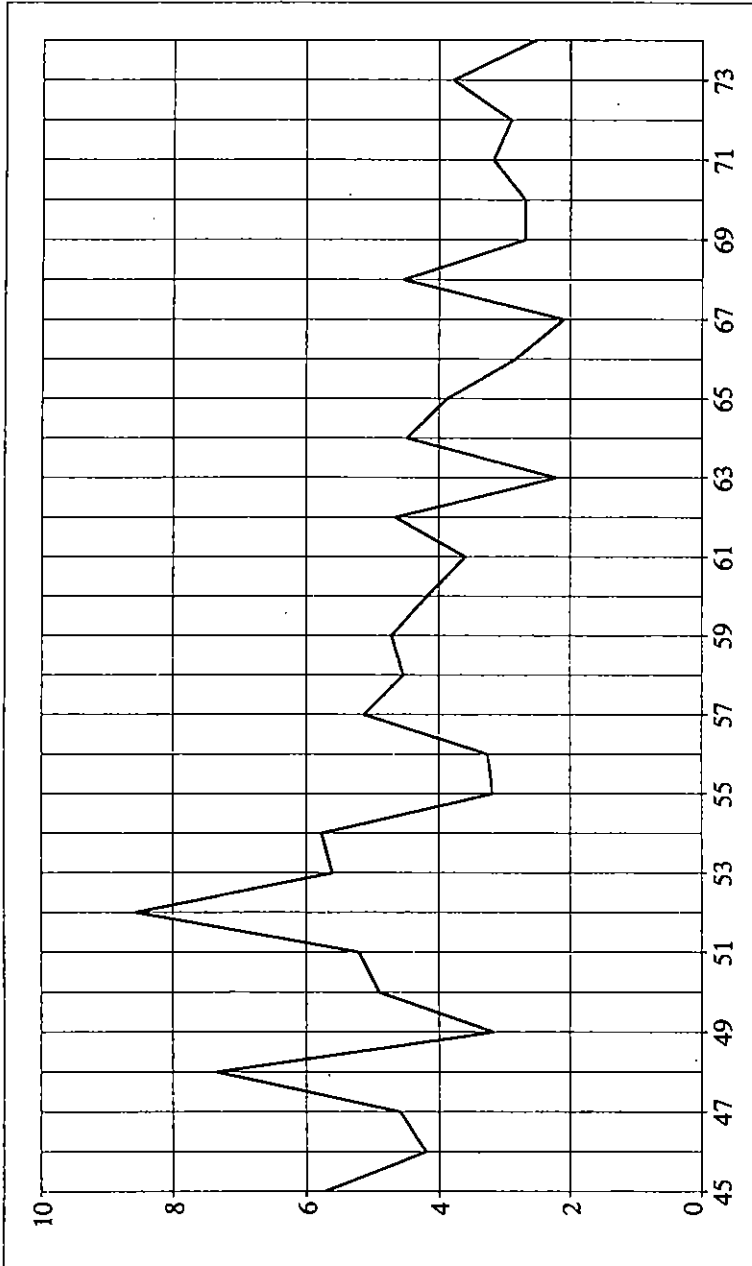
بطور کلی بیش از نیمی از اسامی (۵۲/۵ درصد) طی دوره مورد مطالعه، جزو اسامی مصدقی با مصدق فرد قرار می‌گیرند. گرایش کلی به سوی کاهش استعمال و اطلاق این گونه نمودار ۲۳- تحول نسبت اسامی عبری دختران در کل اسامی اسلامی نامگذاری شده

دختران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۲۴- تحول نسبت اسامی عبری پسران در کل اسامی اسلامی نامگذاری شده

پسران تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



اسامی بر روی فرزندان بوده است.

از ابتدای دوره تا سال ۱۳۶۲ متوسط این گونه از اسامی حدوداً بیش از ۵۶ درصد بوده است این نسبت از سال ۱۳۶۳ شروع به کاهش نموده و متوسط آن به کمتر از ۴۷ درصد می‌رسد.

این کاهش عمدتاً معلول افزایش اسامی خنثی و نیز گروه اول اسامی اسلامی یعنی اسامی جدید است، که عموماً بار مفهومی دارند. تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که حدود ۵۴ درصد واریانس اسامی مصداقی (فردی) و غیر آن بوسیله فرهنگ اسم و جنسیت فرد تحلیل می‌شود. با این حال و پس حذف همه این عوامل، مشاهده می‌شود که اسامی مفهومی بر حسب گذشت زمان نیز کاهش می‌یابد.

یک دلیل طبیعی افزایش سهم این نوع از اسامی، ورود اسامی جدید به فرهنگ اسامی است، و معمولاً هر اسم جدید باید مفهومی یا مصداقی غیر فردی داشته باشد، زیرا وارد کردن اسامی مصداقی (فردی) در فرهنگ امری مشکل است.

مصداق غیر فرد

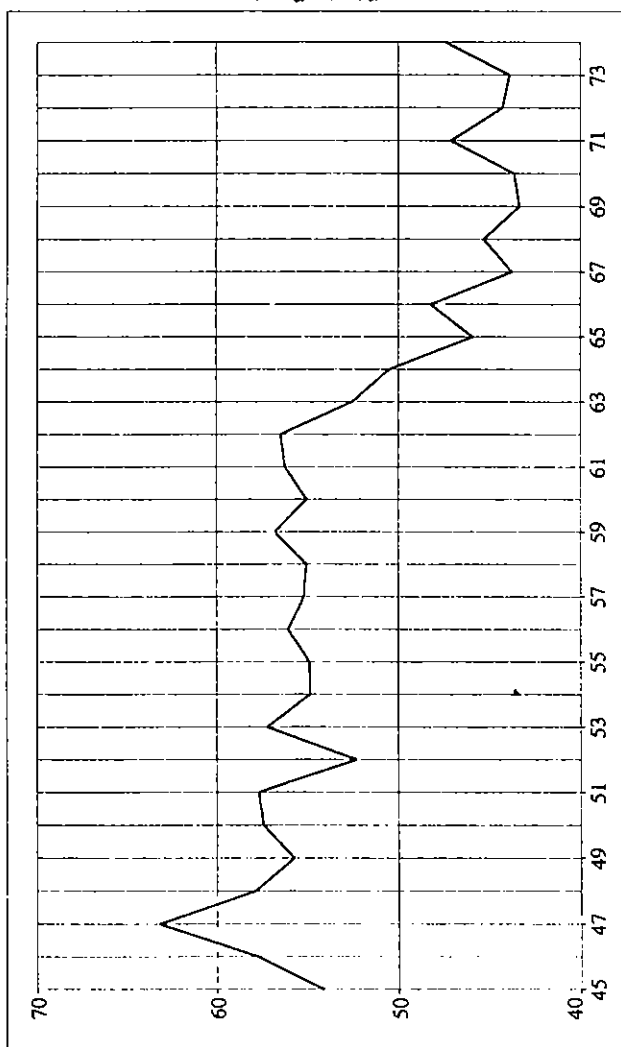
اسامی مصداقی غیر فرد فراز و نشیب بیشتری داشته است از ابتدای دوره تا اول انقلاب میان حداقل ۱۰ تا حداکثر ۱۱ درصد از کل اسامی در نوسان بوده، ولی پس از انقلاب، تا سال ۱۳۶۳ با کاهش ملموسی مواجه و به حداقل ۸/۴ درصد در سال ۱۳۶۱ رسید، ولی از سال ۱۳۶۴ رشدی قابل توجه یافت، بطوری که تعداد متوسط این اسامی از سال ۶۴ تا ۷۴ به حدود ۱۵ درصد از کل بالغ گشت و در سال ۱۳۷۲ به حداکثر مقدار خود یعنی ۱۶/۵ درصد رسید. تحلیل رگرسیونی مبین آن است که متغیرهای فرهنگی و جنسیت حدود ۲۳ درصد تغییرات این متغیر را تبیین می‌کنند، و با ثابت فرض کردن این متغیرها، نیز با گذشت زمان بر سهم این اسامی از کل اسامی افزوده می‌شود

اسامی مفهومی:

بدیهی است با کاهش اسامی مصداقی فردی، بر سهم اسامی مفهومی افزوده گردد. این

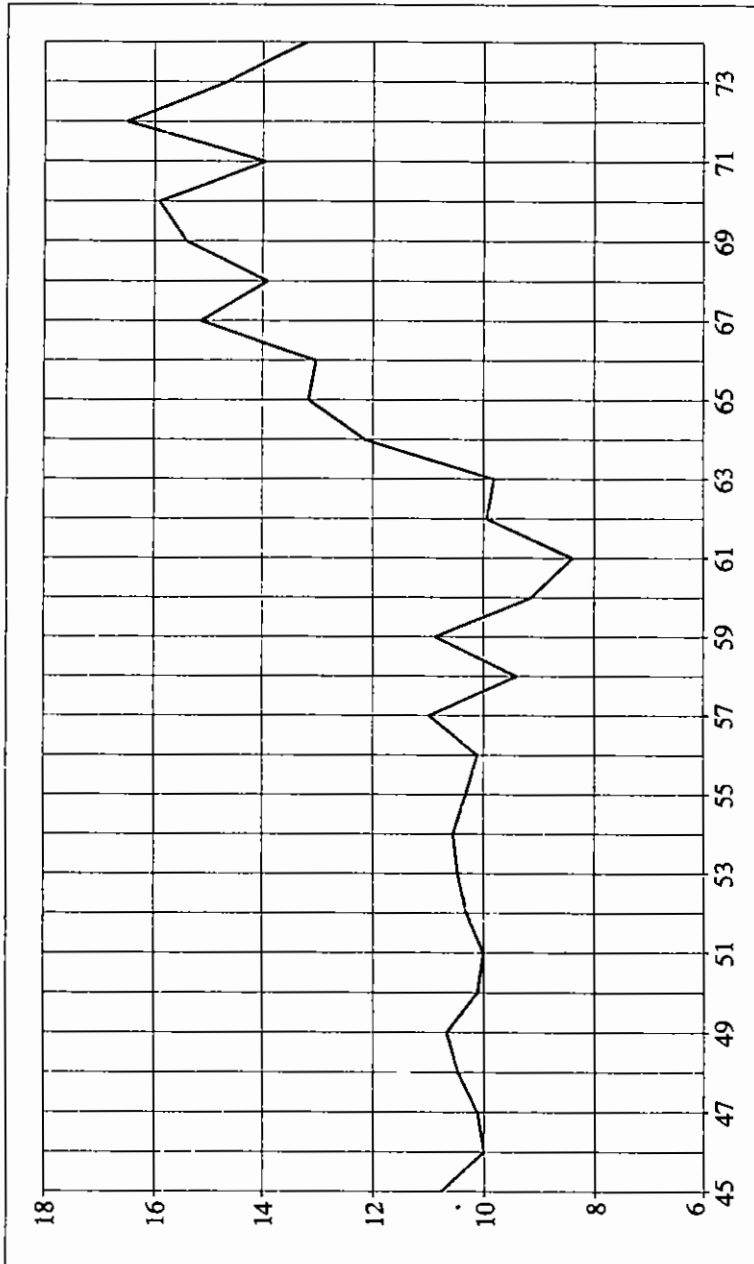
اسامی از ابتدای دوره مورد مطالعه تا سال ۱۳۶۲ بطور متوسط ۳۰ درصد از کل اسامی را بخود اختصاص می‌دادند، و افزایش و کاهش سهم آن روند گویایی را نشان نمی‌دهد ولی از سال ۱۳۶۳ با افزایشی قابل توجه مواجه شده بطوری که طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۷۴، بطور متوسط بیش از ۳۶ درصد از کل اسامی را شامل می‌شوند، و در حداکثر مقدار به ۳۸/۸ درصد در سال نمودار ۲۵- تحول نسبت اسامی مصداقی (فرد) در کل اسامی نامگذاری شده کودکان تهرانی

۱۳۷۵-۱۳۴۵



نمودار ۲۶- تحول نسبت اسامی مصداقی (غیر فرد) در کل اسامی نامگذاری شده کودکان

تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



۱۳۷۳ رسیده است. تحلیل رگرسیونی این متغیر نشان می‌دهد که حدود ۲۱ درصد تغییرات آن بوسیله متغیرهای فرهنگی و جنسیت تفسیر می‌شود و با فرض ثابت بودن این متغیرها، باز هم گرایش به سوی استعمال اسامی مفهومی بیشتر شده است.

۲/۲- ریشه

یکی از نمودهای فرهنگی در اسامی ریشه کلمات و اسامی است گرچه ارتباط و ثبقی میان ریشه کلمات با متغیر فرهنگ وجود دارد، ولی این ارتباط الزاماً صد در صد نیست. مثلاً چنین نیست که هر اسم با ریشه عربی، الزاماً اسلامی هم هست. گرچه عکس آن بشدت صادق است. بدین منظور سعی می‌شود تا حد ممکن این تفاوتها تبیین و تشریح شود؛ در این بخش از تحلیل اسامی ترکیبی و غیر عربی و فارسی به علت قلت تعداد صرف نظر می‌شود.

اسامی عربی

اسامی با ریشه عربی در دوره مورد بررسی بطور متوسط حدود ۷۰ درصد کل اسامی را شامل می‌شود^(۱) بدیهی است ارتباط تقریباً کامل اسامی با فرهنگ اسلامی و ریشه عربی و بالا بودن اسامی اسلامی علت وجودی این نسبت زیاد است.

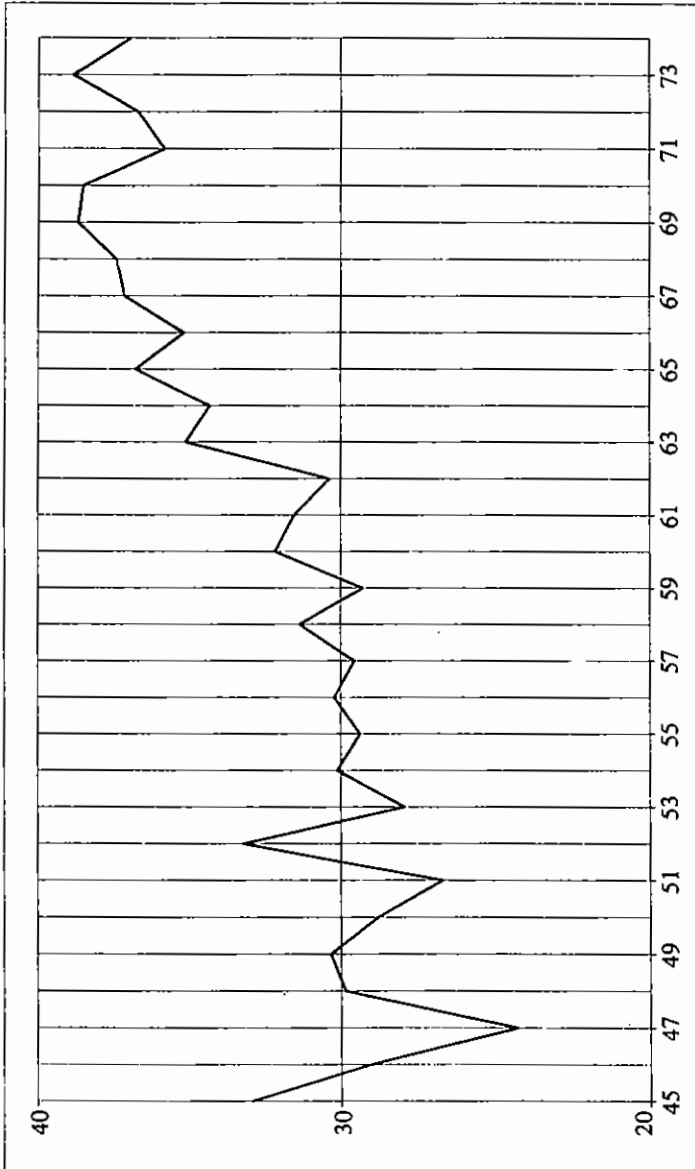
روند تغییرات نشان می‌دهد که نسبت اسامی عربی در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۵۳ یاده سال اول دوره مورد بررسی تقریباً در اطراف ۶۸ درصد است، ولی از سال ۱۳۵۳ افزایش یافته و در سال ۱۳۶۱ به حداکثر مقدار خود یعنی ۷۷ درصد می‌رسد، سپس با یک روند کاهشی مواجه و به حداقل مقدار خود یعنی ۵۸/۶ درصد از کل اسامی در سال ۱۳۷۲ می‌رسد.

واضح است که بخشی از تحولات مذکور ناشی از تغییرات فرهنگ اسامی است. محاسبات رگرسیونی نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد واریانس متغیر ریشه عربی اسامی از طرف متغیرهای فرهنگ اسامی و نیز جنسیت کودک تفسیر می‌شود، بدین معنا که برای دختران اسامی با ریشه عربی کمتر استعمال می‌شود. پس از حذف اثر متغیرهای مذکور از

متغیر ریشه عربی روند تغییرات به شرح نمودار خواهد شد.

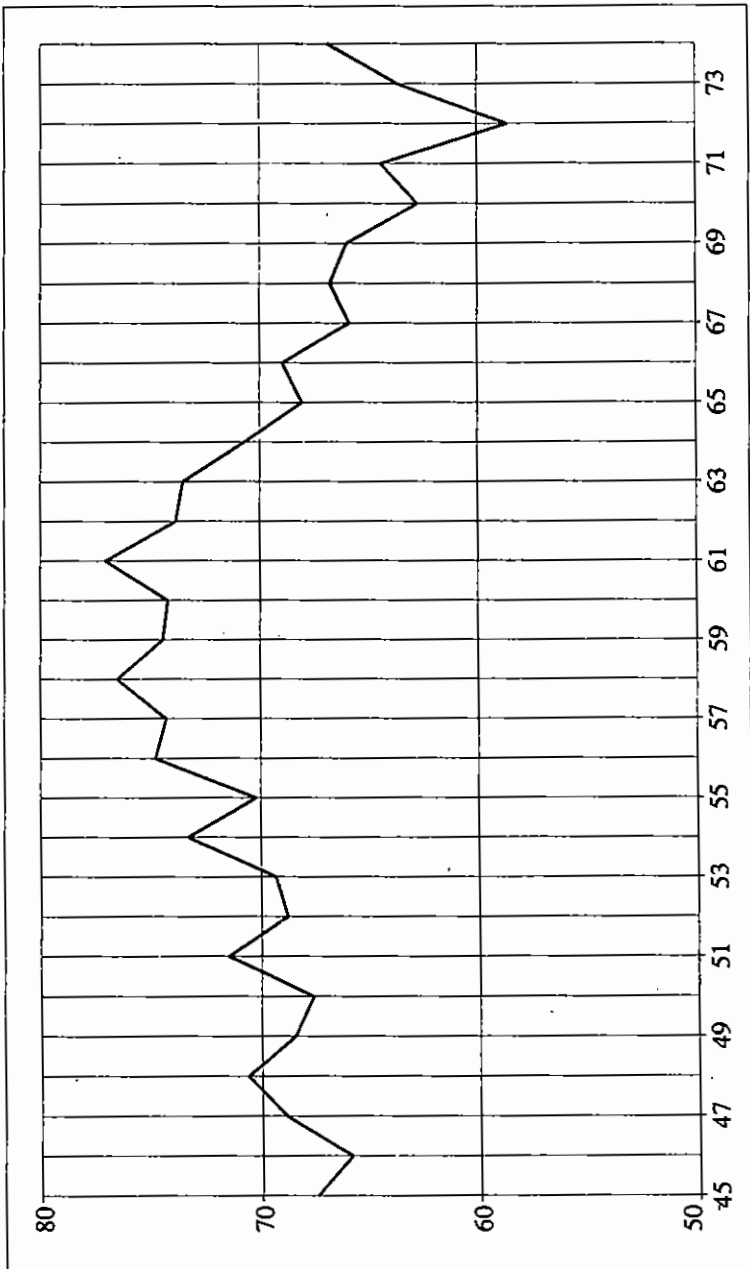
این نمودار نشان می‌دهد که در اوایل دوره مستقل از گرایشهای فرهنگی نامها و جنسیت نمودار ۲۷- تحول نسبت اسامی مفهومی در کل اسامی نامگذاری شده کودکان تهرانی

۱۳۷۵-۱۳۴۵

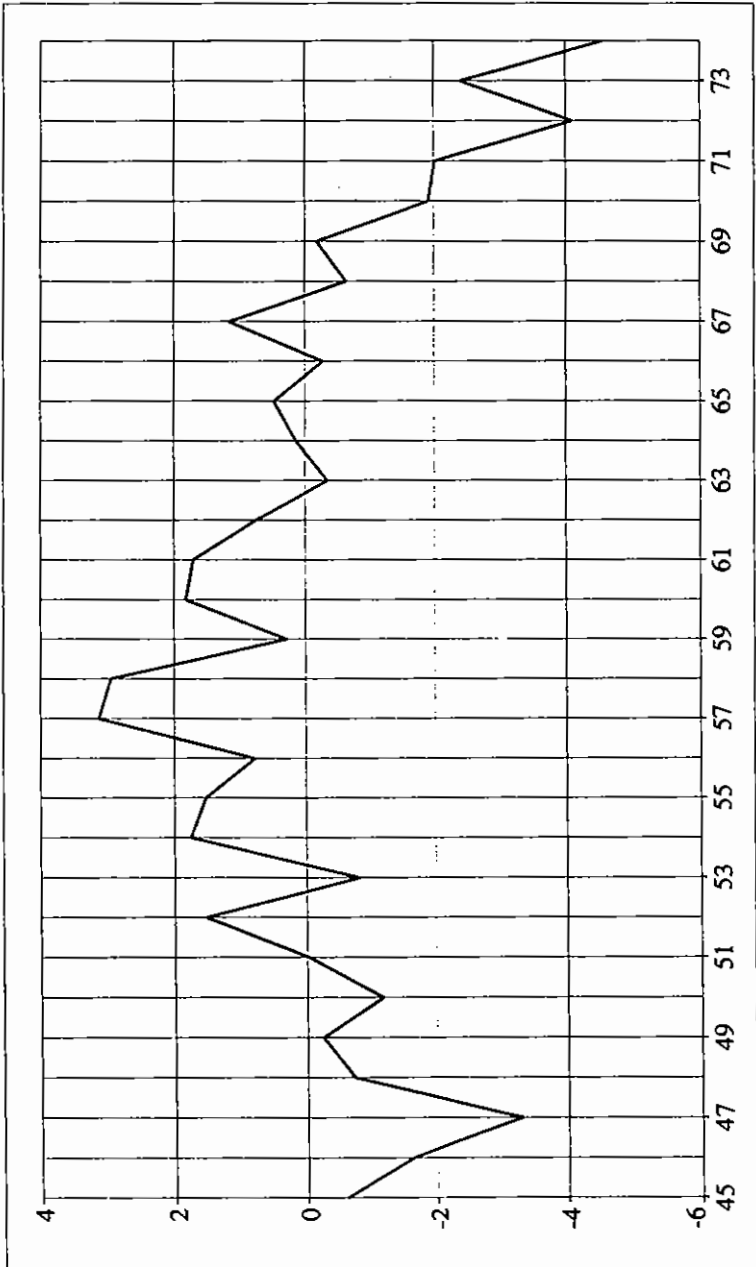


نمودار ۲۸- تحول نسبت اسامی با ریشه عربی در کل اسامی نامگذاری شده کودکان

تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۲۹- تحول نسبت اسامی با ریشه عربی در کل اسامی نامگذاری شده کودکان
تهرانی (پس از حذف اثر متغیرهای فرهنگی و جنسیت اسم) ۱۳۴۵-۱۳۷۵



کودک نامهای باریشه فارسی فراوانی بیشتری داشت. از سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ این گرایش تغییر کرده و تا سال ۱۳۶۲ اسامی باریشه عربی مطلوبیت و کاربرد بیشتری یافت، سپس از سال ۱۳۶۸ روند با شدت هر چه بیشتری منعکس، و در سالهای آخر ۱۳۷۱-۱۳۷۴ این فرآیند تشدید شده است. این نمودار حکایت از گرایش مستقل به اسامی باریشه فارسی در سالهای اخیر، مستقل از انواع گرایشهای فرهنگی اسامی است.

اسامی فارسی

از آنجا که حدود ۹۸ درصد اسامی رایج و بکار برده شده در خصوص کودکان تهرانی، یا فارسی یا عربی است و درصد دیگری نیز اسامی ترکیبی است که یک جزء آن فارسی و جزء دیگر عربی است و کمتر از یک درصد اسامی باریشه ترکی یا بیگانه وجود دارد، لذا بدیهی است که تحول متذکر شده در خصوص اسامی عربی، عیناً و به صورت معکوس برای اسامی باریشه فارسی صادق است.

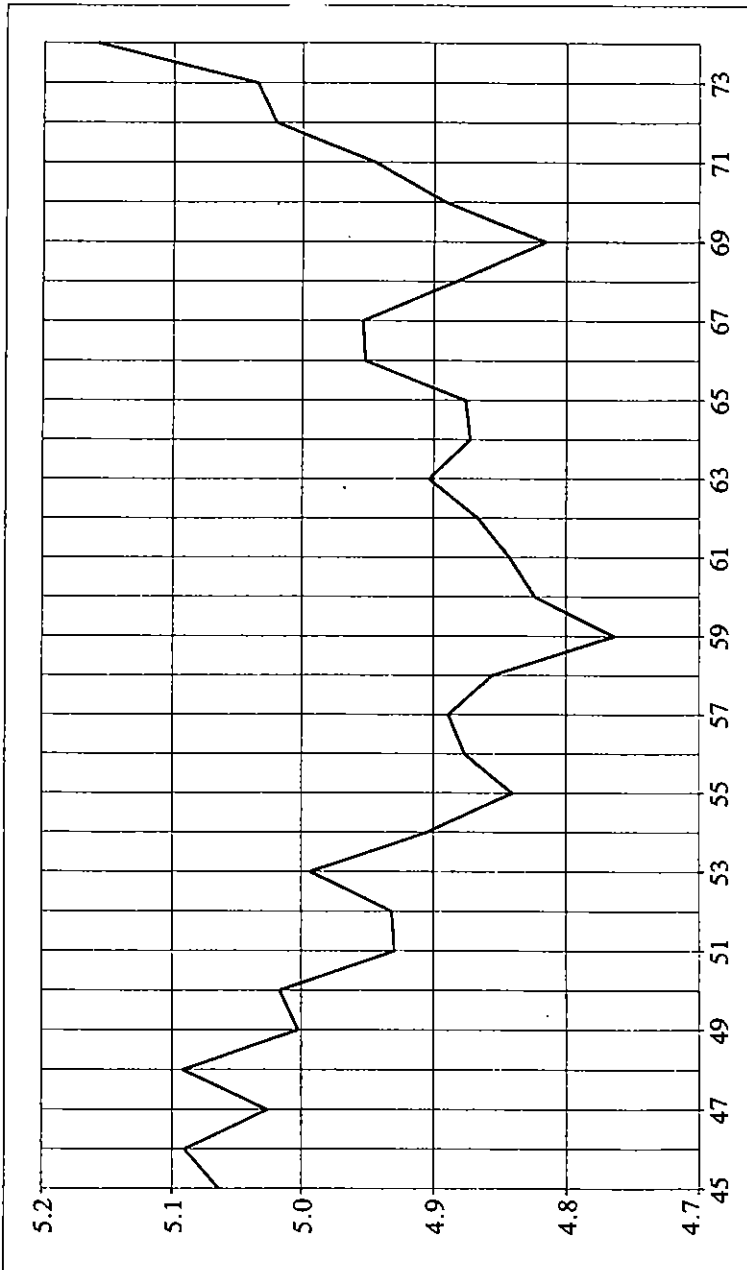
۲/۳- حروف

اگر چه تغییرات حروف اسامی پس از مدتی کاهش کم می شود، و تحول اصلی در این زمینه میان اسامی پدران و مادران با فرزندان قابل مشاهده است. متوسط حروف اسامی پدران ۵/۵۳ و مادران ۴/۹۷ حرف است، در حالی که این مقادیر برای پسران ۴/۹۹ و برای دختران ۴/۸۴ حرف است که حکایت از کاهش معنادار در تعداد حروف اسامی پسران نسبت به پدران می نماید. با این وجود نمودار تغییرات حروف برحسب سالهای مورد مطالعه حکایت از تغییراتی مختصر در تعداد حرف اسامی می نماید. تعداد حروف به مرور زمان تا سال ۱۳۵۹ کاهش یافته و از حداکثر ۵/۰۹ حرف در هر اسم به حداقل ۴/۷۶ حرف در هر اسم می رسد، سپس با تغییر تدریجی به حداکثر ۵/۱۶ در سال ۱۳۷۴ افزایش می یابد.

۲/۴- سیلاب

تعداد سیلاب اسامی ظاهراً قبل از دوره مورد مطالعه به حداقل ممکن خود رسیده و

نمودار ۳۰- تحول تعداد حروف اسامی کودکان نامگذاری شده تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



امکان کاهش بیش از آن میسر نیست، این امر از مقایسه تعداد سیلابهای اسامی پدران با پسران با دختران با مادران قابل درک است. متوسط سیلاب اسامی پدران ۳/۰ است، در حالی که این مقدار برای پسران برابر ۲/۶۷ است. متوسط سیلاب اسامی مادران برابر ۲/۶۴ بوده و مقدار آن برای دختران ۲/۵۸ است. این امر نشان می‌دهد که کاهش سیلاب اسامی صرفاً برای پسران اتفاق افتاده است، و برای دختران این کاهش چشمگیر و معنادار نیست. زیرا که قبلاً سیلاب اسامی مادران به حدود حداقل خود رسیده است. گرچه در اواسط دوره مورد مطالعه یعنی سالهای ۱۳۵۴-۱۳۶۰ اندکی از سیلاب اسامی کاسته می‌شود، لیکن در مجموع می‌توان مدعی شد که به لحاظ رسیدن اسامی به حد بهینه، سیلاب اسامی حداکثر کاهش خود را طی کرده است. در مجموع گرایش عمده و غالب به اسامی با سیلاب ۲ و ۳ است.

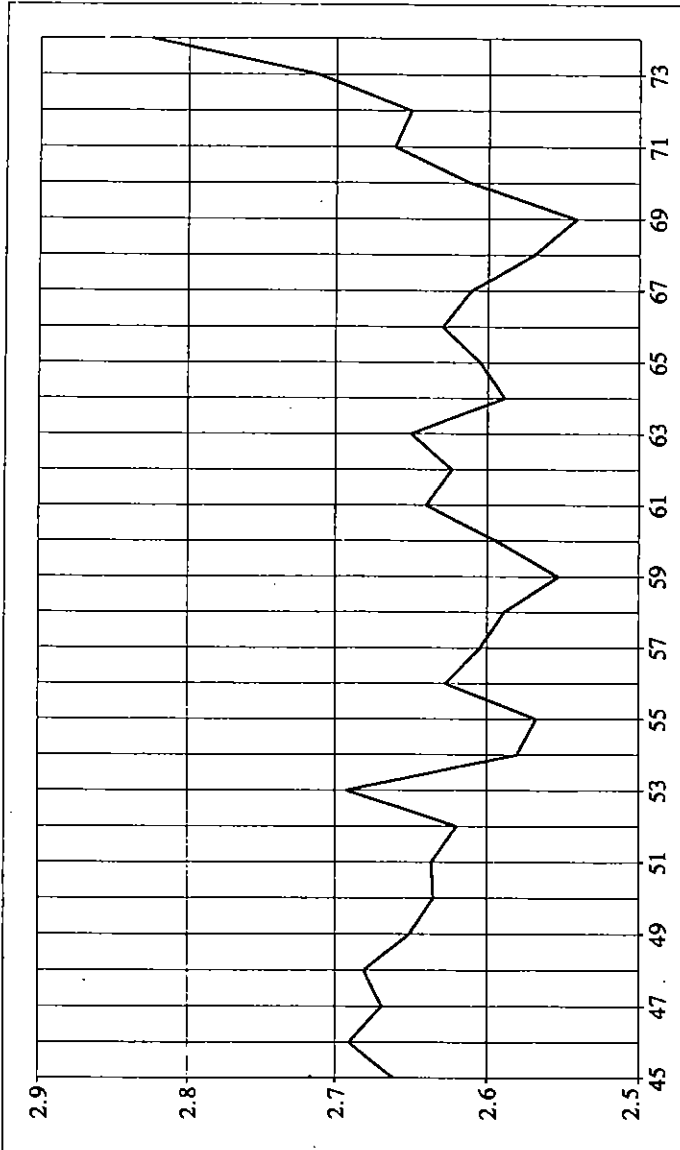
۲/۵- پیشوند و پسوند

تعداد اسامی کودکان مورد مطالعه در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۷۴ که دارای یکی از پیشوندها و پسوندهای مورد نظر بوده‌اند، حدوداً ۵/۱ درصد کل اسامی است (پسران ۶/۱ درصد و دختران ۴/۱ درصد) و این نسبت تقریباً در طول دوره یکسان است. در مقابل تعداد اسامی پدران که واجد این ویژگی بوده‌اند ۱۰/۲ درصد و مادران کودکان مورد مطالعه، ۶/۴ درصد بوده است. این امر نشان دهنده آن است که تفاوت اصلی از این حیث میان فرزندان و اولیای آنان است که اسامی دارای پیشوند و پسوند در فرزندان کاهش یافته است.

علی‌رغم ثبات نسبت اسامی پیشوند و پسوند دار در کودکان مورد مطالعه، یک تغییر در آن قابل مشاهده است از آنجا که بخش مهمی از پیشوند و پسوندها مربوط به انتساب خاندان رسول‌الله است، و این نسبت عموماً از طرف سادات بر فرزندان نشان اطلاق می‌شود لذا در صورت حذف سادات از اسامی، مشاهده می‌شود که نسبت تعداد اسامی پیشوند و پسوند دار در طول زمان بشدت کاهش پیدا می‌کند. و احتمالاً در آینده به صفر خواهد رسید.

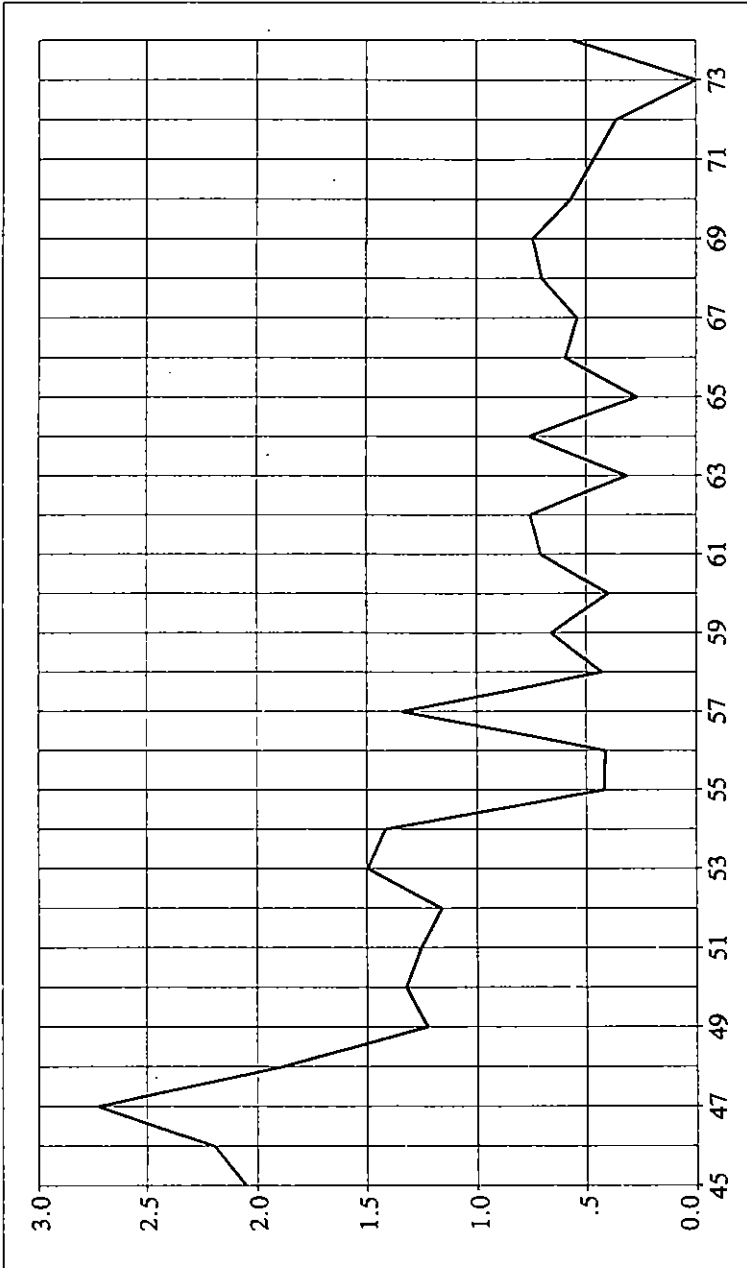
حدود ۴/۴ درصد پدران دارای پیشوند یا پسوند سید بودند، و در پسران نیز حدود ۴/۸ درصد چنین لقبی را در اسم دارند. در حالی که مادران تنها ۲/۲ درصد چنین نسبتی را واجد

بودند، دختران آنها، حدود ۳/۷ درصد چنین خصیلتی را در اسم به همراه داشتند این امر نشان می‌دهد که اولاً؛ تأکید بر ذکر سیادت در اسم همواره در پسران بیشتر از دختران بوده است، ولی این فاصله در دوره مورد مطالعه کمتر از گذشته شده است. بعلاوه تحول در استفاده از نمودار ۳۱- تحول تعداد سیلاب اسامی کودکان نامگذاری شده تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵



نمودار ۳۲- تحول نسبت اسامی پیشوند و پسونددار (غیر سید) در کودکان تهرانی

۱۳۷۵-۱۳۴۵



پیشوند و پسوند سید در دوره سی ساله مورد مطالعه نشان می‌دهد که با گذشت زمان نسبت این اسامی رو به افزایش نهاده است.

گرچه احتمال افزایش زاد و ولد سادات نسبت به دیگران می‌تواند دلیل این پدیده باشد، لیکن سرعت تغییرات بیش از پنین احتمالی به نظر می‌رسد.

۲/۶- ساخت ترکیبی

به نظر می‌رسد که تحول در اسامی ترکیبی نیز قبل از دوره مورد مطالعه حدوداً مراحل پایانی خود را گذرانده است پدران افراد مورد مطالعه، دارای ۳۱/۷ درصد اسامی ترکیبی بودند، و مادرانشان نیز ۴/۹ درصد چنین اسامی را داشتند، در حالی که ۱۸/۱ از پسران مورد بررسی اسامی ترکیبی دارند و این نسبت در مورد دختران به ۱/۲ درصد کاهش یافته است. اسامی ترکیبی از سال ۱۳۵۷ شروع به کاهش می‌کند و این کاهش تا سال ۱۳۷۰ ادامه دارد و مجدداً پس از این سال با اندکی افزایش روبرو می‌گردد. ولی در مجموع می‌توان گفت که به مرور زمان از سهم ترکیبی در نامهای کودکان تهرانی کاسته شده است.

۲/۷- نرمی و سختی حروف

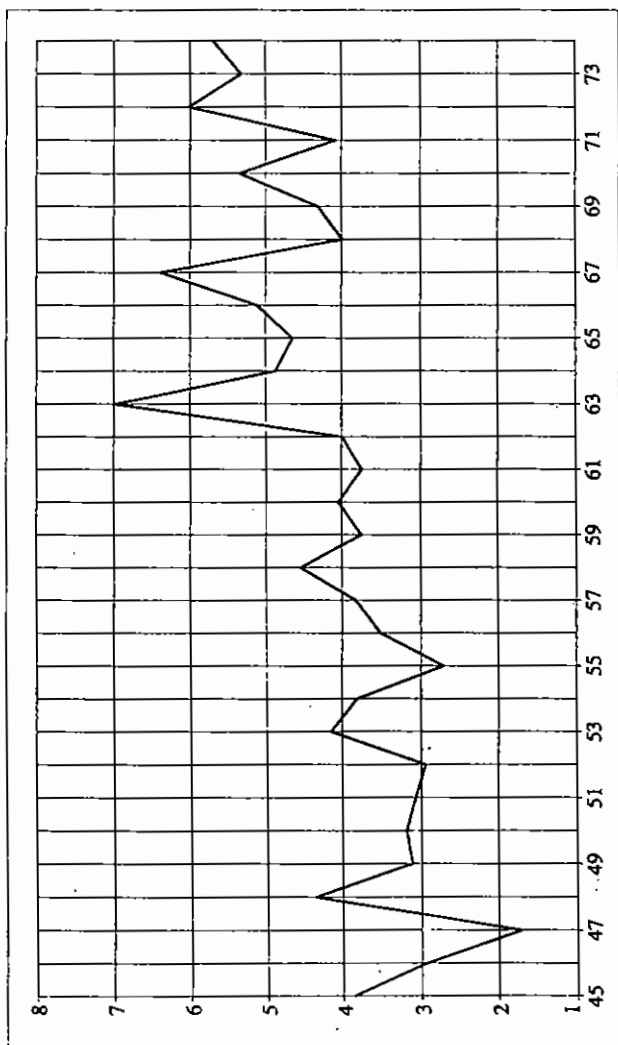
بطور کلی سیزده حرف از سی و دو حرف فارسی جزو اسامی سخت طبقه‌بندی می‌شوند، به عبارت دیگر حدود ۴۰/۶ درصد حروف را حروف سخت تشکیل می‌دهند. اگر این نسبت را در حروف اسامی بکار برده شده در سی سال مورد مطالعه بدست آوریم تنها برابر ۲۴/۲ درصد می‌شود به عبارت دیگر به نحو چشمگیری در اسامی رایج تعداد حروف سخت کمتر از این تعداد در کل حروف الفباست.

تحول قابل توجهی در نسبت حروف سخت در اسامی اطلاق شده به کودکان تهرانی در دوره مورد بررسی دیده نمی‌شود، تنها در مورد دختران طی سالهای ۱۳۴۹-۱۳۶۰ اندکی از سختی حروف کاسته می‌شود که عمدتاً ناشی از تحول در فرهنگ اسامی است.

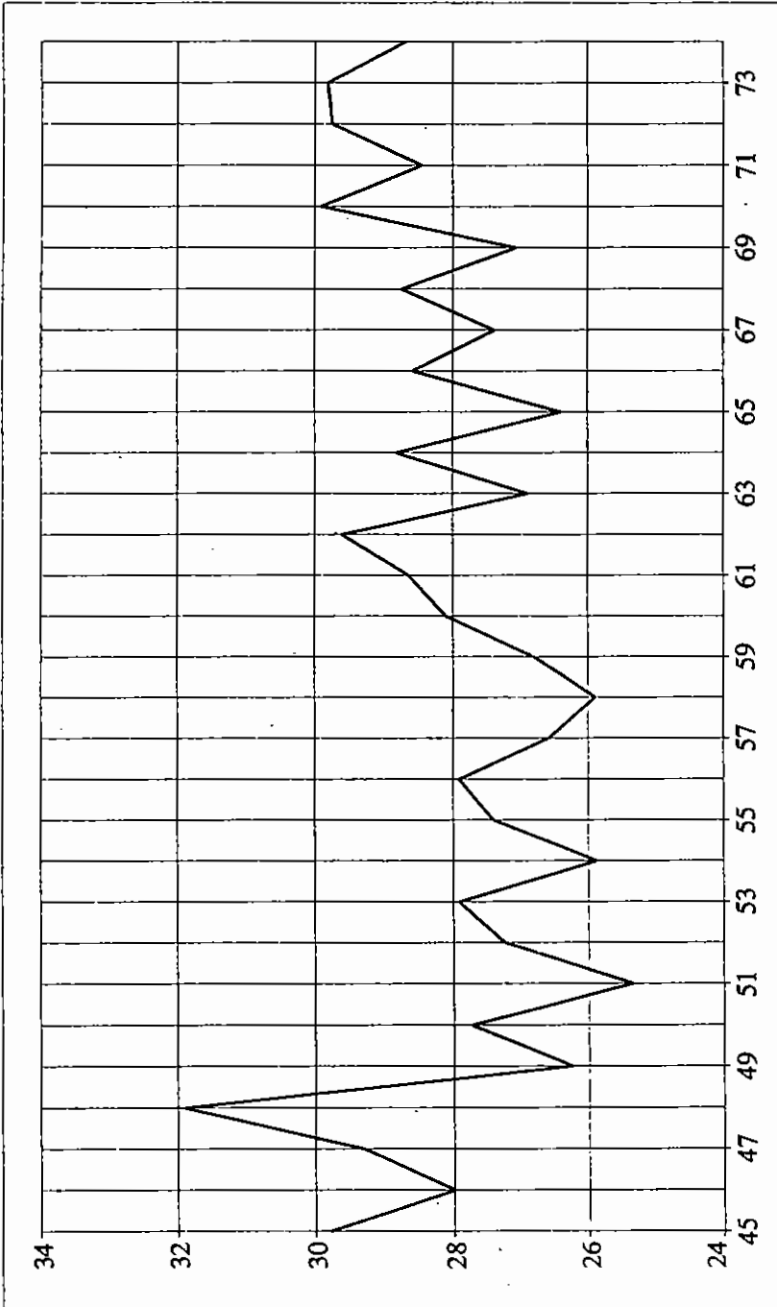
۳- جزئیات تحول

آنچه که تاکنون گفته شد مربوط به سیر تحول در طول دوره سی ساله بود، در این بخش به جزئیات تحول فرهنگی برحسب نامهای پدران با پسران و مادران با دختران پرداخته می شود.

نمودار ۳۳- تحول نسبت اسامی با پیشوند و پسوند سید در کودکان تهرانی ۱۳۴۵-۱۳۷۵

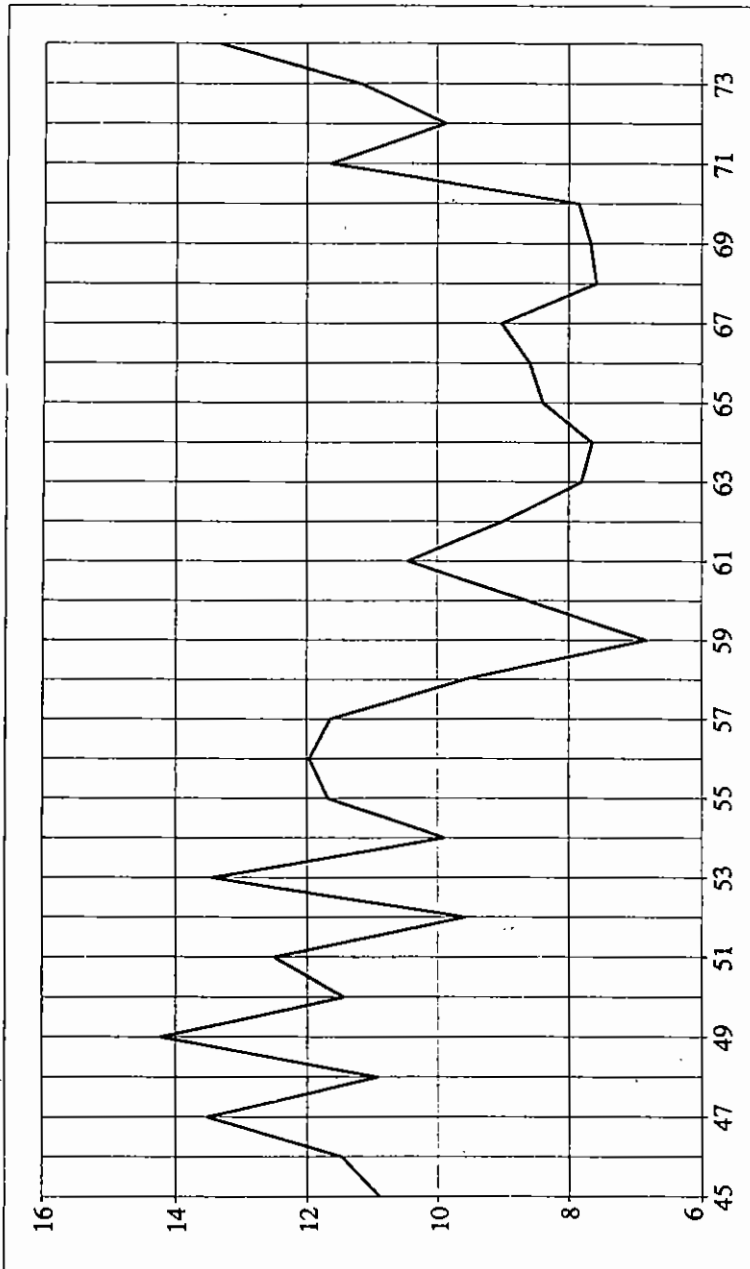


نمودار ۳۴- تحول نسبت اسامی ترکیبی در کل اسامی کودکان تهرانی ۱۳۲۵-۱۳۷۵



نمودار ۳۵- تحول درصد حروف سخت به کل حروف در اسامی دختران تهرانی

۱۳۴۵-۱۳۷۵



لازم به ذکر است که تحول فرهنگی در اصل میان پدران و مادران فرزندان به دنیا آمده با پدران یا مادران خودشان است، به عبارت دیگر تحول میان کسانی است که در لحظه تولد اختیار نامگذاری کودک را داشته اند در مقایسه با پدران و مادران خودشان که در گذشته بر آنها نامی اطلاق کرده اند. یک پرسش مقدر در شناخت تحول مذکور این است که جزئیات آن بر حسب فرهنگهای گوناگون چگونه است؟ به عبارت دیگر انتقال از هر فرهنگ به کدامیک بیشتر یا کمتر است؟

برای پاسخ به این پرسش جداول تقاطعی فرهنگ نامهای پدران با پسران و نیز مادران با دختران را بدست آورده و به تفسیر و تحلیل جزئیات تحول پرداخته می شود. برای تحلیل جداول حاصل درصد اسامی فرزندان را در هر مقوله فرهنگ با درصد اسامی پدران در آن ردیف مقایسه می کنیم تا میزان انتقال و تغییر میان فرهنگی مشخص شود. درصدهای اسامی غربی در پدران و پسران به علت قلت تعداد قابل مقایسه و تعمیم نیست، لذا در زمینه جدول اول از اسامی ملی شروع می کنیم.

در حالی که ۹/۱ درصد اسامی پسران در ذیل مقوله ملی قرار گرفته اند، ولی ۱۸/۲ درصد از پدران دارای اسامی ملی، فرزندان پسر خود را نیز به این نوع از اسامی منسوب کرده اند (دقیقاً ۲ برابر).

جدول ۶۹/ رابطه فرهنگ اسامی پدران با پسران (درصد)

تعداد	خرده فرهنگ	پسران				پسران
		اسلامی	ختی	ملی	غربی	
۶	۰	۱۶/۷	۳۳/۳	۳۳/۳	<u>۱۶/۷</u>	غربی
۱۰۷۳	۱/۱	۵۵/۷	۲۴/۸	<u>۱۸/۲</u>	۰/۲	ملی
۱۱۸۴	۰/۹	۶۲/۰	<u>۲۵/۴</u>	۱۱/۶	۰/۱	ختی
۱۲۸۷۵	۰/۶	<u>۷۵/۵</u>	۱۵/۴	۸/۴	۰/۰	اسلامی
۱۵۴۰	<u>۱/۰</u>	۷۹/۰	۱۳/۴	۶/۶	۰/۰	خرده فرهنگ
۱۶۶۷۸	۱۲۰	۱۲۲۶۴	۲۷۶۴	۱۵۲۲	۸	تعداد
(۱۰۰)	(۰/۷)	(۷۳/۵)	(۱۶/۶)	(۹/۱)	(۰/۰۵)	(درصد)

جدول ۷۰/ رابطه فرهنگ اسامی مادران با دختران (درصد)

تعداد	خرده فرهنگ	دختران				دختران
		اسلامی	ختی	ملی	غربی	
۵۳	۵/۷	۱۷/۰	۵۸/۵	۷/۵	<u>۱۱/۳</u>	غربی
۳۹۹	۲/۸	۴۰/۱	۴۹/۵	<u>۵/۰</u>	۲/۳	ملی
۵۸۰۷	۲/۳	۴۰/۵	<u>۵۲/۶</u>	۳/۳	۱/۳	ختی
۸۶۶۱	۱/۴	<u>۴۹/۲</u>	۴۶/۳	۲/۳	۰/۸	اسلامی
۶۵۶	<u>۰/۸</u>	۵۷/۶	۳۹/۸	۱/۷	۰/۲	خرده فرهنگ
۱۵۵۷۶	۲۷۶	۷۱۵۹	۷۵۵۷	۴۲۴	۱۶۰	تعداد
(۱۰۰)	(۱/۸)	(۴۶/۰)	(۴۸/۵)	(۲/۷)	(۱/۰)	(درصد)

۲۴/۸ درصد از پدرانی که اسامی ملی دارند، برای فرزندان خود اسامی ختی برگزیده‌اند در حالی که وزن این نوع از اسامی در پسران تنها ۱۶/۶ درصد است، به عبارت دیگر حدود ۱/۵ برابر بیش از این وزن، گرایش افراد دارای اسامی ملی به انتساب اسامی ختی بر فرزندانشان

است در صورتی که این نسبت را برای خانه‌های جداول مورد نظر حساب کنیم نتایج زیر حاصل می‌شود.

جدول ۷۷ تحول میان اسامی پدران و پسران بر حسب فرهنگ (۱)

اسلامی	خنثی	ملی	پسر / پدر
۰/۸۶	۱/۴۹	۲/۰۰	ملی
۰/۸۴	۱/۵۳	۱/۲۷	خنثی
۱/۰۳	۰/۹۳	۰/۹۲	اسلامی

ملاحظه می‌شود پدرانی که دارای اسامی ملی هستند، دو برابر بیش از مقدار مورد انتظار اسامی فرزندان خود را از موارد فرهنگ ملی انتخاب کرده‌اند، این گروه همچنین ۱/۵ برابر بیش از مقدار مورد انتظار اسامی فرزندان خود را از اسامی با بار فرهنگی خنثی برگزیده‌اند. و در مقابل ۲۴ درصد کمتر از حد انتظار اسامی اسلامی را بر پسران خود اطلاق کرده‌اند.

مردانی که اسامی آنان به لحاظ طیف فرهنگی مورد مطالعه خنثی بوده است بیش از حد مورد انتظار گرایش داشته‌اند که اسامی فرزندان پسر خود را نیز از همین گرایش انتخاب کنند، این رقم تا ۱/۵۳ برابر نسبت مورد انتظار بالغ می‌شود کمی کمتر از این نسبت نیز گرایش به انتخاب اسامی ملی برای فرزندان پسر خود داشته‌اند (۱/۲۷) و در مقابل ۱۶ درصد کمتر از حد مورد انتظار اسامی اسلامی برای پسران خود برگزیده‌اند.

پدرانی که واجد اسامی اسلامی بوده‌اند؛ اندکی بیش از حد مورد انتظار، اسامی اسلامی را برای پسران خود برگزیده‌اند (۱/۰۳ برابر) و حدود ۷ و ۸ درصد نیز کمتر از حد مورد انتظار اسامی خنثی و ملی را انتخاب کرده‌اند. در مجموع می‌توان گفت تبدیل گرایش ملی به خنثی بیش از خنثی به ملی است، اسلامی به ملی نیز بیش از ملی به اسلامی و بالاخره اسلامی به خنثی بیش از خنثی به اسلامی است. در صورتی که تعداد اسامی قطر جدول را با یکدیگر جمع و بر کل اسامی تقسیم کنیم، رقم ۶۲/۲ درصد بدست

۱- اسامی غربی و خرده فرهنگ به علت قلت تعداد و بی‌اعتباری نسبتها به لحاظ تعمیم از جدول حذف شده‌اند.

می‌آید که به منزله افرادی است که اسامی مشابه اسم خود (به لحاظ بار فرهنگی) برای پسرانشان برگزیده‌اند و $37/8$ درصد نیز متفاوت عمل کرده‌اند.

جدول تحول برای مقایسه اسامی مادران و دختران واجد دگرگونی بیشتری است، تنها حدود $47/2$ درصد از اسامی مادران و دختران با یکدیگر مقوله فرهنگی مشترکی دارند، و $52/8$ درصد تفاوت فرهنگی میان آنها مشاهده می‌شود.

جدول ۷۲۱ تحول میان اسامی مادران و دختران بر حسب فرهنگ

مادر	دختر	غربی	ملی	خنثی	اسلامی	خرده فرهنگ
غربی		$11/3$	$2/8$	$1/2$	$0/4$	$3/2$
ملی		$2/3$	$1/9$	$1/0$	$0/9$	$1/6$
خنثی		$1/3$	$1/2$	$1/1$	$0/9$	$1/3$
اسلامی		$0/80$	$0/85$	$0/95$	$1/07$	$0/78$
خرده فرهنگ		$0/20$	$0/62$	$0/82$	$1/25$	$0/44$

مادرانی که اسامی غربی دارند، بیشترین گرایش را به اطلاق اسم غربی بر دخترانشان دارند. فراموش نشود که بخشی قابل توجهی از این مادران اتباع خارجی هستند، و ضمناً به علت قلت تعداد اسامی مادران حکم معتبری بر این نسبت نمی‌توان داد.

مادرانی که اسامی ملی دارند، $2/3$ برابر بیش از حد مورد انتظار اسامی دخترانشان گرایش غربی دارد و حدود دو برابر مورد انتظار نیز گرایش فرهنگی اسامی دخترانشان ملی است، و با توجه به اقلیت اسامی خنثی و اسلامی گرایش به این دو حوزه فرهنگی چندان تفاوتی با مقادیر مورد انتظار ندارد.

مادرانی که دارای اسامی خنثی هستند نیز به نسبت اندکی بیش از مقادیر مورد انتظار به ترتیب گرایش به انتخاب نامهای غربی، ملی و خنثی و کمتر از مقدار مورد انتظار برای اسامی اسلامی دارند. در مقابل مادرانی که اسامی اسلامی دارند، کمتر از حد مورد انتظار اسامی دختران خود را غربی، ملی و خنثی برمی‌گزینند و بیشتر گرایش به سوی انتخاب اسامی

اسلامی برای دختران خود دارند. و بالاخره مادرانی که دارای اسامی خرده فرهنگی هستند، در درجه اول اسامی دختران خود را اسلامی و سپس خنثی برمی‌گزینند، و در مراحل بعد اسامی ملی را انتخاب می‌کنند.

مقایسه جدول اسامی پدر- پسر با جدول مادر- دختر نشان می‌دهد که متابعت اسامی پسران از پدران بسیار بیشتر از این امر در خصوص متابعت دختران از مادران است.

نتیجه

ویژگیهای نامهای کودکان تهرانی طی سی سال ۱۳۴۵-۱۳۷۴ عموماً متحول شده است، و بر حسب ویژگی مورد مطالعه دو نوع تحول را می توان مشاهده کرد. نوع اول تحولاتی است که طی آن شاخص متغیر مورد نظر به مرور زمان کاهش یا افزایش یافته است. و نوع دوم تحولاتی است که در مقاطع خاص افزایش (یا کاهش) و سپس کاهش (یا افزایش) داشته است. و این مقاطع زمانی به لحاظ تحول فرهنگی جامعه از اهمیت خاصی برخوردارند. به طور کلی سه مقطع زمانی ۵۴-۵۶ و ۶۲-۶۳ و ۶۷-۶۸ را می توان نقاط عطف فرهنگی و طبعاً سیاسی نیز دانست. از مقطع اول گرایش به فرهنگی اسلامی رشد می کند و تا مقطع دوم ادامه دارد، سپس از مقطع دوم کاهش می یابد، مقطع سوم نیز برخی دیگر از ویژگیهای فرهنگی دچار تحول می گردد.

بخش عمده تحول فرهنگی و انتقال فرهنگ از طریق اسامی گذارده شده بر پسران انجام می گیرد و معمولاً تحولات اسامی پسران معنادارتر است. ضمن آن که اسامی خنثی عموماً بر دختران اطلاق می شود و روند رو به رشد این نوع اسامی چشمگیر است. در واقع می توان گرایش در نامگذاری کودکان را به سوی دور شدن از قالبهای فرهنگی موجود ارزیابی کرد گرچه هنوز هم گرایش غالب فرهنگی اسامی اسلامی است.

روندهای ثابت فرهنگی کاهش اسامی خرده فرهنگی با مصادیق قدیم به ویژه در پسران است. و در مقابل افزایش اسامی خرده فرهنگ ترک زبان در میان دختران است که به مرور در حال تبدیل شدن به اجزای شناخته شده فرهنگ خنثی (به معنای بکار رفته در این تحقیق) است.

روند ثابت دیگر کاهش اسامی سنتی اسلامی است در مقابل ثبات نسبت اسامی ملی-مذهبی در کل اسامی اسلامی است. روندهای متغیر بیشتر از همه در اسامی ایدئولوژیک مشاهده می شود. که بر اثر انقلاب به سرعت افزایش و سپس از مقطع دوم با کاهش نسبی مواجه می شود.

یکی دیگر از گرایشهای ثابت کاهش اسامی مصداقی (فرد) و افزایش اسامی مفهومی است. همچنین کاهش اسامی دارای پیشوند و پسوند (به ویژه پیشوند و پسوند غیر سید) روند نسبتاً ثابتی دارد و در حال رسیدن به حداقل ممکن و صفر است.

تعداد سیلاب و حروف اسامی ظاهراً قبل از دوره مطالعه به حد بهینه خود رسیده بود و دیگر امکان کاهش قابل توجهی در آن وجود ندارد. این وضع برای اسامی ترکیبی نیز صادق است. در مقابل ریشه اسامی وابستگی شدیدی به فرهنگ دارد که با افزایش فرهنگ اسلامی ریشه‌ها نیز عربی می‌شود. لیکن مطالعات نشان داد که مستقل از گرایش فرهنگی نیز پس از یک افزایش در اسامی با ریشه عربی، نسبت این اسامی در حال کاهش است.

شدت روند تحولات فرهنگی از اسلامی و ملی به خنثی بیش از روندهای دیگر است. با این حال تاکید بر بقاء در گرایش ملی بیش از بقیه موارد است.

فصل ششم

تغییر نام

اگر چه بر حسب مفاهیم و فرهنگ اطلاق شده بر هر اسم و نامی می توان سیر تحولات این مفاهیم و فرهنگ را معین کرد، لیکن از گذشته یک پدیده دیگر نیز مشاهده می شده است که مانع تعمیم نتایج مذکور از اسامی رسمی و ثبت شده در شناسنامه به کل جامعه می گردد. این پدیده وجود افراد دو اسمی است که معمولاً از ابتدای زندگی خانواده یا خود فرد نام دیگری را بجای نام رسمی و ثبت شده در شناسنامه برای فرد انتخاب می کند، چون تغییر رسمی نام کوچک سخت و بعضاً نشدنی است این تحول در شناسنامه ها نیز ثبت نمی شود. برای روشن شدن وضعیت افراد دو اسمی پرسشنامه ای در ۱۸ مدرسه ابتدایی، راهنمایی و متوسطه دخترانه و پسرانه در مناطق مختلف تهران توزیع شد که این پرسشنامه ها حاوی متغیرهای، منطقه، مقطع تحصیلی، جنسیت، نام کوچک در شناسنامه، نام کوچک در خانواده و تاریخ تولد بود، که در مجموع ۶۵۹۶ نفر به شرح جدول زیر مورد پرسش قرار گرفتند. البته به دلیل آن که تعداد دانش آموزان مدارس نمونه گیری شده با یکدیگر مساوی نبودند، تناسبی میان نمونه های انتخابی و حجم واقعی جامعه آماری بدست نیامده برای رفع این مشکل کفایت در تحلیل اولیه متغیر جنسیت کنترل شود و از تعمیم نتایج به کل جامعه آماری نیز حتی المقدور پرهیز گردد.

جدول ۷۳۱ فراوانی افراد پرشش شونده بر حسب جنسیت و مقطع آموزشی

مقطع / جنسیت	دختر	پسر	جمع
ابتدایی	۱۴۳۱	۴۸۰	۱۹۱۱
راهنمایی	۱۳۹۸	۸۱۹	۲۲۱۷
متوسطه	۱۴۷۳	۹۹۵	۲۴۶۸
جمع	۴۳۰۲	۲۲۹۴	۶۵۹۶

از میان پرشش شوندگان ۴۷۳ نفر یعنی حدود ۷/۲ درصد افراد دارای دو اسم بوده‌اند، که این نسبت میان دختران و پسران به نحو چشمگیری متفاوت است.

جدول ۷۴۱ مقایسه فراوانی افراد پرشش شونده و دو اسمی بر حسب جنسیت

	دختر	پسر	جمع
نمونه آماری	۴۳۰۲	۲۲۹۴	۶۵۹۶
دو اسمی‌ها	۳۷۶	۹۷	۴۷۳
	(۸/۷)	(۴/۲)	(۷/۲)

مشاهده می‌شود، در حالی که ۸/۷ درصد دختران پرشش شونده واجد دو اسم رسمی و غیر رسمی بوده‌اند، پسران تنها ۴/۲ درصد واجد چنین ویژگی بوده‌اند، و به عبارت دیگر دختران بیش از دو برابر پسران دارای اسمی غیر رسمی و خانوادگی هستند. در صورتی که تعداد افراد دو اسمی را بر حسب مقطع تحصیلی و فراوانی پرشش شوندگان در این مقاطع مقایسه کنیم نتایج به نحو دیگری خواهد بود.

جدول ۷۵/ نسبت فراوانی افراد دو اسمی پرش شونده بر حسب مقطع تحصیلی و جنسیت (درصد)

مقطع / جنسیت	دختر	پسر
ابتدایی	۸/۷	۸/۵
راهنمایی	۶/۲	۱/۷
متوسطه	۱۱/۳	۴/۲

به نظر می‌رسد که متولدین اول انقلاب در میان دختران بیش از دیگر مقاطع اقدام به تغییر نام کرده‌اند در حالی که پسران در سالهای اخیر به نسبت بیشتری پدیده دو اسمی شامل حال آنها شده است. در هر دو مورد، مقطع راهنمایی (متولدین ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴) کمتر از دیگران اسم غیر رسمی انتخاب کرده‌اند.

تغییر نامها به لحاظ مصداق یا مفهومی بودن اسامی، همان روند کلی تحولات نامگذاری است، بدین مفهوم که از تعداد اسامی مصداقی کاسته و به تعداد اسامی مفهومی افزوده می‌شود.

جدول ۷۶/ مقایسه اسامی رسمی و غیر رسمی به لحاظ مصداق و مفهوم

مصدق - مفهوم	مصداق فرد	مصداق غیر فرد	مفهومی	کاربردی	خدا	نامعلوم	جمع
ام رسمی	۲۹۶	۳۰	۱۳۲	۷	۵	۳	۴۷۳
	(۶۲/۶)	(۶/۳)	(۲۷/۹)	(۱/۵)	(۱/۱)	(۰/۶)	
ام غیر رسمی	۱۶۵	۵۲	۲۲۲	۱۹	۶	۹	۴۷۳
	(۳۴/۹)	(۱۱/۰)	(۴۶/۹)	(۴/۰)	(۱/۳)	(۱/۹)	

مشاهده می‌شود که تعداد اسامی مصداق فرد بشدت کاهش یافته و سهم آن از کل اسامی از ۶۲/۶ درصد به ۳۴/۹ درصد می‌رسد، در مقابل اسامی مفهومی به همان نسبت افزایش یافته و از ۲۸ درصد به حدود ۴۷ درصد یا نیمی از اسامی افزایش می‌یابد.

همچنان که ملاحظه می‌شود تعداد موارد کاربردی و نامعلوم از ۱۰ مورد به ۲۸ مورد افزایش یافته که نشان دهنده بکارگیری اسامی ناشناخته و غیر مرسوم به عنوان اسم غیر رسمی است.

گوناگونی نامهای رسمی و غیر رسمی به لحاظ فرهنگ اطلاق به آنها نیز تقریباً مشابه روند تحولات در نامگذاری کودکان است. در مجموع اسامی غربی، ملی و خنتی به لحاظ طیف مورد بررسی در اسامی غیر رسمی و مرسوم افزایش می‌یابد.

جدول ۷۷۱ مقایسه اسامی رسمی و غیر رسمی به لحاظ فرهنگ

فرهنگ	رسمی		غیر رسمی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
غربی	۳	۰/۶	۱۲	۲/۶
ملی	۶	۱/۵	۳۴	۷/۲
خنتی	۱۰۳	۲۱/۸	۲۱۲	۴۵/۲
اسلامی	۳۵۱	۷۴/۲	۱۹۷	۴۲/۰
خرده فرهنگ	۹	۱/۹	۱۴	۳/۰
جمع	۴۷۲	۱۰۰/۰	۴۶۹	۱۰۰/۰

همچنان که ملاحظه می‌شود اسامی ملی و غربی به ترتیب حدود ۴ برابر افزایش داشته‌اند و اسامی خنتی نیز بیش از دو برابر افزایش نشان می‌دهد، در حالی که اسامی اسلامی با کاهش شدیدی مواجه شده‌اند.

بیشتر شدن اسامی خرده فرهنگ مربوط به ورود اسامی ترکی دختران در میان جامعه است که کم کم در حال تبدیل شدن به یک جزء فرهنگی از نامها و زبان فارسی است. تحول در ویژگیهای اسامی مذهبی نیز به نوبه خود اهمیت دارد.

جدول ۷۸/ مقایسه اسامی اسلامی رسمی و غیر رسمی

اسامی اسلامی	رسمی (۱)	غیر رسمی (۲)	نسبت ۲ به ۱
مذهبی جدید	۴۵	۴۷	۱/۰۴
اسلامی- ملی	۱۴۹	۶۲	۰/۴۲
مذهبی سنتی	۹۷	۳۷	۰/۳۸
مذهبی ایدئولوژیک	۳۸	۴۷	۱/۲۴
عبری	۲۲	۱۴	۰/۶۴
جمع	۳۵۱	۱۹۷	۰/۵۶

مشاهده می‌گردد که علی‌رغم کاهش اسامی اسلامی در نامهای غیر رسمی نسبت به رسمی؛ در درون مقولات گوناگون اسامی اسلامی نیز تحول مشابهی وجود دارد، بدیهی صورت که اسامی سنتی اسلامی و ملی-اسلامی و نیز عبری با کاهش قابل توجهی مواجه‌اند، در مقابل نامهای ایدئولوژیک و اسامی جدید مذهبی نه تنها کاهش نداشته‌اند که بر تعداد آنها افزوده نیز شده است.

در صورتی که اسامی خرده فرهنگ را به لحاظ بار فرهنگی جزو مقوله خشی قرار دهیم در این حالت طیفی چهار قسمتی خواهیم داشت شامل غربی تا اسلامی که عدد ۱ تا ۴ به آنها داده می‌شود.

مقایسه میانگین بار فرهنگی نامهای رسمی و غیر رسمی با استفاده از روش آماری T-TEST به شرح زیر می‌باشد.

$$\text{میانگین بار فرهنگی اسامی رسمی} = ۳/۷۲۴$$

$$\text{میانگین بار فرهنگی اسامی غیر رسمی} = ۳/۲۹۷$$

$$\text{تفاوت دو میانگین} = ۰/۴۲۷$$

$$t = ۱۰/۶۷$$

sig=۰/۰۰۰۰

آزمون T-TEST نشان می‌دهد که تفاوت میان میانگین دو طیف کاملاً معنادار است، و در سطح یک هزارم خطا ناشی از تصادف خواهد بود، و اسامی غیر رسمی تقریباً به اندازه نیم واحد از میانگین اسامی رسمی کم شده است.

همبستگی دو متغیر مذکور بسیار جزئی است، و این امر به منزله آن است که تفاوت‌های فرهنگی موجود میان اسامی رسمی و غیر رسمی یک نواخت و در عموم افراد دارای یک جهتگیری مشخصی نیست. تحول مذکور بر حسب جنسیت نیز معنادار می‌باشد. در حالی که میانگین بار فرهنگی اسامی رسمی میان دو جنس تفاوت معناداری ندارد، در اسامی غیر رسمی این تفاوت معنادار بوده و اسامی دوم دختران فاصله بیشتری از اسامی اسلامی گرفته است.

جدول ۷۹۱ مقایسه میانگین بار فرهنگی اسامی رسمی و غیر رسمی بر حسب جنسیت

sig	کل	پسر	دختر
۰/۶۱	۳/۷۲	۳/۷۴	۳/۷۱ میانگین بار فرهنگی اسامی رسمی
۰/۰۵	۳/۳۰	۳/۴۲	۳/۲۶ میانگین بار فرهنگی اسامی غیر رسمی

نتایج جدول حاکی از آن است که تحول در نامهای غیر رسمی دختران نسبت به پسران بیشتر است، و فاصله اسامی غیر رسمی دختران از اسامی رسمی آنها به طرز معناداری بیش از این فاصله برای پسران است.

همچنان که گفته شد تحول در اسامی مورد مطالعه الزاماً یکسو نیست، بلکه از اسامی غیر اسلامی به اسامی و نامهای اسلامی هم تحول مشاهده می‌گردد جزئیات این تحول را می‌توان در جدول بعد مشاهده کرد.

جدول ۸۰۱ مقایسه اسامی رسمی و غیر رسمی بر حسب چگونگی رابطه این دو

اسامی غیر رسمی	اسامی رسمی			
	۱- غربی	۲- ملی	۳- خنثی	۴- اسلامی
غربی	۱	۰	۲	۰
ملی	۰	۱	۰	۵
خنثی	۵	۷	۴۸	۴۸
اسلامی	۶	۲۶	۱۷۵	۱۴۴
جمع	۱۲	۳۴	۲۲۵	۱۹۷

در صورتی که ارقام دو طیف فرهنگ را از یکدیگر کم کنیم، مقادیر تفاوت از رقم $۲+$ تا $۳-$ در نوسان خواهد بود، رقم $۲+$ به معنای تبدیل بار فرهنگی غربی و ملی به خنثی و اسلامی در اسامی غیر رسمی است و رقم $۳-$ به معنای تبدیل اسامی رسمی اسلامی به غیر رسمی غربی است.

جدول ۸۱۱ تفاوت بار فرهنگی اسامی رسمی و غیر رسمی

تفاوت	+۲	+۱	۰	-۱	-۲	-۳
تعداد	۷	۴۸	۱۹۴	۱۸۲	۳۱	۶
درصد	۱/۵	۱۰/۱	۴۱/۰	۳۸/۵	۶/۶	۱/۳

خلاصه یافته‌ها

- ۱- تنوع اسامی برای جنس دختر حدود ۱/۷ برابر جنس پسر است.
- ۲- تنوع اسامی در مقوله نامهای خنثی بیشتر از سایر مقولات است و می‌تواند به علت وجود امکان نوآوری برای این اسامی در طول زمان باشد.
- ۳- در هر دو جنس اسامی مفهومی بالاترین تنوع را دارند. اما در نامهای مصداقی فرد درصد نامهای پسر حدود ۳ برابر دختر است و برعکس در اسامی مصداقی غیر فرد تنوع نامهای دختر ۲ برابر پسر است.
- ۴- درصد نامهای مذهبی مادران در مقایسه با پدران ۲۲ درصد کمتر است و برعکس نامهای خنثی در مادران ۳۰ درصد بیشتر از پدران است.
- ۵- درصد نامهای مذهبی پدران و مادران به مرور زمان کاهش یافته اما این کاهش در مورد پدران با نوسانات شدیدتری همراه است که نشان دهنده تاثیر تحولات سیاسی بر نامهای پدران است.
- ۶- میزان اسامی مصداق فرد برای پدران بیشتر از مادران است. این امر به دلیل کمتر بودن تعداد شخصیت‌های زنان است.
- ۷- نامهای پدران از نظر تعداد حروف، سیلاب بیشتر از مادران است اما به مرور هم نامهای مادران و هم پدران کوتاهتر شده است.
- ۸- نامهای پدران در مقایسه با مادران ترکیبی‌تر و کاربرد بیشتری دارند و پسوند در آنها بیشتر است.
- ۹- در نامهای فرزندان گرایش نامهای دختر بیشتر به طرف نامهای غربی، خنثی، مذهبی ایدئولوژیک و عبری، اما گرایش نامهای پسر به طرف نامهای ملی مذهبی، ملی و مذهبی جدید است که به معنای انتقال میراث فرهنگی از طریق نامهای پسران است. در مجموع تعداد اسامی مذهبی پسران حدود ۳/۳ برابر دختران است.
- ۱۰- میانگین تعداد سیلاب، حروف و حروف سخت در نام فرزندان نسبت به پدر و مادر

کمتر شده علاوه بر این تفاوت پسر و دختر از حیث این متغیرها نسبت به تفاوت بین پدر و مادر کمتر شده است. لذا پیش‌بینی می‌شود به مرور تفاوت نام پسر و دختر از این نظر از بین برود.

۱۱- استفاده از پیشوند و پسوند سید در پسر و سیده و سادات در دختر نسبت به پدر و مادر افزایش یافته اما در سایر موارد کاهش وجود دارد. پیش‌بینی می‌شود سایر پیشوندها به مرور کارکرد خود را از دست بدهند.

۱۲- درصد نامهای ساده در پسر نسبت به پدر و در دختر نسبت به مادر افزایش دارد. اما از انواع ترکیبات موجود استفاده از «ترکیب دو اسم» در پسران تفاوت کمتری نسبت به پدر دارد.

۱۳- اسامی حامل فرهنگ ملی طی دوره اولیه مورد مطالعه به مرور کاهش یافته و این روند تا سال ۶۱ ادامه دارد و پس از آن با اندکی افزایش به حدود ۵/۸ تا ۶/۷ درصد می‌رسد. سپس به طور متوسط حول و حوش ۵ درصد ثابت می‌ماند.

۱۴- اسامی اسلامی طی سالهای ۴۵ تا ۵۵ حدود ۶۰ درصد بوده ولی از سال ۵۶ افزایش یافته و در سال ۶۱ به حداکثر خود یعنی ۶۸/۱ درصد می‌رسد. تحولات اسامی اسلامی بر حسب جنسیت مبین آن است که تفاوت‌های موجود به نسبت بیشتری از خلال نامگذاری بر فرزند پسر صورت گرفته است.

۱۵- تحول اصلی در اسامی خنثی مربوط به نامهای پسران است. سرعت افزایش این نامها در پسران بیشتر بوده و در نتیجه فاصله اسامی دو گروه دختر و پسر به مرور کاهش یافته است.

۱۶- اسامی خرده فرهنگ طی سالهای ۴۵ تا ۵۹ روند ثابتی داشته است لیکن از سال ۵۹ افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. اما تغییرات به وجود آمده در این نوع اسامی ناشی از افزایش نسبت آن برای جنس مؤنث است لذا اسامی پسران در طی دوران تغییرات معناداری داشته‌اند.

۱۷- در اسامی مصداق فرد گرایی کلی به سوی کاهش استعمال آنها بوده است. اسامی مصداق غیر فرد فراز و نشیبهای بیشتری داشته به طوری که از ابتدای دوره تا اول انقلاب بین حداقل ۱۰ و حداکثر ۱۱ درصد در نوسان بوده، بعد از انقلاب کاهش یافته ولی از سال ۶۴ تا ۷۲ مجدداً افزایش و به حداکثر مقدار خود رسیده است. در اسامی مفهومی تغییرات تا سال ۶۲ روند گویایی ندارد ولی از سال ۶۳ تا ۷۴ با افزایش قابل ملاحظه‌ای مواجه شده است.

۱۸- تغییرات از نظر ریشه عربی طی سالهای ۴۵ تا ۵۳ حدود ۶۸ درصد است ولی از سال ۵۳ افزایش یافته و در سال ۶۱ به ۷۷ درصد می‌رسد سپس با روند کاهشی در سال ۷۲ به حداقل خود یعنی ۵۸/۶ درصد می‌رسد. عکس روند مذکور در مورد اسامی با ریشه فارسی وجود دارد.

۱۹- تعداد حروف به مرور زمان تا سال ۵۹ کاهش یافته و از حداکثر ۵/۰۹ حرف در هر اسم به حداقل ۴/۷۴ حرف در هر اسم می‌رسد سپس با تغییر تدریجی به حداکثر ۵/۱۶ حرف در سال ۷۲ افزایش می‌یابد.

۲۰- کاهش تعداد سیلاب صرفاً برای پسران اتفاق افتاده و برای دختران این کاهش چشمگیر نیست. گرچه در اواسط دوره مورد مطالعه (۵۴-۶۰) اندکی از سیلاب اسامی کاسته می‌شود، لیکن در مجموع می‌توان مدعی شد که به لحاظ رسیدن اسامی به حد بهینه سیلاب اسامی حداکثر کاهش خود را طی کرده است.

۲۱- نسبت اسامی دارای پیشوند و پسوند در طول زمان ثابت بوده اما اگر اسامی با پیشوند سادات و سید از اسامی حذف شود، تعداد اسامی دارای پیشوند و پسوند در طول زمان شدت کاهش یافته و احتمالاً در آینده به صفر می‌رسد.

۲۲- اسامی ترکیبی از سال ۵۷ شروع به کاهش کرده و تا سال ۷۰ ادامه دارد و مجدداً پس از این سال با اندکی افزایش همراه بوده است ولی در مجموع به مرور زمان از سهم ترکیبی در نامهای کودکان تهرانی کاسته شده است.

۲۳- از نظر نسبت حروف سخت تحول قابل ملاحظه‌ای در اسامی کودکان تهرانی در طی

دوره مورد بررسی دیده نمی‌شود. تنها در مورد دختران طی سالهای ۴۹-۶۰ اندکی از حروف سخت کاسته شده است.

۲۴- مقایسه گرایش فرهنگی نام پدر با پسر و مادر با دختر نشان می‌دهد که متابعت اسامی پسران از پدران بسیار بیشتر از متابعت دختران از مادران است.

۲۵- متولدین اول انقلاب در میان دختران بیش از دیگر مقاطع اقدام به تغییر نام کرده‌اند در حالی که پسران در سالهای اخیر به نسبت بیشتری پدیده دو اسمی شامل حال آنها شده است.

۲۶- تحول بار فرهنگی در نامهای غیر رسمی دختران نسبت به پسران بیشتر است و فاصله بار فرهنگی اسامی غیر رسمی دختران از اسامی رسمی آنان به طرز معناداری بیش از این فاصله برای پسران است.

فهرست منابع

- ۱- البوت، تی اس. درباره فرهنگ. ترجمه حمید شاهرخی. نشر مرکز. تهران: ۱۳۶۹.
 - ۲- آشوری، داریوش. تعریفها و مفهوم فرهنگ. مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران: ۱۳۵۷.
 - ۳- اسکیدمور، ویلیام. تفکر نظری در جامعه‌شناسی، مترجمان علی محمد حاضری و دیگران. نشر سفیر، تهران: ۱۳۷۲.
 - ۴- توسلی، غلامعباس. نظریه‌های جامعه‌شناسی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی «سمت»، تهران: ۱۳۶۹.
 - ۵- ریشه، گئی. کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی زاده، دانشگاه فردوسی مشهد: ۱۳۶۷.
 - ۶- ریشه، گئی. تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی. تهران: ۱۳۶۸.
 - ۷- رابرتسون، بریان. درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان. انتشارات قدس، مشهد: ۱۳۷۲.
 - ۸- سروش، عبدالکریم. رازدانی و روشنفکری و دینداری. مقاله فرهنگ (۱۰۵-۱۳)، مؤسسه فرهنگی صراط. تهران: ۱۳۷۰.
 - ۹- عبدی، عباس. تجزیه فرهنگی. مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران: ۱۳۷۴.
 - ۱۰- فاستر، جرج م. جوامع سنتی و تغییرات فنی. مترجم سید مهدی ثریا. معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران، زمستان؛ ۱۳۷۵.
 - ۱۱- کوئن، بروس. درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. فرهنگ معاصر تهران، چاپ دوم؛ ۱۳۷۱.
 - ۱۲- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران: ۱۳۷۳.
 - ۱۳- لسنکی، گرهارد و جین لسنکی. سیر جوامع بشری. مترجم ناصر موقیان. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۶۹.
 - ۱۴- لاور، رابرت اچ. دیدگاههایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سید امامی، مرکز نشر دانشگاهی. تهران: ۱۳۷۳.
 - ۱۵- مدرسی، یحیی. درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران: ۱۳۶۸.
- 1- Habibi, Nader/ Popularity of Islamic and Persian names in Iran before and after the Islamic revelation/ International Journal of middle East studies/ Vol. 24/ No.2/ May 1992.
- 2- Stanley Liberson & Eleanor O.Bell/ Childern's first names: An Empirical study of social taste/ U.S.A/ University of Chicago/ 1992.
- 3- Besnard. Philippe/ Comment on Liberson & Bell/ American Journal of sociology/ Vol 100/ No.3/ 1995.
- اطلاعات ماشینی سازمان ثبت احوال کشور
 - نگاهی به اسامی شهدای انقلاب اسلامی ایران، بنیاد شهید، معاونت برنامه‌ریزی و امور مجلس، آبان ماه ۱۳۷۳.
 - نامگذاری در ایران در رساله دکترای همیزه ایرانی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۶۲.

